



وزارة التعليم والتعليم العالي

سکوی پرواز
سید محمد باقر ابطحی

نام کتاب: سکوی پرواز
 نویسنده: سید محمد باقر ابیطی
 طرح جلد: محمد حسین مویدی
 صفحه آرا: رضا فریدی
 گوی از مرکز تخصصی نماز ستاد اقامه نماز
 انتشاراتی ستاد اقامه نماز
 ناشر: مؤسسه فرهنگی
 ۵۰۰۰ نسخه
 شمارگان: ۱۳۹۲
 ثبت چاپ: اول زمستان
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۷-۱۰۲-۷
 شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۷-۱۰۰-۳
 چاپ و صحافی: گلها
 چاپ: ۸۰۰۰ تومان
 قیمت: ۸۰۰۰ تومان
 مراکز پخش: انتشارات ستاد اقامه نماز
 تهران/میلان فلسطین/انتشارات ستاد اقامه نماز
 تلفن: ۱۱۹۰۰۰۵۹ - ۱۱۱۹۶۶۶۶
 دفاتر ستاد اقامه نماز سراسر کشور



ستاد اقامه نماز
 مرکز تخصصی نماز

فهرست مطالب

پیشگفتار	۱۰
بخش اول: شناخت خالق	۱۳
درس اول: عشق کارتون	۱۴
درس دوم: مهربان ترین دوست	۱۷
درس سوم: دوست داشتنی ترین یاور	۱۹
درس چهارم: روز استثنایی	۲۲
درس پنجم: محبت خالق	۲۵
درس ششم: خدای روزی بخش	۲۷
درس هفتم: ناظر بخشنده	۲۹
درس هشتم: پناه بی پناهان	۳۱
درس نهم: نجوای کوچک	۳۳
درس دهم: خدایا، این همه مشکل، چرا؟!	۳۵
بخش دوم: چرا نماز؟	۳۷
درس یازدهم: بهترین پشتمانه	۳۸
درس دوازدهم: خشکی در دریا	۴۰
درس سیزدهم: گلستان الهی	۴۳
درس چهاردهم: هم نشینی با او	۴۶
درس پانزدهم: سکان کشتی	۴۸
درس شانزدهم: تحمل سختی ها	۵۱
درس هفدهم: احساس قدرت	۵۴

درس هجدهم: غذای روح	۵۶
درس نوزدهم: دشمن دوستی	۵۸
درس بیستم: دوپینگ الهی	۶۰
درس بیست و یکم: ساعت جان دار	۶۲
درس بیست و دوم: خواهر قرآن	۶۴
درس بیست و سوم: آرزوی خلوت	۶۶
درس بیست و چهارم: دکتر عالمیان	۶۹
بخش سوم: آثار نماز	
درس بیست و پنجم: بهترین بازدارنده	۷۱
درس بیست و ششم: امیدبخش ترین آیه	۷۲
درس بیست و هفتم: خرید نیکو	۷۴
درس بیست و هشتم: ملاقات با او	۷۶
درس بیست و نهم: دریادل	۷۸
درس سی ام: خدایا، دوری یا نزدیک؟!	۸۰
درس سی و یکم: دیدار خاشعانه	۸۲
درس سی و دوم: پیامبر خوبی ها	۸۴
درس سی و سوم: خلق نیکو	۸۶
درس سی و چهارم: نماز احیاگر	۹۰
درس سی و پنجم: گناه شیطان	۹۳
درس سی و ششم: تیر سمج	۹۶
درس سی و هفتم: ولی خدا	۹۸
درس سی و هشتم: خوی حسن	۱۰۰
درس سی و نهم: سپر نماز	۱۰۲
درس چهل و یکم: سختی سنگ یا نرمی آب	۱۰۴
درس چهل و دوم: حافظ آبرو	۱۰۷
درس چهل و سوم: نماز دو لایه است؟!	۱۰۹
درس چهل و چهارم: حافظ آبرو	۱۱۱

درس چهل و سوم: کودک حکیم و شجاع	۱۱۴
درس چهل و چهارم: مانور پوشالی	۱۱۶
درس چهل و پنجم: شکوه نماز	۱۱۸
درس چهل و ششم: نماز حقیقی	۱۲۰
درس چهل و هفتم: زینت پدر	۱۲۳
درس چهل و هشتم: دختر آسمانی	۱۲۵
درس چهل و نهم: فرمانده خوبی ها	۱۲۸
درس پنجاهم: توکل بر خدا	۱۳۰
درس پنجاه و یکم: عید بندگی	۱۳۳
درس پنجاه و دوم: عید ولایت	۱۳۵
درس پنجاه و سوم: اعداد مقدس	۱۳۸

بخش چهارم: بهترین شیوه اقامه نماز ۱۴۱

درس پنجاه و چهارم: مزد الهی	۱۴۲
درس پنجاه و پنجم: خلبان ملکوت	۱۴۴
درس پنجاه و ششم: امتحان شیعیان	۱۴۷
درس پنجاه و هفتم: هدیه هوایی	۱۵۰
درس پنجاه و هشتم: جایگاه های بهشتی	۱۵۳
درس پنجاه و نهم: نامه سؤالی	۱۵۷
درس شصتم: ثمره جماعت	۱۶۰
درس شصت و یکم: جماعت کوچک	۱۶۲
درس شصت و دوم: دوست داشتنی ترین سواری	۱۶۴
درس شصت و سوم: خانه دوست	۱۶۶

بخش پنجم: موانع نماز ۱۶۹

درس شصت و چهارم: زنجیر شیطان	۱۷۰
درس شصت و پنجم: تجارت خسارت	۱۷۲
درس شصت و ششم: وای بر	۱۷۴

درس شصت و هفتم: نگاه سرنوشت ساز.....	۱۷۷
درس شصت و هشتم: بوسه شیطان	۱۷۹
بخش ششم: آداب قبل از نماز	
درس شصت و نهم: مقدمات دیدار (۱).....	۱۸۱
درس هفتادم: مقدمات دیدار (۲).....	۱۸۲
درس هفتاد و یکم: طهارت (۱).....	۱۸۴
درس هفتاد و دوم: طهارت (۲).....	۱۸۶
درس هفتاد و سوم: طهارت (۳).....	۱۹۰
درس هفتاد و چهارم: خاک پاک	۱۹۴
درس هفتاد و پنجم: تابلوهای تیمم	۱۹۷
درس هفتاد و ششم: پاکی جسم	۱۹۹
درس هفتاد و هفتم: وقت ملاقات (۱).....	۲۰۲
درس هفتاد و هشتم: وقت ملاقات (۲).....	۲۰۵
درس هفتاد و نهم: به سوی او.....	۲۱۰
درس هشتادم: ثواب انرژی زا	۲۱۳
درس هشتاد و یکم: دعوت بندگی	۲۱۶
بخش هفتم: آداب حین نماز	
درس هشتاد و دوم: اساس نماز	۲۱۹
درس هشتاد و سوم: به خاطر او	۲۲۱
درس هشتاد و چهارم: ایستادن (۱).....	۲۲۲
درس هشتاد و پنجم: ایستادن (۲).....	۲۲۴
درس هشتاد و ششم: تکبیر آغاز	۲۲۷
درس هشتاد و هفتم: اوج تواضع	۲۳۰
درس هشتاد و هشتم: نهایت بندگی (۱).....	۲۳۲
درس هشتاد و نهم: نهایت بندگی (۲).....	۲۳۵
درس نودم: سجده گاه	۲۳۷
	۲۳۹
	۲۴۱

درس نودویکم: وَّیْل.....	۲۴۴
درس نودودوم: مادر قرآن.....	۲۴۶
درس نودوسوم: یاد او.....	۲۴۸
درس نودوچهارم: شهادتین نماز.....	۲۵۲
درس نودوپنجم: پایان زیبا.....	۲۵۴
درس نودوششم: کارخانه شیرتوشیر.....	۲۵۶
بخش هشتم: آداب بعد از نماز.....	
درس نودوهفتم: دعای نماز.....	۲۵۹
درس نودوهشتم: شکر نماز.....	۲۶۰
درس نودونهم: قدردانی.....	۲۶۲
درس نودودهم: هدیه استثنایی.....	۲۶۴
درس نودونهم: هدیه استثنایی.....	۲۶۷

پیشگفتار

دوران معاصر با وجود اینکه به سبب توسعه و گسترش ارتباطات، عصر ارتباطات نام گرفته است، اما به دلیل کم‌رنگ شدن ارتباط انسان با حقیقت اصلی آفرینش، یعنی خداوند متعال، بشریت را در معرض بحرانی بزرگ قرار داده است. بدین ترتیب انسان امروز بیش از پیش نیازمند ترمیم و اصلاح رابطه میان خود و خدا شده است.

پیشنهاد همیشگی قرآن و عترت در این زمینه، روی آوردن به نماز است که "الصلاة معراج المؤمن". اما برای اینکه بتوان از نماز بهره کافی برد و به سوی خدا پرواز کرد، قبل از هر چیز باید انگیزه پرواز را در خود ایجاد کرد و بهترین راه برای ایجاد این انگیزه، شناخت صحیح و هرچه بیش‌تر خدای بزرگ است.

در این نوشتار سعی شده است با استفاده از گنجینه ارزشمند قرآن و عترت، به معرفی معبود و اوصاف او به‌ویژه دوجنبه رحمانیت و رحیمیت او پرداخته شود. زیرا به نظر می‌رسد که شناخت و توجه به این دو صفت، انسان را به خدا نزدیک‌تر کرده و از گناه دور می‌سازد. به همین خاطر است که در فرازی از مناجات شعبانیه آمده است: "الهی لم یکن لی حول فانتقل به عن معصیتک الا فی وقت یقضت لی لمحبتک" که مفهوم آن این است که انسان‌ها در اثر ایمان به خدا و محبت نسبت به او از گناه و معصیت دور شده و انگیزه عروج پیدا می‌کنند.

از همین رو، نام این نوشتار را سکوی پرواز قرار دادیم تا با توفیق از درگاه خالق ایزد و با استفاده از روش‌های ماندگار و جدول، کارتهای بازی، بازی کلمات، حروف درهم‌ریخته، تصاویر، داستان‌های جذاب و کوچک، شعر، مسابقه... نوجوانان عزیز را با نماز، این سکوی پرواز معنوی آشنا کنیم.

و من الله التوفیق
سید محمد باقر ابطحی

تذکر

درس‌نامه پیش رو به‌منظور استفاده ائمه جماعات برای تدریس در فاصله بین‌الصلاتین تنظیم شده است و با بیانی ساده به برخی از مباحث مورد نیاز مخاطبان درباره نماز می‌پردازد.

لازم است که ائمه جماعات مدرسه - و یا مربیان پرورشی - قبل از تدریس، درس‌ها را مطالعه کنند و در صورت نیاز، ابزار کمک‌آموزشی لازم هر درس را تهیه، و آماده اجرا نمایند.

درس‌ها به اقتضای مناسبت‌ها و تناسب سنی مخاطبان و برای اجرا در مدت هفت دقیقه (در بین دو نماز) آماده شده است.

امید که با شناخت کامل روش بهره‌گیری از ابزار کمک‌آموزشی و رعایت تناسب سن، جنس، معلومات و استعداد مخاطبان در ارائه هرچه بهتر مفاهیم اعتقادی، اخلاقی و احکام دین مبین اسلام موفق و مؤید باشید.

ومن الله التوفیق

بخش اول

شناخت خالق

درس اول: عشق کارتون

دوستان عزیز، سلام.
حالتان خوب است؟ امیدوارم که خوب و خوش و سرحال باشید.
من.....، یکی از طلاب حوزه علمیه قم، از امروز امام جماعت شما هستم، و هر روز بین دو نماز چند دقیقه‌ای خدمت شما خواهم بود.
امیدوارم دقایقی که با هم هستیم، جزو مفیدترین لحظات زندگی شما باشد.
ابتدا: برای اینکه ببینم چقدر حواستان جمع است، چند سؤال می‌پرسم.
خیلی سریع بگویید بند پوتین چندتا سوراخ دارد؟ احسنت؛ بند پوتین که سوراخ ندارد.
در کشتی حضرت موسی علیه السلام از هر حیوان چندتا جمع شده بودند؟ آفرین کشتی حضرت نوح علیه السلام بود، نه کشتی حضرت موسی علیه السلام.
آفرین به حواس جمع‌تان! برنامه امروز را می‌خواهم با یک سؤال کارتونی شروع کنم. آیا می‌دانید بالاترین فروش یک انیمیشن در ۴۸ ساعت اول نمایش متعلق به چه کارتونی بود؟^۱ راهنمایی می‌کنم؛ "کارتونی درباره زندگی یک ماهی"^۲.

۱. مربی می‌تواند به‌منظور راهنمایی، تصویری از این کارتون را به بچه‌ها نشان دهد.

۲. مربی پاسخ دانش‌آموزان را می‌شنود؛ سپس پاسخ را می‌گوید.



بله؛ درود بر شما! "در جست‌وجوی نمو".

بچه‌ها، جالب است بدانید که این کارتون در ۴۸ ساعت اول، بیش از هفتاد میلیون دلار فروش کرده است.^۱

حالا می‌خواهم خاطره‌ای را از یکی از دوستانم برایتان تعریف کنم. او می‌گفت: "پسری دارم هفت‌ساله که کلاس اول است. قرار بود یکی از کارتون‌های مورد علاقهٔ پسر من از شبکهٔ نمایش پخش شود؛ اما کاری پیش آمد و نتوانست آن را ببیند. برای همین با اصرار زیاد از من خواست که او را برای بار دومی که کارتون پخش می‌شد بیدار کنم؛ چون تکرار کارتون در نیمهٔ شب (نزدیک صبح) بود! به او گفتم: پسر عزیزم، فردا سی‌دی این کارتون را می‌خرم تا هر وقت که دوست داشته باشی آن را تماشا کنی. پسر من پاسخ داد: این کارتون خیلی قشنگ است و دوست دارم آن را از تلویزیون ببینم! من که اصرار او را دیدم، بالاخره راضی شدم و در ساعت مقرر او را بیدار کردم. پسر من با شوق و رغبت درحالی که از شدت خواب‌آلودگی چشمانش را می‌مالید از خواب برخاست و مشغول تماشای کارتون شد!

۱. رکوردهای گینس.

بعد من به این فکر افتادم که چرا پسر من با این که این کارتون را چندین بار تماشا کرده و می‌تواند سی‌دی آن را هم تهیه کند، باز هم به تماشای آن علاقه دارد؟!۱

راستی، چرا ما چنین شوق و رغبتی برای ارتباط با خدای خود که هزاران هزار نعمت برای ما آفریده است، نداریم؟ چرا حاضر نیستیم برای صحبت و راز و نیاز با او از خواب ناز شبانه برخیزیم و او را عبادت کنیم؟^۱

یکی از دلایل می‌تواند این باشد که ما هنوز خدا را به درستی و آن‌چنان که شایسته است نمی‌شناسیم و طبیعتاً هنوز نتوانسته‌ایم لذت مناجات با او را درک کنیم؛ ولی کسانی مثل پیامبر ما، حضرت محمد ﷺ و یا امامان معصومان علیهم‌السلام آن قدر به هم صحبتی و مناجات با خدا عشق و علاقه داشتند که داستان‌های فراوانی از آنها برای ما به یادگار مانده است. خدایا، لذت عبادت و مناجات با خودت را به همه ما بچشان.

آمین، یا رب العالمین.

۱. مربی پاسخ‌های بچه‌ها را می‌شنود.

درس دوم: مهربان‌ترین دوست

هر کار که می‌کنی بگو بسم الله تا جمله گناهان تو بخشد الله
دوستان خوب و عزیزم، سلام.

حالتان خوب است؟ امیدوارم همیشه خوب و سالم باشید.
برنامه امروز را با حل کردن جدولی که دو رمز دارد شروع می‌کنیم؛ آماده‌اید؟ آفرین!
۱. مفرد ارقام: رقم

۲. حلیم بیمه (بدون میم): حلی

۳. دست کشیدن بر روی سر و

پاها در هنگام وضو گرفتن:

مسح

۴. سوره‌ای که آیات حجاب در

آن آمده است: نور

رمز جدول چیست؟

رمز اول؛ ستون سمت راست از بالا به پایین: رحمن

رمز دوم؛ ستون سمت چپ از پایین به بالا: رحیم

دوستان خوبم، "رحمن" به معنای "بخشنده" و "رحیم" به معنای "بخشایگر"، دو
صفت از صفات زیبای خداوند متعال است که در آیه شریفه "بسم الله الرحمن الرحیم"
هم آمده است. همان‌طور که می‌دانید این آیه در ابتدای همه سوره‌های قرآن - به جز سوره
توبه - تکرار شده و نشان می‌دهد که خدای بزرگ بندگان را بسیار دوست دارد. البته
مفسران گرامی قرآن کریم معتقدند که "رحمانیت" خداوند شامل حال همه انسان‌ها، و

"رحیمیت" او تنها شامل حال مؤمنان است. درضمن علت اینکه آیه شریفه "بسم الله الرحمن الرحیم" در ابتدای سوره توبه نیامده این است که این سوره با اعلام براءت و دوری جستن از مشرکان پیمان شکن آغاز شده است و به همین دلیل نام دیگر این سوره، "براءت" می باشد.

دوستان عزیز، خوب است بدانید که درمورد اهمیت و آثار به زبان آوردن "بسم الله الرحمن الرحیم" روایات فراوانی از اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است؛ از جمله از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که چون روز قیامت شود به بنده گناهکار امر می شود که وارد آتش دوزخ شو. چون نزدیک دوزخ می شود، می گوید: "بسم الله الرحمن الرحیم" و با همین جمله آتش دوزخ به اندازه هفتاد هزار سال راه از او دور می شود.

در روایت دیگر آمده است که چون بنده خدا را پای میزان حساب حاضر می کنند و نامه اعمال او را درحالی که پر از افعال و کردار زشت است به دست او می دهند، در حال گرفتن آن، بنابر عادتی که در دنیا داشته است می گوید "بسم الله الرحمن الرحیم". وقتی نامه اعمال خود را می گشاید، آن را سفید می بیند! بنده عاصی و گناه کار به فرشتگانی که حاضرند می گوید: در این نامه چیزی نوشته نشده است که بخوانم! فرشتگان پاسخ می دهند: در این نامه تمام اعمال بد تو نوشته شده بود؛ اما به برکت و مبارکی "بسم الله الرحمن الرحیم" محو شد.^۱

بله؛ این است رحمت و لطف همیشگی خدا بر همه بندگان. پس همیشه در آغاز هر کاری گفتن "بسم الله الرحمن الرحیم" یادمان نرود. خداوندا، ما را با "رحمانیت" و "رحیمیت" خود آشنا بگردان.

آمین، یارب العالمین

۱. فتح الله کاشانی، منهج الصادقین، ج ۱، ص ۳۳.

درس سوم: دوست‌داشتنی‌ترین یاور

ای خدایی که تویی بنده‌نواز می‌کنم قفل دلم پیش تو باز
هر کجا می‌روم و می‌گذرم سایه مهر تو باشد به‌سرم

برنامه امروز را با نام و یاد خدای مهربان آغاز می‌کنیم.

سلام علیکم.

دوستان من، به این کارت‌ها توجه کنید:^۱

الله	لرئوف	إِنَّ	بِالنَّاسِ	رَحِيمٍ
------	-------	-------	------------	---------

اگر این کلمات را به شکل صحیح در کنار هم قرار دهیم، قسمت پایانی آیه ۱۴۳ سوره مبارکه بقره به‌دست می‌آید. خوب، نظر شما چیست؟

احسنت! "إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَّؤُوفٌ رَحِيمٌ؛ یعنی همانا خداوند نسبت به مردم بسیار رئوف و رحیم است." این جمله در آیه ۶۵ سوره مبارکه حج هم آمده است و اهمیت آن را نشان می‌دهد. نکته مهم این جمله این است که خدای خوب و مهربان، نسبت به همه مردم (ناس) "رئوف" و "رحیم" است؛ چه مسلمان باشند و چه کافر؛ چه خوب باشند و چه بد، و چه نیکوکار باشند و چه گناه‌کار! خدا حتی نسبت به فرعون هم مهربان بود؛ همان فرعونی که ادعای خدایی می‌کرد و برای از بین بردن حضرت موسی عليه السلام، هزاران نوزاد پسر را کشت!^۲

۱. مربی می‌تواند کارت‌ها را به پنج نفر دانش‌آموز بدهد تا آنها را جلوی جایگاه نگه دارند و یا با آهن‌ربا روی وایت‌برد بچسباند.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۵۱.

اما خداوند پس از آنکه حضرت موسی علیه السلام را به پیامبری برگزید، از او و برادرش خواست که فرعون را که طغیان کرده بود، با زبان نرم و اخلاق نیک به سوی خدا دعوت کنند؛ شاید که پند گیرد و از خدا بترسد؛ "اذهبا الی فرعون انه طغی، فقولاً له قولاً لیناً لعله یتذکر او یخشی".^۱ این به این معناست که خداوند متعال با وجود همه جنایات و گناهان فرعون، بازهم از هدایت او مأیوس نبوده است و به علاوه نرم‌خویی و مهربانی با دیگران را به‌حدی مؤثر و مفید می‌داند که حتی ممکن است کسی مثل فرعون را هم به راه بیاورد. بچه‌های خوب، همان‌طور که می‌دانید خدای بزرگ و مهربان هزاران پیامبر را برای هدایت انسان‌ها به میان آنها فرستاده تا آنان را از بدی‌ها بازدارند و به کارهای خوب دعوت کنند. خداوند متعال در قرآن کریم اعمال نیک را نام می‌برد و می‌فرماید که من انجام‌دهندگان این اعمال را دوست دارم. همچنین اعمال بد را نام می‌برد و از انجام دهندگان آنها بیزاری می‌جوید و مانند مادری مهربان (بسیار مهربان‌تر از مادر) به تربیت آنها می‌پردازد.

حالا به این کارت‌ها توجه کنید:

ان الله لا يحب الظالمين^۲ (ظلم‌کنندگان)

ان الله يحب المحسنين^۱ (نیکوکاران)

ان الله لا يحب المفسدين^۴ (فسادکنندگان)

ان الله يحب المتقين^۳ (پرهیزکاران)

ان الله لا يحب الخائنين^۶ (خیانت‌کاران)

ان الله يحب الصابرين^۵ (صبرکنندگان)

ان شاء الله همه ما بتوانیم با عشق به خداوند متعال از بدی‌ها دوری کنیم و به خوبی‌ها عمل نماییم.

بارالها، ما را به راه راست هدایت فرما.

آمین، یا رب العالمین

۱. بقره: ۱۹۵.

۲. آل عمران: ۷۶.

۳. همان، ۱۴۶.

۴. همان، ۵۷.

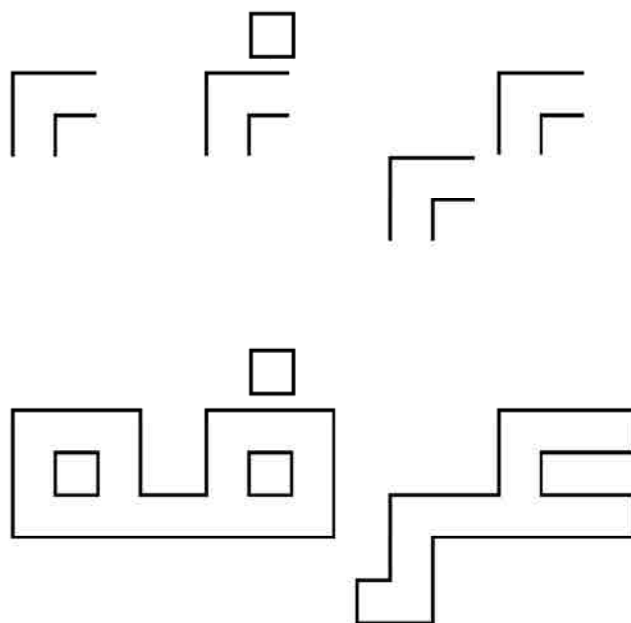
۵. مائده: ۶۴.

۶. انفال: ۵۸.

درس چهارم: روز استثنایی

به نام آن که ستارالعیوب است به نام آن که دانای غیوب است
به نام آن که دربندش، امیر است رها از بند او بی‌شک، اسیر است

با نام و یاد خدای بزرگ، سلام می‌کنم به شما بچه‌های خوب و زرنگ!
دوستان خوب، حدس بزنید این کلمه چیست؟



بله عزیزان، "عرفه".

امروز می‌خواهیم دربارهٔ عرفه صحبت کنیم.

خوب، عرفه یعنی چه؟

آفرین! عرفه، یعنی شناخت و بنابراین روز عرفه (نهم ذی حجه، یک روز قبل از عید قربان) هم یعنی روز شناخت.

ما باید در این روز تلاش کنیم تا با پیروی از حضرت آدم علیه السلام، حضرت ابراهیم علیه السلام، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و بالاخره امام حسین علیه السلام به خدا نزدیک شویم و با مطالعه دعاهای این روز و مخصوصاً دعای عرفه امام حسین علیه السلام، خدا را بهتر بشناسیم و آگاهانه تر عبادت کنیم. برطبق روایتی از امام صادق علیه السلام، حضرت آدم علیه السلام بعد از هبوط و ورود به زمین، راه توبه را از جبرئیل آموخت و پس از تضرع فراوان، توبه اش در روز هشتم ذی حجه در صحرای عرفات مورد قبول خداوند واقع شد.^۱

حضرت ابراهیم علیه السلام نیز در این سرزمین مناسک حج را توسط جبرئیل یاد گرفت، و آخرین سوره قرآن هم در صحرای عرفات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد،^۲ و بالاخره حضرت سیدالشهدا علیه السلام نیز در آخرین حج خود، دعای مشهور عرفه را برای تمام حق جویان به یادگار گذاشت.^۳

... در روز عرفه، امام حسین علیه السلام همراه با فرزندان و گروهی از اصحاب خویش از خیمه خود در صحرای عرفات بیرون آمد و در سمت چپ کوه رحمت و در برابر کعبه، با خواندن دعای عرفه، درواقع کلاس درس شناخت خدا تشکیل داد.

در این دعا ما با خدای بزرگ و صفات گوناگون او به خوبی آشنا می شویم و راه راز و نیاز و مناجات با او را می آموزیم. برای مثال در این دعا، فرازهایی وجود دارد که "ستاریت" و "پرده پوشی" خدا را برای ما تشریح می کند:^۴

- یا من... عَصَى فَسْتَرْ؛ ای خدایی که پرده پوش گناه بندگان هستی.

- لولا سترک ایای لکنت من المفضوحین؛ اگر پرده پوشی تو نبود، از رسوایان بودم.

- عظمت خطیبتی فلم یفضحنی ورائی علی المعاصی فلم یشهرنی... یا من ایادیه عندی لا تحصی؛ ای

۱. سیدهاشم بحرینی، البرهان، ج ۱، ص ۸۶.

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۵۰.

۳. عبدالکریم بی آزار شیرازی، دعای عرفه، شناخت و خودسازی، ص ۴.

۴. فرازهایی از دعای عرفه.

خدا، خطاهایم بزرگ بود، رسوایم نکردی و مرا در حال گناه دیدی و آبرویم نریختی... ای کسی که بخشش‌هایت نسبت به من بی‌شمار است.
 بارالها، از تمام گناهان ما درگذر و قدرت پرده‌پوشی از گناه دیگران را به ما عنایت فرما.
 آمین، یا رب العالمین.

درس پنجم: محبت خالق

خداوند، پناه بندگانی نباشد جز تو یار مهربانی

خداوند، همه نیکویی از توست نوازش از تو و دلجویی از توست
سلام و آرزوی روزهایی خوش برای شما عزیزان.
دوستان خوبم، به سؤالات زیر جواب دهید تا رمز جدول و موضوع بحث امروز ما معلوم شود:

۱. سوره قلم با این حرف آغاز می‌شود: نون

۲. پیامبر قوم عاد بود: هود عليه السلام

۳. قرآن را باید با این صوت خواند: حسن

۱			
۲			
۳			

خوب، رمز جدول چیست؟^۱

بله؛ "حضرت نوح عليه السلام".

عزیزان من، داستان طوفان نوح را حتماً شنیده‌اید. پس از آنکه حضرت نوح عليه السلام نفرین کرد، و همه کفار غرق شدند، و کشتی او به ساحل نشست، دوران جدیدی آغاز شد. حضرت نوح عليه السلام بخشی از نیازهای خود را از راه کوزه‌گری برطرف می‌کرد. روزی فرشته‌ای به صورت انسان در پیش او ظاهر شد و کوزه‌ها را یکی‌یکی خرید؛ اما پیش چشم حضرت نوح عليه السلام آنها را خرد می‌کرد! حضرت نوح عليه السلام از این کار او ناراحت شد و اعتراض کرد که این چه کاری است که می‌کنی؟ فرشته گفت: من این کوزه‌ها را خریده‌ام و اختیارش را دارم!

۱. رمز جدول حرف آخر ردیف یک، حرف وسط ردیف دو و حرف اول ردیف سه است.

حضرت نوح علیه السلام فرمود: بله؛ اما اینها را من ساخته‌ام و از شکسته شدن آنها ناراحت می‌شوم. ملک گفت: تو فقط کوزه‌ها را ساخته‌ای؛ اما آنها را خلق نکرده‌ای؛ بالاین همه از شکستن آنها ناراحت می‌شوی. پس چگونه از خدا خواستی که انبوهی از خلق خود را هلاک گرداند؛ آیا خدا بندگانی را که خلق کرده است، دوست ندارد؟! نوح علیه السلام به فکر فرو رفت و سپس به گریه مشغول شد. آن قدر گریه کرد که نامش را نوح گذاشتند.^۱ امام باقر علیه السلام می‌فرماید: اگر مردی در شبی تاریک، شترش را که توشه سفرش را بر پشت آن گذاشته است گم کند و پس از جست‌وجوی فراوان آن را بیابد، چقدر خوش حال می‌شود، خداوند متعال بیشتر از او نسبت به توبه‌کنندگان خوش حال می‌شود^۲ تاجایی که حتی گناهان او را به حسنات تبدیل می‌کند. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: "کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح به‌جا آورند، خداوند گناهان آنها را تبدیل به حسنات می‌گرداند؛ زیرا خداوند در حق بندگانش بسیار آمرزنده و مهربان است."^۳

دوستان خوب، اگر ما هم باور کنیم که خدای مهربان، ما را بسیار دوست دارد، دیگر سراغ گناه نمی‌رویم و همواره احساس رضایت و شادی خواهیم کرد.

خداوند، فضل و رحمت خود را شامل حال همه ما بگردان.

آمین، یا رب العالمین.

۱. علی میرخلف‌زاده، قصص التوابع، ص ۱۸ و ۱۹.

۲. محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۴۳۵.

۳. فرقان: ۷۰.

درس ششم: خدای روزی‌بخش

به نام خدا، خالق آسمان به نام خدا، خالق این جهان
به نام خدا، رازق آب و نان به نام خدایی که هست مهربان

سلام و درود خدمت شما دوستان خوب و گرامی، برنامه امروز را با یک داستان شروع می‌کنیم.

روزی پادشاهی تصمیم گرفت به شکار برود. بنابراین بزرگان و خدمتکاران و غلامان وسایل شکار را جمع‌آوری کردند و به قصد شکار بیرون رفتند. وقتی به شکارگاه رسیدند، شاه و بزرگان مشغول شکار کردن شدند تا اینکه هنگام ظهر فرا رسید و سفره ناهار را پهن کردند و مرغ بزرگ بریان‌شده‌ای را برای شاه آماده کردند. شاه تا خواست مرغ را بردارد، شاهینی پروازکنان از راه رسید و مرغ را به منقار گرفت و از آنجا دور شد. شاه به شدت عصبانی شد و به لشکریان دستور داد شاهین را دنبال کرده، هرطور که هست او را شکار کنند. شاهین در هوا و حاکم و لشکریان در روی زمین به حرکت درآمدند تا اینکه شاهین کوه را دور زد و در نقطه‌ای فرود آمد. شاه و لشکریان که در پی او بودند با کمال تعجب مشاهده کردند که در آن محل، فردی دست و پا بسته روی زمین افتاده است و شاهین با منقارش مرغ را تکه‌تکه می‌کند و در دهان مرد می‌گذارد! وقتی مرغ تمام شد، شاهین کنار رودخانه رفت و منقارش را پر از آب کرد و برگشت و آب را در دهان مرد ریخت!

حاکم و لشکریانش که وضع را چنین دیدند، نزد مرد رفتند و دست و پایش را باز کردند و احوالش را پرسیدند. مرد گفت: من بازرگانی هستم که برای تجارت به شهری می‌رفتم. در این منطقه راهزنان به من حمله کردند و اموالم را دزدیدند و حتی می‌خواستند مرا به قتل برسانند؛ اما من آن قدر التماس کردم که مرا نکشند تا بالاخره دلشان به رحم آمد؛ ولی

برای اینکه نتوانم از کسی کمک بگیرم و به تعقیب آنان پردازم، دست و پایم را بسته، اینجا انداختند و رفتند. بعد از یک روز، این پرنده آمد و نانی برایم آورد و امروز نیز مرغ بریان شما را به من خوراند!

شاه از شنیدن حکایت بازرگان منقلب شد و گفت: ستایش خداوندی را که به قدری بخشاینده و مهربان است که بنده دستوپا بسته‌اش را هم در بیابان، تنها رها نمی‌کند. وای بر ما که از چنین خدای مهربانی غافل هستیم؛ و این چنین شد که آن حاکم، حکومت را رها کرد و جزو عابدان و زاهدان روزگارش گردید.^۱

بچه‌های عزیز، گاهی پرداختن به کارهای کم‌اهمیت و بیهوده و یا حتی مهم و ضروری، ما را از راز و نیاز با خدا بازمی‌دارد؛ غافل از اینکه تمام امور و حتی روزی ما در دست پر قدرت اوست، و فقط خداست که می‌تواند همه کارهای ما را سامان بخشد. خداوند متعال در قرآن کریم خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: "ای پیامبر، به کسانی که به سوی تجارت و یا سرگرمی‌های بیهوده می‌شتابند و تو را تنها می‌گذارند، بگو آنچه نزد خداست بهتر از کارهای بیهوده و تجارت است، و خداوند بهترین روزی‌دهندگان است".^۲

خداوند، ایمانی به ما عطا فرما تا باور کنیم روزی‌مان در دست پر قدرت توست. آمین، یا رب العالمین.

۱. سید عبدالحسین دستغیب، استعاذه، ص ۲۲۳.

۲. جمعه: ۱۱.

درس هفتم:

ناظر بخشنده

خدایا، آفتاب و آب از توست ستاره، آسمان، مهتاب از توست
خدای غنچه‌های رنگ‌رنگی خدای شاپرک‌های قشنگی

دوستان عزیز و خوبم، سلام. امیدوارم که حالتان خوب و خوش باشد. برای شنیدن یک داستان آماده هستید؟ بسیار خوب؛ پس گوش کنید. علی کوچولو همراه پدر و مادر، و خواهرش گلی، برای دیدن پدربزرگ و مادربزرگ به مزرعه آنها رفت. مادربزرگ یک تیروکمان به علی داد که با آن بازی کند. موقع بازی، علی کوچولو به اشتباه تیری به اردک مادربزرگش زد که باعث کشته شدن آن شد. علی ترسید و لاشه حیوان را پشت هیزم‌ها پنهان کرد؛ اما وقتی سرش را بلند کرد فهمید که خواهرش همه‌چیز را دیده است، و علی نگران شد که نکند گلی قضیه را به مادربزرگ بگوید.

وقتی بچه‌ها به خانه برگشتند مادربزرگ به گلی گفت: در شستن ظرف‌ها به من کمک می‌کنی؟ گلی گفت: مامان بزرگ، علی به من گفت که او می‌خواهد در کارهای آشپزخانه به شما کمک کند! و زیرلی به علی کوچولو گفت: اردک که یادت هست؟! علی به ناچار برای اینکه آبرویش نرود با ناراحتی مشغول شستن ظرف‌ها شد. بعد از ظهر که شد، پدربزرگ گفت که می‌خواهد بچه‌ها را برای تفریح بیرون ببرد ولی مادربزرگ گفت: من برای درست کردن شام به کمک گلی احتیاج دارم. گلی لبخندی زد و گفت: نگران نباشید! چون علی به من گفته که می‌خواهد به شما کمک کند! و دوباره زیرلی به علی گفت: اردک که یادت هست؟!

آن روز گلی به تفریح رفت و علی کوچولو در تهیه شام به مادربزرگ کمک کرد. چند

روزی به همین منوال گذاشت و علی مجبور بود علاوه بر کارهای خودش، کارهای گلی را هم انجام دهد، تا اینکه دیگر نتوانست تحمل کند و رفت پیش مادر بزرگ و داستان را برای او تعریف کرد.

مادر بزرگ مهربان لبخندی زد و او را در آغوش گرفت و گفت: عزیز دلم، من خودم همه چیز را دیدم! و چون خیلی دوستت دارم، همان موقع تو را بخشیدم؛ اما فقط می‌خواستم ببینم تا کی می‌خواهی به گلی اجازه بدهی به خاطر یک اشتباه، تو را به خدمت خودش بگیرد!^۱

آری؛ دوستان من، گذشته ما هرچه باشد و هر کاری که کرده باشیم، باید بدانیم که خدا همه را دیده است؛ زیرا خود او در قرآن کریم می‌فرماید: خدا همه کارهایتان را می‌بیند^۲ و همچنین می‌فرماید: او تمام گناهان را می‌بخشد^۳ و نیز می‌فرماید: خدا شما را دوست دارد.^۴ و فقط می‌خواهد ببیند تا چه موقع به شیطان اجازه می‌دهید به سبب خطاهایتان شما را به خدمت بگیرد.^۵ خدا می‌فرماید: هر کس از یاد من غافل شود، شیطان یار و هم‌نشین دائمی او می‌شود.^۶

خداوند، ما را از شر نفس اماره و شیطان محفوظ بدار.

آمین، یا رب العالمین.

۱. امیررضا آرمیون، من، منم؟!، ص ۲۰۸ - ۲۱۱.

۲. توبه: ۱۰۵.

۳. زمر: ۵۳.

۴. بقره: ۲۲۲.

۵. زخرف: ۳۶؛ نور: ۲۱.

۶. زخرف: ۳۶.

درس هشتم: پناه بی پناهان

دل آرام گیرد به یاد خدا خدایی که پشت و پناه تو است
خدایی که از کودکی یار تو و در بی‌کسی تکیه‌گاه تو است

دوستان گرامی، سلام.

با یک داستان موافقید؟! پس گوش کنید:

زنی با لباس‌های کهنه و نگاهی غمگین وارد مغازهٔ خواربارفروشی شد. مغازه نسبتاً شلوغ بود. زن کمی مکث کرد تا مغازه خلوت شود. سپس با فروتنی و به‌آرامی از مغازه‌دار خواست که کمی خواروبار به او بدهد. وقتی فروشنده از او پرسید که چقدر پول دارد، پاسخ داد: شوهرم چندین ماه است که بیمار است و نمی‌تواند کار کند و اینک فرزندانم بی‌غذا مانده‌اند. بنابراین پولی برای پرداخت ندارم و فقط می‌توانم برایتان دعا کنم و یا بعداً آن را بپردازم!

صاحب مغازه که مردی بی‌ایمان بود، با عصبانیت از زن خواست که از مغازه‌اش بیرون برود و دعا کند که خود خدا چیزهایی را که می‌خواهد به او بدهد! مشتری دیگری که شاهد گفت‌وگوی آن دو بود، به مرد مغازه‌دار گفت: حساب این خانم با من؛ هرچه می‌خواهد به او بده!

مغازه‌دار با تمسخر گفت: لازم نیست؛ به حساب خودم! سپس رو به زن کرد و گفت: لیست خریدت کو؟ دعایت را هم روی آن بنویس و بگذار روی کفۀ ترازو و به اندازهٔ وزنش، هرچه خواستی ببر!

زن که چاره‌ای نداشت با دلی شکسته، تکه‌کاغذی از کیفش درآورد و چیزی رویش نوشت و آن را روی ترازو گذاشت.

کفه ترازو ناگهان پائین رفت و خواربارفروش در ناباوری تمام مشغول گردآوری لیست خرید شد و تا زمانی که همه کالاهای مورد نیاز زن را آماده نکرده بود، کفه ترازو از جای خود حرکت نکرد!

زن نیازمند روی کاغذ نوشته بود:

"خداوندا، تو تنها پناه و تکیه‌گاه من هستی و تمام نیازهای من را می‌دانی. تو را قسم می‌دهم که آبرویم را حفظ کنی."^۱

عزیزان من، آیا چنین خدایی ارزش راز و نیاز کردن را ندارد؟!

چقدر زیباست مناجات دوستان خدا در دل شب:

... یا مفزعی عند کربتی و یا غوثی عند شدتی...؛ ای پناه من در گرفتاری‌ها و ای دادرس من به هنگام سختی‌ها... به تو پناه می‌آورم و دست طلب به‌سوی دیگران دراز نمی‌کنم و فقط از تو حاجت‌هایم را می‌طلبم.

خداوندا، عمل کم مرا بپذیر و از گناهان بزرگم درگذر؛ چراکه تو آمرزنده و مهربانی.^۲
آمین، یا رب العالمین.

۱. امیررضا آرمیون، تو، تویی؟!، ص ۲۶۰ - ۲۶۳.

۲. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، اعمال سحر ماه رمضان.

درس نهم: نجوای کوچک

به نام خدایی که جان آفرید سخن گفتن اندر زبان آفرید
خداوند بخشنده دستگیر کریم خطاپوش پوزش‌پذیر

بچه‌ها، سلام. شکر خدا که حالتان خوب است و آماده‌اید که برنامه امروز را شروع کنیم.

خوب، ابتدا به سوالات زیر پاسخ دهید:

۱. محل نزول اولین آیات قرآن کریم، کجاست؟ غار (غار حراء)
 ۲. سوره‌ای که خبر از فتح مکه دارد، کدام است؟ فتح
 ۳. طریقه ارتباط خدا با پیامبران چیست؟ وحی
 ۴. سوره‌ای که به نام پایتخت یکی از کشورهای اروپایی است، کدام است؟ روم
- عزیزان من، حالا اگر حرف‌های اول و آخر پاسخ‌ها را کنار هم قرار دهید^۱ دو کلمه مورد نظر ما مشخص می‌شود:
- آفرین! کلمات "غفور" و "رحیم".

همان‌طور که می‌دانید این کلمات دو صفت زیبای خداوند متعال است.

درواقع یکی از امتیازات ما، بندگان خدا، این است که خدای مهربان گناهان بزرگ و کوچک ما را در صورتی که واقعاً پشیمان شده باشیم می‌بخشد. خداوند متعال در قرآن کریم خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید:

"قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ"^۲؛ یعنی ای پیامبر، به بنده‌های گناهکار من که به نفس خود ظلم کرده‌اند بگو از

۱. ابتدا بچه‌ها باید حروف اول کلمه‌ها، سپس حروف آخر کلمه‌ها را کنار هم قرار دهند.

۲. زمر: ۵۳.

رحمت خدا ناامید نشوید؛ زیرا خدا تمام گناهان و معصیت‌های شما را می‌آمرزد و او بسیار بخشنده و مهربان است.

دوستان من، این آیه از فراگیر بودن رحمت خدا نسبت به بندگان و قبولی توبه آنان حکایت می‌کند. نقل شده است که در زمان حضرت موسی علیه السلام در اثر نیامدن باران بنی‌اسرائیل گرفتار قحطی شدند. مردم خدمت حضرت موسی علیه السلام جمع شدند تا آن حضرت برای آمدن باران دعا کند.

حضرت موسی علیه السلام از مردم خواست که در صحرایی جمع شده، نماز طلب باران بخوانند. جمعیتی بیشتر از هفتاد هزار نفر در صحرا جمع شدند و مشغول دعا کردن شدند؛ اما هرچه دعا کردند خبری از باران نشد. حضرت موسی علیه السلام سر به آسمان بلند کرد و عرض کرد: خدایا، چرا دعای من و هفتاد هزار نفر از پیروانم را اجابت نمی‌کنی؟! خطاب رسید: ای موسی، در میان شما یک نفر است که چهل سال است مرا معصیت می‌کند. به او بگو از میان جمعیت بیرون برود تا باران را بر شما نازل کنم. حضرت موسی علیه السلام پیام خدا را به بنی‌اسرائیل رساند. آن شخص گنهکار هنگامی که دید کسی از جمعیت خارج نمی‌شود، فهمید که شخص مورد نظر، خودش است و سخت متحیر شد و با خود گفت: چه کنم؟ اگر برخیزم، رسوا می‌شوم و اگر بیرون نروم، باران نازل نمی‌شود! بنابراین همان‌جا از صمیم قلب از گناهان زشت خود پشیمان شد و توبه کرد. ناگهان ابرها آمدند و باران شدیدی باریدن گرفت. حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: خدایا، کسی از میان ما بیرون نرفت؛ پس چرا باران آمد؟! خطاب شد: آن گنهکار توبه کرد و من به خاطر او باران فرستادم. حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: این بنده معصیت‌کار را به من نشان ده. خطاب آمد: ای موسی، در وقتی که او مرا معصیت می‌کرد رسوایش نکردم، حالا که توبه کرده او را رسوا کنم؟! من ستار العیوب (پوشاننده گناهان) هستم.^۱

خداوندا، غفوریت و رحیمیت خود را شامل حال ما بگردان.

آمین، یا رب العالمین.

۱. علی میرخلف‌زاده، قصص التوابع، ص ۹۵ - ۹۷.

درس دهم:

خدایا، این همه مشکل، چرا؟!!

در ابتدای کارم، نام تو را بیارم باشد که خوب گردد، پایان این بهارم

عزیزان من، سلام. ان شاء الله که خوب و خوش و خرم باشید.
برنامه امروز را با یک خاطره شروع می‌کنیم. یک روز بعد از برگزاری نماز جماعت در یکی از مدارس، دانش‌آموزی به‌سراغم آمد و گفت: حاج آقا، چرا ما که اهل نماز هستیم و سعی می‌کنیم کارهای خوب انجام دهیم، وضع زندگی‌مان از کسان دیگری که اهل نماز و کارهای خوب نیستند، بدتر است؟! کسانی که تابه‌حال یک نماز هم نخوانده‌اند، همیشه مشغول خوش‌گذرانی هستند و هرچه می‌خواهند به‌دست می‌آورند! مگر خدا آنها را بیشتر از ما دوست دارد؟!!

در جواب او داستانی را که می‌خواهم برای شما بازگو کنم، تعریف کردم:
آهنگری پس از اینکه دوران جوانی خود را بدون توجه به معنویت و خودسازی طی کرده بود تصمیم گرفت در زندگی خود تجدید نظر کند و از آن پس به نیکی کردن در حق مردم رو بیاورد؛ اما درست از زمانی که روش زندگی خود را تغییر داد، مشکلات و سختی‌های بیشتری برایش پیش آمد تا جایی که عده‌ای از دوستانش او را مورد نکوهش قرار دادند و به او طعنه زدند که بهتر است از راه صحیح و مسیری که انتخاب کرده‌ای برگردی!

اما آهنگر که دیگر به مراتب بالایی از ایمان به خدا دست یافته بود به آنها پاسخ داد:
می‌دانید که من در این کارگاه، چگونه از فولاد خام، شمشیری برنده می‌سازم؟ ابتدا فولاد را به‌شدت حرارت می‌دهم تا سرخ شود؛ بعد با سنگین‌ترین پتک‌ها و پشت سر هم به آن ضربه می‌زنم و این کار را تا جایی که فولاد به شکل مورد نظرم دربیاید ادامه

می‌دهم، و دست آخر، آن را در تشت آب سرد فرو می‌برم تا صدای ناله و فریادش بلند شود! این کار را آن قدر تکرار می‌کنم تا شمشیری محکم و برآن بسازم!! آهنگر ادامه داد: گاهی فولادی که به‌دستم می‌رسد، نمی‌تواند تاب این عملیات را بیاورد و در اثر حرارت، ضربات پتک و آب سرد، ترک می‌خورد و من می‌فهمم که این فولاد، هرگز تیغه شمشیر مناسبی نخواهد شد!

حالا اینکه می‌بینید سختی‌ها و دشواری‌ها به من رو آورده است، بدین خاطر است که خدا دارد مرا در آتش رنج فرو می‌برد؛ ضربات سنگینی بر زندگی من وارد می‌کند، و در حالات مختلف قرارم می‌دهد تا مانند فولاد آب‌دیده، قوی و مؤثر باشم! من از صمیم قلب از خدا می‌خواهم که این آزمایش‌ها و ابتلائات را ادامه دهد و هرگز مرا به کوه فولادهای بی‌فایده پرتاب نکند!

بی‌جهت نیست که امام حسن عسگری علیه السلام می‌فرماید: هیچ گرفتاری و مشقتی نیست، مگر اینکه نعمتی آن را فرا گرفته است.^۱

همچنین بی‌جهت نیست که امام حسین علیه السلام در روز عاشورا هرچقدر مصیبت بیشتر می‌شد و لحظه وصال نزدیک‌تر می‌گشت، رنگ صورت مبارکش سرخ‌تر و شاداب‌تر می‌شد. پروردگارا، ما را در مقابل مشکلات و گرفتاری‌ها صابر و شکیبا قرار بده. آمین، یا رب العالمین.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۸.

بخش دوم

چرا نماز؟

درس یازدهم: بهترین پشته‌بانه

به نام آن که ملکش بی‌زوال است به وصفش، نطق صاحب‌عقل لال است

سلام، سلامی به گرمی آفتاب به شما دوستان خوب و شاداب.
خداوند متعال، در آیه ۲۸ سوره مبارکه نساء می‌فرماید: "خُلِقَ الْإِنْسَانُ وَ...؟!"
کلمه‌ای که باید در جای خالی قرار بگیرد، از این حروف درست شده است:

ا ف ض ع ک

بله؛ کلمه مورد نظر "ضعیف" می‌باشد. بنابراین، کلام خداوند این است: "خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا؛ یعنی انسان، ضعیف خلق شده است".
البته شاید در نگاه اول این مطلب درست به نظر نرسد و شما بگویید که برعکس، انسان، خیلی هم قوی است! اما اگر کمی توجه کنیم می‌فهمیم که انسان از جهات زیادی، ضعیف و ناتوان است. برای مثال از نظر سلامتی و بهداشت، یک میکروب یا ویروس کوچک (مانند ویروس آنفولانزای نوع A) که برای دیدنش باید از میکروسکوپ الکترونیکی استفاده کرد، می‌تواند در مدت چند روز یک انسان قوی را از پای درآورد، و یا از نظر روحی و روانی، پیش آمدن حوادث تلخ و ناگوار، می‌تواند افراد را کاملاً ناامید و افسرده کند!
حالا برای اینکه انسان در برابر انواع سختی‌ها و ناملایمات احساس ضعف نکند و روحیه خود را از دست ندهد، نیازمند پشته‌بانه‌ای است تا با تکیه و توکل به او احساس قدرت کند.
قرآن کریم، چنین پشته‌بانه‌ای را به ما معرفی کرده است. او کسی است که:

بکل شیء محیط

علی کل شیء قدیر

بکل شیء علیم

- "بکل شیء علیم"؛ یعنی او حقیقتی است که به همه علوم داناست.

- "علی کل شیء قدیر"؛ یعنی او حقیقتی است که بر هر کاری قادر است.

- "بکل شیء محیط"؛ یعنی او حقیقتی است که به همه چیز احاطه دارد.

بچه‌های خوب، آن حقیقت عظیم کیست؟

آفرین! الله جل جلاله.

مسلماً کسی که با چنین قدرت عظیم و بی‌کرانی ارتباط برقرار کند، دیگر از هیچ‌چیز نخواهد ترسید و به پشتوانه او احساس قدرت و قوت می‌کند.

حتماً این را هم می‌دانید که بهترین راه ارتباط با خدا، "نماز" است.

کسی که نماز می‌خواند دیگر در برابر مشکلات و قدرت‌های پوشالی و دشمنان احساس ضعف نمی‌کند؛ چون با خواندن نماز و ارتباط با خدا یقین پیدا می‌کند که همه‌چیز در ید قدرت اوست، و او همواره پشتیبان آدمی است.

بارالها، دل‌های ما را با نور ایمانت، گرم و نورانی بگردان.

آمین، یا رب العالمین.

درس دوازدهم: خشکی در دریا

خداوندا تو یی پروردگارم همه از توست یا رب هرچه دارم
چگونه شکر این نعمت گزارم که در دل پرتو مهر تو دارم

سلام به شما نمازگزاران و دانش آموزان گرامی.
امیدوارم حالتان خوب باشد و سرحال و بانشاط باشید. خوب، آماده هستید که با هم یک
جدول حل کنیم؟! پس شروع می کنیم.

				۱
				۲
				۳
				۴

سؤالات جدول:

۱. سوره‌ای از قرآن کریم که به نام یک زن نمونه تاریخ نام گذاری شده است؟ مریم علیها السلام
۲. پیامبری که زیردریایی سوار شد (نهنگ او را بلعید)؟ یونس علیه السلام
۳. داستان او از دیدگاه قرآن، بهترین داستان معرفی شده است؟ یوسف علیه السلام
۴. سوره‌ای به نام یکی از صفات خدا و به معنی "برتر": اعلی

بسیار خوب؛ رمز جدول چیست؟^۱

بله؛ موسی.

دوستان من، همان‌طور که می‌دانید حضرت موسی علیه السلام یکی از پیامبران اولوالعزم است که زندگی بسیار پرماجرایی دارد و به دلیل اینکه همواره خدای بزرگ را در نظر داشته و به او توکل کرده است، خدا هم بسیار به او یاری رسانده و درواقع با معجزاتی که به آن حضرت عنایت کرد، عظمت خود را به نمایش گذاشته است.

هنگامی که حضرت موسی علیه السلام و پیروانش از ظلم فرعونیان به ستوه آمدند، خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد که "پیروان خود را شبانه از مصر خارج کن".

آنها شبانه از مصر به سوی فلسطین حرکت کردند؛ اما در میانه راه، ناگهان متوجه شدند که آب، راه را بر آنان بسته است! و این در حالی بود که فرعون از حرکت آنها باخبر شده بود و به همراه سپاهیانش در تعقیب آنان بود. بنی اسرائیل که وضع را چنین دیدند از شدت ترس، نزدیک بود جانشان از کالبدشان پرواز کند و با شیون و فریاد گفتند: "اَنَا مُدْرِكُونَ!"^۲ یعنی دیگر به دام افتادیم و حتماً کشته خواهیم شد؛ اما حضرت موسی علیه السلام که به خدا ایمان داشت و از تأثیر دعا و نماز و نیایش با خدا خبر داشت، فرمود: "كَلَّا اِنَّ مَعِيَ رَبِّی سَیْهِدُنِیْ؛ یعنی نه؛ این چنین نیست؛ بلکه پروردگار من با من است و راه را به ما نشان خواهد داد"^۳ و آنگاه دست به دعا برداشت.

در این هنگام خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد: "عصای خود را به دریا بزن"^۴. نیز فرمود: "برای بنی اسرائیل راهی خشک در دریا بگشا که نه از تعقیب (فرعونیان) خواهی ترسید و نه از غرق شدن در دریا"^۵.

موسی علیه السلام به فرمان خدا عصای خود را به دریا زد و بدین ترتیب آب دریا شکافته شد و

۱. اگر خانه اول، سؤال اول، خانه دوم، سؤال دوم، خانه سوم، سؤال سوم و خانه چهارم سؤال چهارم را کنار هم بگذاریم جواب به دست می‌آید.

۲. شعراء: ۶۱.

۳. همان، ۶۲.

۴. همان، ۶۳.

۵. طه: ۷۷.

موسی عليه السلام و بنی اسرائیل از همان راه حرکت کرده، از طرف دیگر به سلامت خارج شدند. فرعونیان هم که در تعقیب آنها بودند، از همان راه به حرکت خود ادامه دادند و زمانی که آخرین نفر از لشکر فرعون وارد دریا شدند، ناگهان به فرمان خدا آبها از هر سو به هم پیوستند و همه فرعونیان را به کام مرگ فرو بردند.^۱

می بینید دوستان من، چه خوب است انسان با کسی دوست باشد که به فرمان او دریا خشک شده و راه نمایان شود! پروردگارا، بهترین نعمت را که همان نعمت نیایش و ارتباط با توست، بر ما ارزانی بدار.

آمین، یا رب العالمین.

۱. صدرالدین بلاغی، قصص قرآن، ص ۱۴۶.

درس سیزدهم:

گلستان الهی

خدایا، آفتاب و آب از توست ستاره، آسمان، مهتاب از توست
خدای غنچه‌های رنگ‌رنگی خدای شاپرک‌های قشنگی

سلام

حال شما خوب است؟ امید دارم که شاد و سرحال باشید.

عزیزان؛ در درس گذشته در ضمن داستان حضرت موسی علیه السلام اشاره کردیم که خدای بزرگ، بهترین پشتوانه برای انسان است و کسی که با خدا ارتباط دارد و اهل نماز است، در مقابل هیچ مشکلی احساس ضعف نمی‌کند. درس امروز هم درباره یکی دیگر از پیامبران الهی است که او نیز با توکل به خدای بزرگ، توانست وظیفه مهم و دشوار رسالت را به بهترین صورت به انجام رساند.

خوب، او کیست؟!

او یکی از پیامبران اولوالعزم است. نامش به معنای "پدر عالی" است. نام پدرش "تارخ" و نام مادرش "ورقه" بود. در شهر "اور"، در نزدیکی رودخانه فرات متولد و در بابل به رسالت برگزیده شد.

اگر هنوز نام او را حدس نزدیدی، بهتر است بدانی که لقب او "خلیل الله" و معروف به "بت شکن تاریخ" است.

بله؛ حضرت ابراهیم علیه السلام

بچه‌ها، شما هم حتماً داستان حضرت ابراهیم علیه السلام را شنیده‌اید. پس از آنکه نمرودیان

۱. محمد خزائلی، اعلام قرآن، ص ۱۶۷.

۲. سیدهاشم رسولی محلاتی، قصص قرآن، ص ۱۱۰.

فهمیدند ابراهیم بت‌هایشان را شکسته و از بین برده است، نمرود تصمیم گرفت آن حضرت را به آتش بیندازد. بت‌پرستان گروه‌گروه هیزم می‌آوردند و در گودال بزرگی که آماده کرده بودند می‌ریختند. در کنار این گودال، جایگاه بلندی هم برای نمرود ساخته بودند تا نمرود از بالای آن، صحنه سوختن ابراهیم علیه السلام را نگاه کند و لذت ببرد.

وقتی هیزم‌ها را آتش زدند، شعله‌های آتش به قدری اوج گرفت که اگر پرنده‌ای از بالای آن عبور می‌کرد، می‌سوخت و در درون آتش می‌افتاد. بنابراین برای انداختن ابراهیم علیه السلام به آتش دچار مشکل شدند. در این هنگام، شیطان به کمک آنان آمد و برایشان منجنیقی ساخت تا ابراهیم علیه السلام را به وسیله آن، در آتش بیندازند.

زمانی که ابراهیم علیه السلام را در منجنیق گذاشتند، همه فریاد شادی سردادند و هیچ‌کس به یاری او نیامد. به همین خاطر فرشتگان آسمان، بسیار نگران شدند و گروه‌گروه نزد ابراهیم علیه السلام آمده، به او گفتند: "آیا از ما یاری نمی‌خواهی؟" ابراهیم علیه السلام به آنان گفت: "من جز به پروردگار خویش توکل نمی‌کنم و فقط از او یاری می‌طلبم."

فرشتگان به درگاه خدا رفته، از او درخواست کردند که ابراهیم علیه السلام را نجات دهد. از میان فرشتگان، جبرئیل به خدا عرض کرد: "خدایا، این بنده تو و خلیل تو، ابراهیم است و اینک جز او کسی تو را نمی‌پرستد؛ نزدیک است که در آتش کافران بسوزد."

خداوند متعال خطاب به جبرئیل فرمود: "آری؛ ابراهیم بنده من است، و اگر مرا بخواند، او را اجابت خواهم کرد."

منجنیق که رها شد، ابراهیم علیه السلام با آرامش کامل دست به دعا برداشت و از خدای بزرگ کمک خواست. در همین لحظه فرمان الهی خطاب به آتش صادر شد که: "ای آتش، برای ابراهیم سرد باش!" آتش که چاره‌ای جز فرمانبری از خدا نداشت سرد شد و به گلستانی سبز و خرم تبدیل گشت!

نمرود که ابراهیم علیه السلام را در گلستان دید، رو به آزر (پدرخوانده ابراهیم) کرد و گفت: "به‌راستی که پسر در نزد پروردگارش بسیار ارجمند است. اگر بنا باشد کسی برای خود

خدایی انتخاب کند، سزاوار است که خدای ابراهیم را انتخاب نماید".^۱
دوستان من،

چقدر خوب است که انسان چنین پشتوانه‌ی قادر و مهربانی داشته باشد که حتی بتواند
آتش را برای نجات او سرد کند.

بار الهاء، ما را بیش‌ازپیش با عظمت و قدرت خود آشنا فرما.

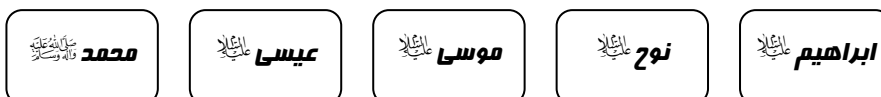
آمین، یا رب العالمین.

درس چهاردهم: هم‌نشینی با او

به نام خدایی که جان آفرید سخن گفتن اندر زبان آفرید
خداوند بخشنده دسـتگیر کریم خطـاپوش پـوزش‌پذیر

نمازگزاران گرامی، سلام‌علیکم.

برنامه امروز را با یک سؤال شروع می‌کنیم. دوستان من پیامبران اولوالعزم چه کسانی هستند؟



خداوند در حدیثی قدسی به یکی از این پیامبران اولوالعزم فرموده است: انا جلیس من ذکری؛^۱ یعنی من هم‌نشین کسی هستم که مرا یاد کند.

همچنین در قرآن کریم فرموده است: اقم الصلاة لذكری؛^۲ یعنی نماز را برای یاد من به پا دار. اگرچه تمام پیامبران به این دو توصیه عمل می‌کردند، این دو عبارت خطاب به حضرت موسی علیه السلام است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سخنی به اباذر، شیفتگی و علاقه خود به نماز را از علاقه انسان گرسنه به غذا، و انسان تشنه به آب بیشتر دانسته، می‌فرماید: شخص گرسنه هرگاه غذا بخورد سیر می‌شود، و شخص تشنه هرگاه آب بنوشد سیراب می‌گردد؛ اما من هیچ‌گاه از نماز سیر نمی‌شوم.^۳

۱. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۴۹۶.

۲. طه: ۱۴.

۳. سید محمد حسین طباطبایی، سنن النبی، ص ۳۰۴.

حضرت همیشه با اشتیاق تمام، در انتظار وقت نماز بود^۱ و دوبرابر نمازهای واجب، نمازهای مستحبی می‌خواند.^۲

پیامبر ﷺ چون خود را همیشه در پیشگاه خدا و هم‌نشین با او می‌دید، هیچ ترسی به دل راه نمی‌داد. زیرا قرآن کریم می‌فرماید: "الا ان اولياء الله لا خوف عليهم ولا هم يحزنون؛^۳ آگاه باشید که دوستان خدا نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند".

در سال سیزده بعثت، به دلیل آزار شدید مشرکان، پیامبر ﷺ تصمیم به هجرت به سوی مدینه گرفت. حضرت از مکه خارج شد و در مسیر خود به غار ثور رفت و در آنجا مخفی شد. مشرکان بهترین ردیاب مکه را - که مثل سگ بو می‌کشید و اثر پاها را به دقت دنبال می‌کرد - برای تعقیب پیامبر ﷺ با خود همراه ساخته، به تعقیب ایشان پرداختند؛ اما با معجزه‌ای الهی، آنگاه که پیامبر ﷺ و همراهش وارد غار شدند، پرنده‌ای در قسمت ورودی غار لانه گزید و تخم کرد، و عنکبوتی نیز به سرعت مشغول تنیدن تار به در غار شد! با رسیدن مشرکان به در غار، مرد ردیاب که در درستی کار خود تردید نداشت در کمال تعجب به تار عنکبوت نگریست و رو به ابوجهل کرد و گفت: ردشان تا اینجا آمده است اما اگر به غار رفته بودند باید این تار عنکبوت پاره می‌شد! مشرکان که به شدت حیرت‌زده و کلافه شده بودند، چاره‌ای جز بازگشت به مکه ندیدند!

این در حالی بود که پیامبر ﷺ نیز به یاری خداوند اطمینان داشت و آنگاه که نگرانی و اضطراب را در چهره هم‌سفر خود مشاهده کرد، به او فرمود: "لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا؛^۴ غمگین نباش (ترس) که خداوند با ماست".

آری؛ چقدر خوب است که انسان هم‌نشینی داشته باشد که با تار عنکبوت هم بتواند او را از مرگ حتمی نجات دهد!

خداوندا، لذت هم‌نشینی با خودت را نصیب همه ما بگردان.

آمین، یا رب العالمین.

۱. همان، ص ۲۶۸.

۲. همان، ص ۲۵۱.

۳. یونس: ۶۲.

۴. توبه: ۴۰.

درس پانزدهم: سکان کشتی

آغاز هر کلامی، حمد خدای یکتا همواره می‌برم من، نام مقدسش را

بچه‌ها، سلام. برنامه امروز را با یک سؤال متفاوت شروع می‌کنیم.

آیا می‌توانید شدیدترین طوفان‌های جهان را که در امریکا رخ داده است نام ببرید؟
به این عکس توجه کنید: طوفان "کاترینا" در سال ۲۰۰۵ میلادی رخ داد و ۱۷۵
کیلومتر در ساعت سرعت داشت. همچنین طوفان اخیر اوکلاه‌ما در سال ۲۰۱۳ میلادی
که سرعت آن ۳۲۰ کیلومتر در ساعت بود و در عرض ۴ کیلومتر و طول ۳۲ کیلومتر ادامه
یافت! آیا می‌دانستید که کارشناسان قدرت این طوفان را ۶۰۰ تا ۸۰۰ برابر بمب اتمی
هیروشیما و ناکازاکی ژاپن گفته‌اند؟!^۱





حالا به این حکایت گوش کنید:

شبی یک کشتی بخار، درحالی که دریا را می‌پیمود، گرفتار طوفان شد. کشتی چنان تکان می‌خورد که همهٔ مسافران، وحشت‌زده فریاد می‌کشیدند. دختر هشت‌سالهٔ ناخدا هم که با مادرش در کشتی بود، با سروصدای بقیه بیدار شد و از مادرش پرسید: چه اتفاقی افتاده

است؟! مادر گفت: طوفانی عظیم و غیرمنتظره پیش آمده است. کودک پرسید: آیا پدر پشت سکان کشتی است؟ مادر پاسخ داد: بله؛ او پشت سکان است.

دخترک با شنیدن این پاسخ، آرام گرفت و به رختخوابش بازگشت! کشتی همچنان به سختی تکان می‌خورد و مسافران همچنان هیاهو می‌کردند؛ اما دخترک به آرامی به خواب رفت؛ زیرا به سکان‌دار کشتی ایمان داشت!

خوب است که ما نیز کمی بیندیشیم و ببینیم که آیا ما نیز به سکان‌دار جهان ایمان داریم؟!

تابه‌حال شده که از خود بپرسید چرا حضرت موسی علیه السلام در برابر حمله فرعونیان نترسید؟

چرا حضرت یوسف علیه السلام از مشکلاتی که برایش پیش آمد نترسید؟

چرا حضرت ابراهیم علیه السلام از آتش نمرود نهراسید؟

چرا پیامبر ما، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم در غار ثور به وحشت نیفتاد؟

چرا مردان خدا از هیچ چیز نمی‌هراسند و غمی در دل خود راه نمی‌دهند؟^۱

بله؛ چون آنها سکان‌دار جهان هستی را به خوبی می‌شناسند و به عظمت، بزرگی و شایستگی او ایمان دارند.

دوستان خوبم، ما هم می‌توانیم با تقویت ارتباطمان با ناخدای هستی، قدرت و توان خود را برای مقابله با سختی‌ها و ناملایمات افزایش دهیم.

بارالها، ای سکان‌دار هستی، ایمان ما را نسبت به خودت هر روز افزون فرما.

آمین، یا رب العالمین.

۱. امیررضا آرمیون، تو تویی؟!، ص ۱۱۲ و ۱۱۳.

۲. الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم ولا هم یحزنون (یونس: ۶۲).

درس شانزدهم: تحمل سختی‌ها

در باغ قلب ما، هر گل به رنگ توست آغاز درس ما، نام قشنگ توست

سلام به همه شما دوستان خوبم. امیدوارم حالتان خوب باشد و درس‌هایتان را خوب خوانده باشید!

درس امروز را با برنامه "بازی با کلمات" شروع می‌کنیم.

الف

اولین حرف از الفبای فارسی:

ا

"نه" به زبان عربی:

الا

جای خالی در آیه (... بذكر الله تطمئن القلوب):

(الا بذكر الله تطمئن القلوب یعنی چه؟ یعنی با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌گیرد).

بلا

مشکلات ناخوشایند برای انسان:

ملا

جنسی برای زیورآلات زنانه که برای مردها حرام است:

لات

نام بتی که در قرآن آمده است:

کلات

قلعه مستحکم:

شکلات

یکی از تنقلات شیرین که زیادش خوب نیست:

مشکلات

سختی‌های دنیا:

خوب، بچه‌ها،

موضوع بحث امروز ما مشکلات است.

قبل از هر چیز باید بدانیم که مشکلات دنیا بر اثر سه چیز روی می‌دهد:
 "ندانم‌کاری"، "گناه" و "امتحان".

- برخی از مشکلات در اثر ندانم‌کاری و بی‌توجهی خود ما به وجود می‌آید؛ مانند کسی که به کار لوله‌کشی ساختمان وارد نیست، ولی خودش دست‌به‌کار لوله‌کشی می‌شود. چنین شخصی قطعاً برای خودش مشکل ایجاد می‌کند، و کسی غیر از خودش در این زمینه مقصر نیست.
- برخی از مشکلات هم در اثر گناه برای افراد به وجود می‌آید؛ مانند کسی که مرتکب دزدی می‌شود و به زندان می‌افتد. چنین شخصی نیز برای خود و خانواده‌اش مشکلات فراوانی ایجاد نماید و یا حتی اگر گرفتار قانون هم نشود، همیشه با ترس و نگرانی زندگی می‌کند. به علاوه "لقمه حرام" نیز در زندگی او مشکلات فراوانی را ایجاد خواهد کرد. همه این مشکلات به دلیل ارتکاب به گناه بزرگ دزدی گریبان او را می‌گیرد. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: "و ما اصابکم من مصیبة فمما کسبت ایدیکم و یعفوا عن کثیر؛^۱ اگر به شما مصیبتی برسد به دلیل کارهایی است که کرده‌اید، و خدا بسیاری از گناهان را می‌بخشد".
- برخی از مشکلات نیز در واقع بلاهایی هستند که خداوند بر سر راه انسان قرار می‌دهد تا او را مورد آزمایش قرار داده، زمینه رشد او را فراهم آورد. مانند حضرت یوسف علیه السلام که ابتدا گرفتار حسد برادرانش شد و به چاه افتاد، سپس به عنوان برده فروخته شد و در قصر عزیز مصر، گرفتار مکر زلیخا گردید. آنگاه به زندان افتاد و بدون اینکه جرمی مرتکب شده باشد، سال‌ها در زندان به سر برد! اما تمام این گرفتاری‌ها را تحمل کرد و در نهایت به مقام والایی در مصر رسید.
- دوستان من، با کمی توجه و تأمل درمی‌یابیم که هر کدام از این سه نوع مشکلی که مطرح شد با نماز حل خواهد شد؛ زیرا کسی که با خالق خود در ارتباط باشد، هیچ‌گاه دست به عملی نسنجیده نمی‌زند و کار را به کاردان می‌سپارد. چنین شخصی سعی می‌کند هرگز به گناه نزدیک نشود و یا اگر گرفتار گناه شد فوراً توبه می‌کند. به علاوه کسی که با خداوند دوست است و اهل عبادت و نماز است، از هیچ مشکلی نمی‌هراسد.

قرآن کریم در همین زمینه می‌فرماید: "الا ان اولياء الله لا خوف عليهم ولا هم يحزنون"؛^۱ یعنی به‌درستی که دوستان خدا از هیچ مشکلی نمی‌هراسند و اندوهگین نمی‌شوند. خداوند، قدرت تحمل سختی‌ها و ترک گناه را به ما عنایت فرما. آمین، یا رب العالمین.

درس هفدهم: احساس قدرت

به نام خداوند مردان مرد خداوند شیران وقت نبرد
همان‌ها که در بندگی اوّل‌اند و در آفرینش ز یک گوهرند

سلام، دوستان خوبم، با نام و یاد خدا برنامه امروز را با یک داستان شروع می‌کنیم. روزی پدری دست بر شانه پسرش گذاشت و از او پرسید: زور تو بیشتر است یا زور من؟ پسر جواب داد: زور من بیشتر است! پدر ناباورانه دوباره سؤال را تکرار کرد؛ ولی باز همان جواب را شنید. پدر چند قدمی از پسر دور شد و دوباره سؤال را تکرار کرد؛ اما این بار پسر جواب داد: و شما بیشتر است.

پدر پرسید: چرا دوبار اول این را نگفتی؟! پسر جواب داد: تا وقتی دست شما روی شانه من بود، دنیا را حریف بودم؛ ولی وقتی دست از شانه‌ام کشیدی، زور و قوّم را با خود بردی.^۱

عزیزان من، کسی که نماز می‌خواند، دست خدا را بر روی شانه‌اش حس می‌کند و هیچ‌گاه احساس ضعف و زبونی نمی‌کند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: "وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ^۲؛ هنگامی که بندگان من، مرا بخوانند، من به آنان نزدیکم" و در جای دیگری می‌فرماید: "وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ^۳؛ من از رگ گردن به شما نزدیک‌ترم".

۱. امیررضا آرمیون، من، منم؟!، ج ۱، ص ۱۹۲ و ۱۹۳.

۲. بقره: ۱۸۶.

۳. ق: ۱۶.

از این هم بالاتر خدای مهربان می‌فرماید: "وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ؛^۱ بدانید که خداوند میان انسان و قلب او حائل است!"
آیا از این نزدیک‌تر، امکان دارد؟!

دوست نزدیک‌تر از من به من است وین عجب‌تر که من از وی دورم
چه کنم، با که توان گفت که او در کنار من و من مهجورم؟^۲

چه خوب است که با ارتباط همیشگی با خدا و خواندن نماز، خود را به قدری قوی کنیم که هیچ مشکلی و هیچ دشمنی نتواند ما را شکست دهد. همان‌طور که امام علی علیه السلام هیچ‌گاه در مقابل دشمن، حتی در جنگ خندق و در مقابل عمروبن عبدود (پهلوان قریش) هراسی به خود راه نداد و همچنین مانند امام حسین علیه السلام که تنها با ۷۲ نفر در مقابل سی‌هزار نفر، در نهایت شجاعت و دلاوری جنگید و به شهادت رسید.
خداوندا، باور نزدیک بودن را به ما بچشان.

آمین، یا رب العالمین.

۱. انفال: ۲۴.

۲. سعدی.

درس هجدهم: غذای روح

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

سلام، سلام بر شما که دل‌های پاک و مهربانتان همچون آیینه می‌درخشد.
دوستان، چه کسی می‌تواند حدس بزند موضوع صحبت امروز ما چیست؟! دقت کنید!

ب
م
صبحانه

بله؛ صبحانه.

آیا بین شما کسی هست که امروز صبحانه نخورده باشد؟
آیا می‌دانید نخوردن صبحانه، چه مشکلی برای شما ایجاد می‌کند؟
پاسخ این سؤال را امام صادق علیه السلام این چنین می‌دهند: "ترک صبحانه باعث بیماری و ضعف بدن می‌شود".

این پاسخ نشان می‌دهد که صبحانه مهم‌ترین وعده غذایی است. درعین حال بقیه وعده‌ها هم مهم هستند و ما باید هر روز دو یا سه وعده غذا بخوریم تا قدرت کافی برای انجام فعالیت‌های مختلف داشته باشیم و بتوانیم با بیماری‌های احتمالی مقابله کنیم؛ اما خوب، همان‌طور که می‌دانید ما علاوه بر جسم مادی، روح هم داریم، و حالا این سؤال مطرح است که آیا "روح" هم مانند "جسم" به غذا نیاز دارد، و اگر دارد، غذای آن چیست؟!

بله؛ حق با شماست. روح ما هم غذا می‌خواهد و غذای آن، معنویت و ارتباط با خداست. برای همین است که باید روزی پنج نوبت نماز بخوانیم تا روحمان ضعیف نشود و قدرت مقابله با گناهان و امتحانات الهی را از دست ندهد.

حتماً شما هم می‌دانید که این پنج نوبت کدام‌اند؛ صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشا. خوب، به‌نظر شما چرا نماز چنین خاصیتی دارد و می‌تواند روح ما را تغذیه و تقویت کند؟! بله؛ کاملاً صحیح است. نماز، درواقع ارتباط با کسی است که از همه قوی‌تر است و هیچ‌کس نمی‌تواند برخلاف اراده و خواست او کاری بکند؛ چراکه "ان الله قوی عزیز؛^۱ همانا خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است". بنابراین مسلم است که هرکس به چنین قدرتی تکیه کند، از هیچ‌کس و هیچ‌چیز نمی‌ترسد.

درست مانند امام علی علیه السلام که در هیچ جنگی و در برابر هیچ دشمنی دچار هراس و تزلزل نشد و همواره موجب افتخار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان می‌گشت؛ مثلاً در جنگ خندق که عمروبن‌عبدود - یکی از پهلوانان عرب - با کبر و غرور فراوان، مبارز می‌طلبید، و لشکر اسلام از ترس در سکوت فرو رفته بود، فقط علی علیه السلام بود که برای مبارزه با او پا به میدان گذاشت و عمروبن‌عبدود را به هلاکت رساند. در اینجا بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ارزش ضربه شمشیری که علی علیه السلام بر عمرو وارد آورد، از تمام اعمال امت من بالاتر است.^۲

رمز موفقیت امیرالمؤمنان علیه السلام چه بود؟ ایمان به خدا و اقامه نماز راستین. بارالها، توفیق اقامه نماز راستین را به ما عنایت فرما و ما را از هدایت و پشتیبانی خود محروم نگردان.

آمین، یا رب العالمین.

۱. حدید: ۲۵؛ مجادله: ۲۱.

۲. جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۱۳۵ و ۱۳۶.

درس نوزدهم: دشمن دوستی

به نام خدا

خدایی که با یاد او دلم می شود مهربان
خدایی که در هر کجاست زمین، توی دل، آسمان

دوستان عزیز، سلام.

حالتان خوب است؟ ان شاء الله که همیشه سرحال و شاد باشید.

برنامه امروز را با چند سؤال شروع می کنیم؛ آماده اید؟!

بسیار خوب.

۱. جسم نیست: روح

۲. صد عربی: مأة

۳. نام سوره ای به معنای شب: لیل

۴. کمک پای پیران: عصا

۵. حرف بیست و هفتم الفبا: لام

۶. واحد پول ژاپن: ین

حالا...؛

حرف های اول و آخر را اگر کنار هم بذاری؛

پیام خوب ما را در میاری.

عزیزان من، پیام ما چیست؟

بله؛ "رحمة للعالمین".

"رحمة للعالمین" یعنی "رحمت برای جهانیان"، و این صفتی است که خدای مهربان در

قرآن کریم برای پیامبر اسلام ﷺ ذکر کرده است: "ما ارسلناک الا رحمة للعالمین؛^۱ ما تو را جز رحمت برای جهانیان نفرستادیم".

آری؛ خداوند کسی را به رسالت برانگیخت که رحمتش از رحمت الهی سرچشمه گرفته، همه گیر و همیشگی است. بی شک پیامبر اکرم ﷺ این ویژگی را به واسطه ارتباط عمیق با خدا و نمازی که آن را نور چشم خود می دانست،^۲ به دست آورده بود.

مشرکان مکه حدود سیزده سال بدترین ظلم و ستم و شکنجه را نسبت به پیامبر ﷺ و یارانش انجام دادند تا جایی که آنان مجبور شدند از مکه به مدینه هجرت کنند؛ اما پس از هشت سال که به فضل الهی سپاه اسلام در مدینه قدرت گرفت، پیامبر ﷺ با سپاه عظیمی بدون خونریزی مکه را فتح کرد! علی رغم اینکه برخی از سپاهیان و پرچم داران سپاه اسلام در اطراف پیامبر ﷺ شعار می دادند که "امروز، روز انتقام است"، پیامبر اکرم ﷺ خطاب به امیرالمؤمنان (علیه السلام) فرمود: پرچم را بگیر و ندا کن که "الیوم، يوم المرحمة؛ امروز، روز مهربانی و ترحم است".^۳

در آن روز کسانی که بدترین ستم ها، جسارت ها و دشمنی ها را در حق پیامبر ﷺ و یارانش کرده بودند، با جمله ای از سوی آن حضرت مواجه شدند که یوسف (علیه السلام) به برادران ستمگر خود فرمود که: "لا تثریب علیکم الیوم یغفر الله لکم وهو ارحم الراحمین،^۴ امروز ملامت و توبیخی بر شما نیست. خداوند شما را می بخشد که او مهربان ترین مهربانان است". پیامبر ﷺ سپس فرمود: بروید! شما از آزادشدگان هستید!

آنگاه پیامبر اکرم ﷺ خانه ابوسفیان را نیز برای مشرکان خانه امن قرار داد و رحمت الهی را به نمایش گذاشت.^۵

بارالها، ما را با رحمت و رأفت خودت ببخش و بیامرز.

آمین، یا رب العالمین.

۱. انبیاء: ۱۰۷.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۱۴۱.

۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۷، ص ۲۷۲.

۴. یوسف: ۹۲.

۵. جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، با اندکی تغییر و تلخیص، ج ۲، ص ۳۳۷ - ۳۴۰.

درس بیستم: دوپینگ الهی

به نام خداوند مردان مرد خداوند شیران وقت نبرد
همان‌ها که در بندگی اول‌اند و در آفرینش، به‌حق گوهرند

سلام، عزیزان من، حالتان چطور است؟ الحمدلله، شکر خدا!
دوستان، با زیارت‌نامه امام حسین علیه السلام که آشنا هستید!
خوب، پس فراز زیر را با کلماتی که می‌بینید کامل کنید:
اشهد انک قد... الصلوة و... الزکوة و... بالمعروف و... عن المنکر.

نهیّت	اَقمت	امرت	اتیت
-------	-------	------	------

بله؛ درست است؛

"اشهد انک قد اقامت الصلوة و آتیت الزکوة وامرت بالمعروف ونهیّت عن المنکر".^۱

یعنی شهادت می‌دهم که تو نماز را به‌پا داشتی و زکات را پرداخت کردی و به معروف امر نمودی و از منکر نهی کردی.

دوستان من، همان‌طور که می‌دانید عصر روز پنجشنبه، نهم محرم سال ۶۱ هجری قمری عمر سعد فرمان حمله به لشکر ۷۲ نفری امام حسین علیه السلام را صادر کرد. با بلند شدن صدای لشکر عمر سعد، حضرت زینب کبری علیها السلام به نزد امام علیه السلام رفت و عرضه داشت: برادر، اینک دشمن به خیمه‌ها نزدیک شده است. امام حسین علیه السلام به برادرش ابوالفضل علیه السلام

۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امام حسین علیه السلام.

فرمود: جانم به قربانت! برو و بین که اینجا چه می‌خواهند. حضرت ابوالفضل علیه السلام به سرعت حرکت کرد و پیام امام علیه السلام را به دشمن رساند. عمر سعد در جواب گفت: اینک از سوی امیر عبیدالله بن زیاد حکم تازه‌ای رسیده است که حسین یا باید بیعت کند، یا باید وارد جنگ شود. حضرت ابوالفضل علیه السلام به سوی امام بازگشت و سخن آنان را به عرض رسانید. امام علیه السلام فرمود: به سوی آنان بازگرد و اگر توانستی امشب را مهلت بگیر و جنگ را به فردا موکول کن تا بتوانیم امشب را به نماز و مناجات با پروردگارمان پردازیم؛ زیرا خدا می‌داند که من به نماز و قرائت قرآن و استغفار و مناجات با خدا بسیار علاقه دارم. عمر سعد وقتی که پیغام امام علیه السلام را شنید، پس از کمی مشورت و البته با تردید با این درخواست موافقت کرد.^۱

چنین شد که امام حسین علیه السلام در شب عاشورا به همراه یارانش، صحنه‌های باشکوهی از راز و نیاز آفریدند و با نیروی فوق‌العاده‌ای که یافتند، صبح روز بعد عاشورایی ساختند که تا امروز هم برای ما زنده مانده، روشنگر راه هدایت‌مان است.

خداوندا، به عظمت و حرمت خون پاک سیدالشهدا علیه السلام ما را دوستدار نماز و ارتباط با خود قرار ده.

آمین، یا رب العالمین.

۱. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۸۵؛ محمد صادق نجمی، سخنان حسین بن علی علیه السلام از مدینه تا کربلا، ص ۱۴۱-۱۴۴.

درس بیست و یکم: ساعت جان‌دار

به نام خداوند جان‌آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

بچه‌ها، سلام.

برنامه امروزمان را با یک جدول شروع می‌کنیم.

برای یافتن رمز جدول که نام یک شخص است، باید ابتدا حروف فارسی را از ۱ تا ۳۲ شماره‌گذاری کنیم و بعد به‌جای اعداد داخل جدول، حروف مربوط به آن را قرار دهیم.

خوب، عدد (۱) مربوط به کدام حرف الفباست؟

بله؛ احسنت! حرف الف.

پس در همه خانه‌های شماره (۱)، حرف الف را قرار می‌دهیم.

خوب، حرف بعدی... و الی آخر.

۲۸	۱	۲۸	۵	۳۰	۲	۱
★	۳۲	۱۰	۳۲	۱	۱۷	۳۱

خوب، همان‌طور که گفتیم رمز جدول، نام یک شخصیت اسلامی است. او کیست؟

آفرین! ابوثمame صیداوی.

چه کسی می‌داند که این فرد کیست؟

بله؛ او یکی از یاران باوفای امام حسین علیه السلام در حماسه عاشورا است. او از چهره‌های

سرشناس شیعه در کوفه، و مردی آگاه و شجاع بود که در روزهای اول محرم به امام علیه السلام

پیوست و یکی از وقایع زیبای عاشورا به او مربوط می‌شود.

در روز عاشورا که یاران امام حسین علیه السلام یکی پس از دیگری به شهادت می‌رسیدند، وقتی روز به نیمه رسید، و خورشید سوزان در وسط آسمان قرار گرفت "ابو ثمامه" خدمت امام علیه السلام آمد و گفت: "جانم به فدایت! اگرچه این مردم حملات پی‌درپی خود را ادامه می‌دهند، ولی من دوست دارم آنگاه که به دیدار پروردگارم نائل می‌گردم، یک نماز دیگر نیز به امامت شما به‌جا آورده باشم". امام حسین علیه السلام نگاهی به آسمان انداخت و فرمود: "نماز را به‌یاد آوردی؛ خدا تو را از نمازگزارانی که به‌یاد خدا هستند قرار دهد. آری؛ اینک وقت نماز فرا رسیده است. پس از دشمن بخواهید که دقایقی دست از جنگ بردارد تا نماز خود را به‌جا آوریم".

اما لشکر کوفه پیشنهاد آتش‌بس موقت را نپذیرفت و بدین ترتیب آخرین نماز امام علیه السلام و یاران باقی‌مانده ایشان در زیر بارش تیر دشمنان اقامه شد و تعدادی از عاشوراییان نیز این‌گونه به شهادت رسیدند.^۱

دوستان عزیز، شاید بپرسید که در بحبوحه جنگ و در شرایط سختی که دشمن ایجاد کرده بود، چه جای نماز خواندن است؟!

ولی حقیقت این است که اولاً جنگیدن امام حسین علیه السلام برای همین بود که دین خدا در خطر بود و از اسلام جز ظاهری دروغین چیزی باقی نمانده بود؛ و ثانیاً امام علیه السلام و یارانش درواقع از نماز خواندن نیرو می‌گرفتند؛ چراکه نماز یعنی ارتباط با قدرت مطلق، یعنی خداوند متعال.

خداوند، در همه حال به ما توفیق شرکت در نماز جماعت را عنایت فرما تا همواره به تو نزدیک‌تر شویم و نیروی کافی را برای مقابله با مشکلات به‌دست آوریم.

آمین، یا رب العالمین.

درس بیست و دوم: خواهر قرآن

به نام خدایی که گل را رنگ و بو داد ز شبنم لاله‌ها را آبرو داد

سلام و درود خدمت شما دوستان خوب و آرزوی توفیق برای شما در همه کارهایتان.
امروز می‌خواهیم برنامه را با سه معما آغاز کنیم. پس، خوب و با دقت به سؤال‌ها گوش کنید:

- آن چیست که اشرف دین است؛ اولش قاف و آخرش نون است؟ احسنت! "قرآن".

- "اخ القرآن" یا برادر قرآن چه کتابی است؟

احسنت! "نهج البلاغه" که همان مجموعه سخنان گهربار امام علی علیه السلام است.

- "اخت القرآن" یا خواهر قرآن چه کتابی است؟

احسنت! "صحیفه سجاده" که همان دعا‌های زیبایی امام سجاد علیه السلام است.

دوستان عزیز، همان‌طور که می‌دانید امام سجاد علیه السلام تعالیم دینی را در قالب دعا برای ما بیان کرده است که بیشتر آنها در همین کتاب "صحیفه سجاده" گردآوری شده است. البته ایشان مناجات‌ها و دعا‌های دیگری هم دارند که مجموعه‌ای از آنها در کتاب مفاتیح الجنان آمده است. آیا شما نام این مجموعه را می‌دانید؟

یک راهنمایی؛ نام این مناجات از حروف "س خ م"، "ه ر ع ش" تشکیل شده است که

اگر به‌طور صحیح در کنار هم قرار داده شوند یک عدد عربی را درست می‌کنند!

بله؛ مناجات خمس عشره؛ یعنی مناجات پانزده‌گانه.^۱

این مناجات‌ها که هر کدام نام خاصی دارند، با "مناجات التائبین" شروع می‌شود و با "مناجات الزاهدین" به اتمام می‌رسد. حالا ما می‌خواهیم بخشی از مناجات سیزدهم، یعنی "مناجات الذاکرین" (مناجات کسانی که دائم به یاد خدا هستند) را با هم مرور کنیم. امام

۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان.

سجاد علیه السلام در این مناجات، این چنین عاشقانه با خداوند متعال راز و نیاز می کند:

"الهی لولا الواجبُ مِنْ قبولِ امرک، لنزھتک من ذکرک؛ خدایا، اگر بر من واجب نکرده بودی که به دستور تو عمل کنم، تو را منزّه از این می دانستم که حتی نامت را بر زبان آورم". حضرت می خواهد به خدای بزرگ عرضه بدارد که من حتی لیاقت بر زبان آوردن نام تو را هم ندارم؛ چراکه تو کمال مطلق هستی، اما من هیچ چیزی از خود ندارم؛ مانند یک فقیر در برابر یک ثروتمند. تو همه کاره ای و من هیچ کاره. همه چیز در دست قدرت توست؛ به طوری که هر چیزی را اراده کنی به وقوع می پیوندد. دانایی و علم تو به همه چیز احاطه دارد، ولی من در برابر علم تو علمی ندارم.

خوب؛ حالا که هم صدا با امام سجاد علیه السلام، کمی با خدا راز و نیاز کردیم، به این سؤال جواب دهید که خدای بزرگ چه نعمت هایی به ما داده است؟

بله؛ پدر و مادر، دست، پا، چشم، گوش و اعضای دیگر بدن و...؛ اما همان طور که دیدید امام سجاد علیه السلام یکی از بزرگ ترین نعمت ها را به زبان آوردن نام خدا می داند!

برای اینکه دلیل این موضوع را بهتر بفهمیم، به داستانی که تعریف می کنم خوب توجه کنید. شخصی می گفت: "چند سال بود که گرفتاری ها و مشکلاتم بسیار زیاد شده بود؛ تاجایی که صبر و تحمل خودم را از دست داده بودم. متأسفانه در این وضعیت حتی به خدا هم ناسزا می گفتم و با عصبانیت با او صحبت می کردم و اعتراض داشتم که این چه وضعی است! مدتی گذشت تا بالاخره روزهای خوش هم سر رسید و با برطرف شدن مشکلات، اوضاع مالی ام خوب شد. البته سرم هم خیلی شلوغ شده بود و برای هیچ کار دیگری وقت نداشتم! با این همه، از نظر روحی شرایط خوبی نداشتم و احساس کمبود می کردم. بعد از مدتی متوجه شدم که دلم برای خلوت کردن با خدا و گفت و گو با او تنگ شده است! البته خیلی شرمنده بودم که هیچ گاه ادب گفت و گو با خدا را مراعات نکرده بودم؛ اما همان هم آرامش بخش بود. به همین دلیل تصمیم گرفتم ارتباط با خدا را دوباره آغاز کنم و این بار مؤدبانه، عاشقانه و با سپاس از نعمت هایی که به ما داده است".

خداوندا، توفیق راز و نیاز با خودت، و قدردانی از نعمت های ت را به ما عنایت فرما.

آمین، یا رب العالمین.

درس بیست و سوم: آرزوی خلوت

سر نامه به نام آن خداوند که دل‌ها را به خوبان داد پیوند

سلام؛ سلام بر شما دوستان و نمازگزاران گرامی. امیدوارم که همه سالم و سر حال باشید.

عزیزانم، حدس بزنید کلمه زیر چیست؟

ا. اَلْـ
ابوالحسن
ابوالحسن

آفرین! ابوالحسن.

خوب است بدانید کلماتی که اول آنها کلمه "ابو" آمده، "کنیه" نامیده می‌شود. همه امامان معصوم ما دارای کنیه هستند و برخی از آن بزرگواران حتی چند کنیه دارند.

آیا می‌دانید کنیه کدام‌یک از امامان علیهم‌السلام، "ابوالحسن" است؟

بله؛ احسنت!

۱. امام علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول ما شیعیان؛

۲. امام موسی بن جعفر علیه السلام، امام هفتم؛

۲. امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، امام هشتم؛

۳. امام علی بن محمد النقی علیه السلام، امام دهم؛

البته ما امروز می‌خواهیم درباره امام موسی بن جعفر علیه السلام که در گفتار راویان حدیث به "ابوالحسن اول" مشهور است سخن بگوییم.

لقب امام هفتم، کاظم است و "کاظم" یعنی فروبرنده خشم. ایشان را از این جهت "کاظم" می‌گفتند که هیچ‌گاه خشمگین نمی‌شدند و با وجود همه سختی‌هایی که کشیدند، کسی را نفرین نکردند.

هارون، خلیفه عباسی که از نفوذ امام موسی بن جعفر علیه السلام در دل مردم نگران بود، دستور داد آن حضرت را ابتدا به بصره و سپس به بغداد منتقل کنند و تحت نظر قرار دهند تا مردم کمتر با آن حضرت آمدرفت کنند و سرانجام نیز ایشان را به زندان انداخت؛ زندانی که طبق برخی از روایات چهارده سال و تا پایان عمر آن حضرت ادامه داشت.^۱

اما امام کاظم علیه السلام که راز و نیاز با خدا را بسیار دوست داشتند، دوران زندان را فرصت مناسبی برای نماز و نیایش یافتند و دائماً در حال مناجات بودند.

گاهی اوقات زندانبان‌ها گوش‌های خود را تیز می‌کردند تا بدانند که ایشان در مناجات‌هایشان از خدا چه می‌خواهند، و می‌شنیدند که می‌فرمودند: "اللهم انک تعلم انی کنت اسئلك ان تفرغنی لعبادتك، اللهم وقد فعلت فلک الحمد"^۲؛ یعنی خدایا، همانا می‌دانی که من از تو مکان خلوتی می‌خواستم که به عبادتت بپردازم و اینک تو را سپاس می‌گویم که این فرصت برایم فراهم شده است.

می‌گویند روزی هارون الرشید، کنیزی زیباروی را به‌عنوان خدمتکار در زندان به نزد ایشان فرستاد و درواقع می‌خواست امام علیه السلام را مورد تهمت قرار دهد! چند روزی نگذشته بود که مأموران به هارون خبر دادند که کنیزک، بیشتر اوقاتش را در حال عبادت است!

۱. یوسف درودگر، زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، ص ۷۳ و ۷۶.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۰۷.

هارون خشمگین شد و گفت: به خدا سوگند که موسی بن جعفر او را افسون کرده است. آنگاه کنیز را احضار کرد و مورد بازخواست قرار داد؛ اما کنیز جز نکویی از امام چیزی نگفت. هارون دستور داد کنیز را تحت مراقبت قرار دهند تا کسی از این ماجرا مطلع نشود. آن کنیز پیوسته در عبادت بود تا اینکه چند روز پیش از شهادت امام کاظم علیه السلام از دنیا رفت.^۱

خداوندا، به سوز مناجات امام موسی بن جعفر علیه السلام ما را شاکر نعمت‌هایت قرار بده. آمین، یا رب العالمین.

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲۹۷.

درس بیست و چهارم: دکتر عالمیان

سخن بگویم به احترامش آغاز گردد به ذکر نامش

دوستان نماز گزار، سلام.

با نام و یاد خدا برنامه امروز را آغاز می‌کنیم.

بچه‌های عزیز، حتماً شما هم گاهی اوقات گرفتار سرماخوردگی شده، و به دکتر مراجعه کرده‌اید. دکتر هم بعد از معاینه و طبابت، داروهایی را تجویز کرده و اصرار داشته که حتماً آنها را به موقع و منظم مصرف کنید تا زودتر بهبود پیدا کنید.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: ای بندگان خدا، شما مانند بیماری هستید که نیاز به معالجه دارد و خدای عالمیان برای شما مانند پزشک است؛ پس صلاح مریض در آن چیزی است که پزشک می‌داند و تجویز می‌کند، نه آن چیزی که خودش می‌خواهد.^۱

حالا باید بدانیم که یکی از دستورهای الهی که به خیر و صلاح ماست و توسط خدای بزرگ برای ما تجویز شده است، خواندن نمازهای یومیه در اوقات پنج‌گانه است و اگر از ساعات معین شده تخلف کنیم، نماز قضا می‌شود و طبیعتاً اثر تربیتی آن بسیار کاهش پیدا می‌کند.

دوستان من، نباید فراموش کنیم که نماز راز و نیاز با خداست و اگر بین این راز و نیازها فاصله بیفتد، انسان بیشتر گرفتار وسوسه‌های شیطانی می‌گردد.

درواقع خداوند متعال خواسته تا ما به واسطه ارتباط دائمی با او، در برابر شیطان و وسوسه‌های او واکنش شویم و چنانچه گناهان کوچکی نیز مرتکب شدیم با خواندن نماز خود را مجدداً پاکیزه سازیم.

۱. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۷۵.

سلمان فارسی می‌گوید: روزی با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زیر درختی نشسته بودیم. پیامبر صلی الله علیه و آله شاخه‌ای از درخت را که برگ‌های آن خشک شده بود تکان داد و برگ‌ها به زمین ریختند. چون علتش را پرسیدم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که مؤمن وضو بگیرد و نمازهای پنج‌گانه را بخواند گناهان او می‌ریزد، چنان‌که برگ‌های این درخت ریخت.^۱

بحث امروز را با آیه‌ای زیبا از قرآن کریم به پایان می‌رسانیم. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: "وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا" هر که از یاد من غافل شود، زندگی سخت و تنگی خواهد داشت".

بارالها، توفیق اقامه نماز اول وقت را نصیب ما بگردان.

آمین، یا رب العالمین.

۱. فتح‌الله کاشانی، منهج الصادقین، ج ۴، ص ۴۶۲.

۲. طه: ۱۲۴.

بخش سوم

آثار نماز

درس بیست و پنجم: بهترین بازدارنده

به نام خداوند رنگین کمان خداوند بخشنده مهربان
خدای صمیمی، خدای سلام خدای غزل، قصه ناتمام

سلام، بچه‌ها.

حالتان خوب است؟ الحمدلله. خیلی خوش‌حالم که در خدمت شما عزیزان هستم.

عیزان به این آیه قرآن توجه کنید و جای خالی را پر کنید:

إِنَّ الصَّلَاةَ... عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ^۱

د ی ن ت

بله؛ تنهی.

"تنهی"، یعنی باز می‌دارد. بنابراین معنای آیه می‌شود: "به‌درستی که نماز، انسان را از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد".

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هر کس که می‌خواهد بداند آیا نمازش پذیرفته شده است یا نه، ببیند که آیا "نماز" او را از زشت‌کاری باز داشته است یا نه؟! پس به هر مقدار که نمازش او را از کارهای زشت باز داشته، نمازش پذیرفته شده است.^۲

روزی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفتند: فلان زن همیشه روزه‌دار است و شب‌ها را پیوسته به نماز و مناجات و شب‌زنده‌داری می‌گذراند، ولی همسایه‌اش را با زبان گزنده‌اش آزار می‌دهد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: نماز او ارزشی ندارد؛ او اهل دوزخ است.

گفتند: زنی دیگر، تنها نمازهای واجب را می‌خواند و روزه ماه رمضان را می‌گیرد، اما

۱. عنکبوت: ۴۵.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۹۸.

همسایه‌اش را نمی‌آزارد. حضرت عليه السلام فرمود: او اهل بهشت است.^۱

یکی از طلاب علوم دینی می‌گوید: برای تحصیل علوم دینی با کاروانی به‌سوی عراق می‌رفتم. چون به گردنه اسدآباد رسیدیم، گروهی از راهزنان به کاروان حمله کردند و اموال مسافران را به غارت بردند؛ کتاب‌های مرا نیز گرفتند.

به یکی از دزدان گفتم: کتاب‌های من به کار شما نمی‌آید، آنها را به من بازگردانید! یکی از دزدها گفت: باید از رئیس اجازه بگیرم. پرسیدم: رئیس شما کجاست؟ دزد مرا به‌جایگاه رئیس خود در بالای تپه‌ای راهنمایی کرد. چون بر فراز تپه رسیدم، با تعجب دیدم رئیس دزدان در حال خواندن نماز شب است! اندکی ایستادم تا از نماز فارغ شد. پرسید: کاری داری؟ گفتم: اول یک کار داشتم؛ ولی اینک دو کار دارم. گفت: کارت چیست؟ گفتم: نخست اینکه دوستان کتاب‌های مرا گرفته‌اند و از تو می‌خواهم آنها را به من بازگردانی. دیگر اینکه اگر تو دزدی، چرا نماز شب می‌خوانی؟

رئیس دزدان پاسخ داد: ای جوان، درست است که ما دزدیم، اما راه باریک میان خود و خدا را نمی‌بندیم! آنگاه دستور داد تا کتاب‌هایم را به من بازگردانند و من به سفر خود ادامه داده، به نجف رفتم.

چند سال گذشت. از قضا شبی هنگام سحر، به حرم امیرالمؤمنان عليه السلام رفته بودم که چشمم به رئیس دزدان افتاد! بی‌درنگ نزد او رفتم و پرسیدم: مرا می‌شناسی؟ گفت: نه! ماجرای آن شب در گردنه اسدآباد را برایش بازگو کردم و پرسیدم: گردنه اسدآباد کجا و حرم امیرالمؤمنان عليه السلام کجا؟! گفت: همان ارتباط باریک با خدا، مرا وادار به توبه کرد. آنچه را از مردم دزدیده بودم، به آنان بازگرداندم و بقیه را ازسوی صاحبانش، صدقه دادم و اکنون، به نجف آمده‌ام تا برای همیشه در این سرزمین بمانم.^۲

خداوندا، توفیق به‌جا آوردن نماز حقیقی، مقبول و اثرگذار به ما عنایت فرما.

آمین، یا رب العالمین.

۱. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۹۷.

۲. علی‌نقی طبسی، کشکول طبسی، ص ۱۶۴.

درس بیست و ششم: امیدبخش ترین آیه

به نام خدایی که بر بندگان بیخشايد و بس بود مهربان

بچه‌های خوب و مهربان، سلام.

حال شما خوب است؟ سرحال هستید؟

برنامه امروز را با امیدبخش‌ترین آیه قرآن آغاز می‌کنیم:

"وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَى النَّهَارِ وَزُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ ال... اتِ يَذْهَبْنَ ال... اتِ".^۱

بچه‌ها، فکر می‌کنید در جاهای خالی چه کلماتی باید گذاشته شود؟ اولین کلمه به معنای "خوبی‌ها" و جمع "حسنه" است و دومین کلمه به معنای "گناهان" و جمع "سيئه" است. خداوند متعال در این آیه می‌فرماید: "در دو طرف روز و در اوایل شب، نماز را به‌پا دار؛ چرا که حسنات، سیئات [و آثار آنها] را از بین می‌برند".

دوستان من، پیامبر اکرم ﷺ در روایتی این آیه را امیدبخش‌ترین آیه قرآن معرفی می‌کند و می‌فرماید: قسم به کسی که مرا به پیامبری برگزیده است از وقتی که انسان وضو گرفتن را آغاز می‌کند، گناهان او فرومی‌ریزد و آنگاه که به نماز می‌ایستد و با توجه، با خدای خود سخن می‌گوید همانند روزی که از مادر متولد گردیده، از گناه بیرون می‌آید. در کتاب تفسیر مجمع‌البیان از حضرت علی عليه السلام نقل شده که فرمود: ما در مسجد خدمت رسول خدا ﷺ بودیم تا نماز را در اول وقت بخوانیم. مردی برخاست و عرض کرد یا رسول الله ﷺ من مرتکب گناهی شده‌ام! رسول خدا ﷺ از وی روی برگردانید و به نماز ایستاد. نماز که تمام شد آن شخص دوباره برخاست و همان حرف را تکرار کرد.

پیامبر ﷺ فرمود: آیا نماز را با ما نخواندی و برای آن به نیکی وضو نگرفتی؟! مرد گفت: آری؛ با شما نماز خواندم. پیامبر ﷺ فرمود: این نماز کفاره گناه توست.^۱ خداوندا، به عظمت خودت تمام گناهان ما را به حسنات تبدیل فرما. آمین، یا رب العالمین.

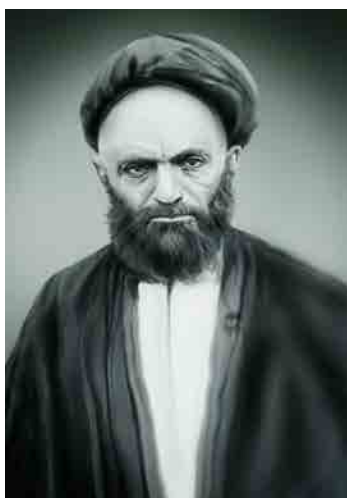
۱. عباس عزیزی، نماز و عبادت در تفسیر المیزان، ص ۹۶.

درس بیست وهفتم: خرید نیکو

فکر می‌کنم بدون یاد تو قلب‌ها سیاه و زشت می‌شوند
در دلم همیشه ذکر خیر توست با تو خانه‌ها بهشت می‌شوند

دوستان خوبم، سلام.

حالتان چطور است؟ ان شاءالله که همیشه خوش و خرم و سلامت باشید.
عزیزان من، به این عکس توجه کنید. می‌دانید نام این عالم بزرگوار چیست؟



او استاد عرفان مرحوم علامه طباطبایی و آیت‌الله‌العظمی بهجت و اهل تبریز بوده است.
بله؛ مرحوم حاج‌میرزا علی آقا قاضی طباطبایی رحمته‌الله.

دوستان، خوب است بدانند که این عالم بزرگوار، همیشه تمام نمازهای خود را در اول وقت به‌جا می‌آورد و در اثر این کار پسندیده، به کرامات فراوانی دست یافته بود و از جمله، درخصوص کمک به مردم و نیازمندان توفیق ویژه‌ای داشت.

یکی از شاگردان علامه طباطبائی رحمته الله علیه دربارهٔ ایشان می‌گوید: مرحوم سیدعلی آقای قاضی در نهایت تهیدستی با مخارجی سنگین در نجف زندگی می‌کرد؛ لیکن آن‌چنان به خدای بزرگ توکل داشت و چنان صمیمیت و پیوندی با او داشت که نه‌تنها این وضع را به‌راحتی تحمل می‌کرد، بلکه همواره به نیازمندان و درماندگان نیز کمک می‌کرد.

او ادامه می‌دهد: یک روز به دکان سبزی‌فروشی رفته بودم. دیدم مرحوم قاضی مشغول سوا کردن کاهو است؛ ولی برخلاف همه، کاهوهای پلاسیده و آنهایی را که دارای برگ‌های خشن و بزرگ هستند را برمی‌دارد. وقتی مرحوم قاضی روانهٔ منزل شد، خود را به ایشان رساندم و عرض کردم: آقا من سؤالی دارم. شما چرا این کاهوهای پلاسیده را سوا کردید؟!

مرحوم قاضی فرمودند: آقا جان من، این مرد کاهوفروش فقیر است و من گهگاهی به او کمک می‌کنم؛ اما نمی‌خواهم چیزی بلاعوض به او داده باشم تا اولاً عزت و آبرویش از بین نرود؛ و ثانیاً خدای ناخواسته به این کار عادت نکند و در کسب و کار ضعیف نشود. برای ما فرقی ندارد کاهوی لطیف و نازک بخوریم یا از این کاهوها و چون می‌دانم که اینها بالاخره خریداری ندارد و ظهر که او دکانش را می‌بندد، اینها دور ریخته می‌شود، بنابراین برای جلوگیری از خسارت و ضرر او، اینها را خریدم.^۱

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: کسی که نیازی از نیازهای برادر دینی خود را برطرف کند، خداوند در روز قیامت خواسته‌های فراوان او را برآورده می‌سازد که نخستین آنها بهشت است.^۲

خداوند، توفیق کمک به برادران دینی را به ما عنایت فرما.

آمین، یا رب العالمین.

۱. سیدمحمدحسین طهرانی، مهر تابان، ص ۲۰.

۲. محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۳.

درس بیست و هشتم:

ملاقات با او

بارالها، دوست می‌دارم تو را ای تو با جان و دل من آشنا
ای خدای بی‌شریک و بی‌قرین در میان دوستانم بهترین

سلام خدمت شما نمازگزاران گرامی.

برنامه امروز را با یک حکایت آغاز می‌کنیم.

ظهریک روز سرد زمستانی، دخترک وقتی به خانه برگشت، پشت در پاکت نامه‌ای را دید که نه تمبری داشت و نه مهر اداره پست روی آن بود! ولی نامه برای او بود! دخترک با تعجب پاکت را باز کرد و نامه داخل آن را خواند:

دختر عزیز، عصر امروز به خانه تو می‌آیم تا تو را ملاقات کنم. با عشق، خدا!
دخترک همان‌طور که با دست‌های لرزان نامه را روی میز می‌گذاشت، با خود فکر کرد که چرا خدا می‌خواهد او را ملاقات کند؟ آخر او که آدم مهمی نبود! در همین فکرها بود که ناگهان کابینت خالی آشپزخانه را به یاد آورد و با خود گفت: من که چیزی برای پذیرایی ندارم! سپس نگاهی به کیف پولش انداخت و با وجود اینکه پول زیادی نداشت، به سمت فروشگاه رفت و یک قرص نان و دو بطری شیر خرید.

وقتی از فروشگاه بیرون آمد، بارش برف شدیدتر شده بود و او عجله داشت تا زود به خانه برسد و عصرانه را حاضر کند. در راه، زن و مرد فقیری را دید که از سرما می‌لرزیدند. مرد فقیر به دخترک گفت: خانم، ما خانه و پولی نداریم و بسیار گرسنه هستیم. آیا امکان دارد به ما کمکی کنید؟ دخترک جواب داد: متأسفم من دیگر پولی ندارم و اینها را هم برای مهمانم خریده‌ام! مرد تشکری کرد و با همسرش به راه افتاد. اما دخترک ناگهان درد شدیدی در قلبش احساس کرد و به سرعت خود را به زن و مرد فقیر رساند. سبد خریدش

را به آنها داد و بعد شال خود را نیز درآورد و روی شانه‌های زن انداخت. مرد از او خوش‌حال شد و برای دختر دعا کرد. وقتی دخترک به خانه رسید، برای یک لحظه ناراحت شد؛ چون خدا می‌خواست به ملاقاتش بیاید، و او دیگر چیزی برای پذیرایی از خدا نداشت! همان‌طور که در را باز می‌کرد، پاکت نامه دیگری را روی زمین دید. نامه را برداشت و مشغول خواندن شد: دختر عزیز، از پذیرایی خوب و شال زیبایت متشکرم. با عشق، خدا!^۱ داستان زیبایی بود؛ این‌طور نیست؟!

عزیزان من، حالا باید متوجه شده باشید که چرا خداوند در قرآن می‌فرماید: "الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ"^۲ مؤمنان کسانی هستند که نماز را به‌پا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند". آری؛ نمازگزار واقعی، حضرت علی علیه السلام است که حتی در هنگام نماز، انگشتی خود را به فقیر می‌بخشد.

نمازگزار واقعی، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و خانواده باکرامتش هستند که سه روز پی‌درپی، در هنگام افطار قرص‌های نان‌شان را به مسکین و یتیم و اسیر انفاق می‌کنند و روزه خود را با آب افطار می‌کنند!

بی‌جهت نیست که این آیه در شأن آنان نازل شده است: "وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا"^۳ آنها غذای خود را با اینکه به آن علاقه و نیاز دارند به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند".

بارالها، ما را جزو کسانی قرار ده که نیازمندان را از اموال خود محروم نمی‌کنند.
آمین، یا رب العالمین.

درس بیست و نهم: دریا دل

به نام خداوند مشکل‌گشا خداوند خاک و نماز و دعا

عزیزان من، سلام. خوش‌حالم که می‌بینم همگی خوب و سر حال هستید.

حالا که این‌طور است، حواستان را جمع کنید و به آیات زیر توجه کنید:

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ.....

إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ.....

وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ.....

إِلَّا الْمُضِلِّ^۱.

حالا جاهای خالی را با این سه کلمه پر کنید:

جذوعاً ➡ بی‌تاب

هلوعاً ➡ کم‌طاقت

منوعاً ➡ بخیل

برای اینکه جواب را پیدا کنید، جملات را ترجمه می‌کنم؛

- یقیناً انسان چگونه آفریده شده است؟ کم‌طاقت

- هنگامی که به او بدی و شرّی برسد، چه می‌کند؟ بی‌تابی

- و هنگامی که خوبی و خیری به او برسد، چه می‌کند؟ بخل می‌ورزد (مانع رسیدن

خوبی به دیگران می‌شود).

- به جز نمازگزاران؛ یعنی نمازگزاران این چنین نیستند. چرا؟

برای اینکه دلیل این امر را بدانیم، به این داستان گوش کنید:

روزی استادی شاگردانش را به یک گردش تفریحی در کوهستان برده بود. بعد از یک پیاده‌روی طولانی، همه خسته و تشنه در کنار چشمه‌ای نشستند تا کمی استراحت کنند. استاد به هریک از آنها پیاله‌ای آب داد و از آنها خواست قبل از نوشیدن آن، مشتی نمک درون پیاله بریزند. شاگردان هم این کار را کردند؛ ولی به دلیل شور شدن آب، هیچ‌کدام نتوانستند آن را بنوشند. سپس استاد مشتی نمک را داخل چشمه ریخت و از آنها خواست از آب چشمه بنوشند. آنگاه پرسید: آیا آب چشمه هم شور بود؟ شاگردان جواب دادند: خیر! آب بسیار گوارایی بود. استاد گفت: مشکلات و رنج‌هایی که در این دنیا برای شما پیش می‌آید، مثل همین یک مشت نمک است! و تأثیر آن در زندگی شما به این بستگی دارد که پیاله باشید یا چشمه! اگر چشمه باشید بر تمام مشکلات و رنج‌ها پیروز می‌شوید.^۱

دوستان من، انسان مؤمنی که در هر روز پنج نوبت نماز می‌خواند، درواقع روزی پنج مرتبه به اقیانوس بی‌کران الهی می‌پیوندد و از این‌رو دریادل می‌شود و دیگر سنگ‌ریزه‌های کوچک او را متلاطم نمی‌کند. چنین شخصی در مشکلات بی‌تابی نمی‌کند و کم‌طاقت نیست و با وسعتی که در وجود خود ایجاد کرده، بدون هیچ بخل و تنگ‌نظری، دیگران را هم از خوبی‌های فراوان خود بهره‌مند می‌سازد. به‌قول معروف: "قطره چون واصل به دریا می‌شود، دریا شود".

خداوندا، ما را با نماز و راز و نیاز با خودت، دریادل بگردان.

آمین، یا رب العالمین.

۱. امیررضا آرمیون، من، منم؟! ج ۱، ص ۱۲۰ و ۱۲۱.

درس سی‌ام: خدایا، دوری یا نزدیک؟!

همیشه بر زبانم نام اوست سرآغاز کلام یاد اوست

دوستان عزیز، سلام. امیدوارم که سرحال و شاد باشید.

برنامه امروز را با یک داستان شروع می‌کنیم.

هوایمایی از ایران به سمت عراق و شهر بغداد در حرکت بود و یکی از مسافران آن پیرمردی نورانی بود. ناگهان هوایما دچار مشکل شد و خلبان به مسافران اطلاع داد که هوایما دچار نقص فنی شده و احتمال سقوط هم هست. همه به تلاطم افتادند، و وحشت و جیغ و فریاد هوایما را فراگرفت و هیچ کس آرام و قرار نداشت؛ به غیر از آن پیرمرد نورانی! یکی از مسافران که از آرامش پیرمرد متعجب شده بود و به دنبال تسکین خود بود به او نزدیک، و علت آرامشش را جویا شد. پیرمرد خیلی ساده و آرام جواب داد: من در ابتدای ورود به هوایما برای سلامتی این سفر آیت‌الکرسی خوانده‌ام و ایمان دارم که خداوند محافظ ماست. اگر او بخواهد ما از این دنیا رحلت کرده، به آغوش او باز خواهیم گشت و اگر صلاح در زنده ماندن ما باشد، تنها کسی که می‌تواند ما را از این مهلکه نجات دهد، خود اوست؛ پس دیگر چه جای نگرانی است؟!

کلام پیرمرد، به قدری نافذ بود و بر مسافران اثر گذاشت که همه متوجه خدا شدند، و پس از مدتی، هوایما به سلامت در فرودگاه بغداد فرود آمد! بله، دوستان. در شرایطی که عوامل بیرونی همه را نگران و مضطرب کرده بود، فقط ایمان درونی و واقعی پیرمرد، به او آرامش می‌داد.

روزی حضرت موسی علیه السلام در مناجاتش خطاب به خداوند متعال عرض کرد:
پروردگارا، آیا تو از من دوری تا با فریاد صدايت بزنم و يا نزديكي تا با تو آهسته سخن بگويم؟!

دوستان من، برای اینکه بدانید خدای بزرگ در جواب حضرت موسی علیه السلام چه فرمود باید این کارت‌ها را مرتب کنیم؛ آماده‌اید؟

ذکرنی	یا	جلیس	موسی	من	انا
-------	----	------	------	----	-----

برای این کار ابتدا لازم است ترجمه کلمات را بدانیم.

انا= من؛ مَنْ= کسی که؛ جلیس= هم‌نشین؛ یا= ای؛ ذکرنی= یاد کند مرا
آفرین!

"یا موسی، انا جلیس من ذکرنی!"

یعنی ای موسی، [دوری و نزدیکی ندارد] من هم‌نشین کسی هستم که مرا یاد کند.^۱
و واقعاً چه هم‌نشینی بهتر از خدای بزرگ و مهربان؟! امیرالمؤمنین علیه السلام در دعای کمیل می‌فرماید: الهی و ربی من لی غیرک؛ یعنی خدایا، من به جز تو چه کسی را دارم؟!
چه خوب است که ما هم هم‌نشینی انتخاب کنیم که در لحظات راحتی و شادی و در لحظات خطر و پریشانی او را در کنار خود احساس کرده، محکم و استوار باشیم و در اثر درک حضور او هیچ‌گاه متزلزل و ناامید نشویم.
خداوندا، هم‌نشینی با خودت را نصیب ما بگردان.

آمین، یا رب العالمین.

۱. فتح‌الله کاشانی، منهج الصادقین، ج ۴، ص ۱۱۵.

درس سی و یکم: دیدار خاشعانه

خدا را کنم یاد از ابتدا چه نامی بود به ز نام خدا

دوستان خوبم، سلام. الحمدلله که حال همگی خوب است. برنامه امروز را با یک خاطره جالب از یک پزشک شروع می‌کنم. او می‌گفت: هنگام تحصیل در دانشکده پزشکی، روزی باغبان دانشکده به یک عمل فوری نیاز پیدا کرد؛ اما بعد از معاینات اولیه معلوم شد که بیهوش کردن او بسیار خطرناک است. بنابراین موضوع را با خود او در میان گذاشتیم. پیرمرد گفت: نیازی به بیهوشی نیست! فقط باید در هنگام ظهر، عمل را آغاز کنید!! اگرچه قبول چنین کاری برای جراحان سخت بود، بالاخره پس از مشورت با یکدیگر شرایط را پذیرفتند و تعدادی از دانشجویان را هم برای مراقبت بیشتر به اتاق جراحی فراخواندند. با صدای "الله اکبر" مؤذن، پیرمرد را به اتاق عمل بردند. او گفته بود وقتی که شروع به خواندن نماز کردم، عمل را شروع کنید! با شروع کار جراحان، همگان غرق شگفتی شدند؛ زیرا پیرمرد، کوچک‌ترین حرکتی نمی‌کرد و فقط به نماز خود توجه داشت! در رکعت سوم نماز عصر، کار به پایان آمده بود، و باغبان در کمال توجه، نماز را ادامه می‌داد، و ما همگی حیرت‌زده ایستاده بودیم و به حضور قلبش به هنگام نماز، صدآفرین گفتیم.^۱

حالا، با توجه به این خاطره، کلماتی را که می‌بینید طوری در کنار هم قرار دهید تا آیه‌ای از قرآن کریم که مربوط به نماز است به دست بیاید:

۱. کریم محمود حقیقی، تجلی، ص ۸۳.

صَلَاةٌ	خَاشِعُونَ	هُمْ	الَّذِينَ	فِي	هُمْ
---------	------------	------	-----------	-----	------

بله؛ "الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ"؛^۱

یعنی "آنها که در نماز خود خاشع‌اند".

این آیه بعد از آیه اول سوره مؤمنون که می‌فرماید: "قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ؛ همانا مؤمنان رستگاراند" قرار دارد.

خوب، حالا باید ببینیم که "خاشع" و "خشوع" به چه معنایی است. مفسران می‌گویند خشوع حالتی از نهایت تواضع و ادب است که در برابر شخصی بزرگ یا حقیقتی مهم در روح و باطن انسان پیدا می‌شود.

بنابراین خداوند متعال در این آیات، صرف خواندن نماز را نشانه مؤمنان نمی‌شمارد؛ بلکه خشوع در نماز را از ویژگی‌های آنان می‌داند؛ یعنی نمازگزاران مؤمن و راستین به هنگام خواندن نماز آن‌چنان به خدا توجه دارند که از غیر او جدا می‌شوند؛^۲ مانند همان باغبان پیر که آن‌چنان غرق در خدا شده بود که حتی درد را هم حس نمی‌کرد. خدایا، ما را جزو نمازگزاران خاشع قرار ده.

آمین، یا رب العالمین.

۱. مؤمنون: ۱ و ۲.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴ ص ۱۹۴.

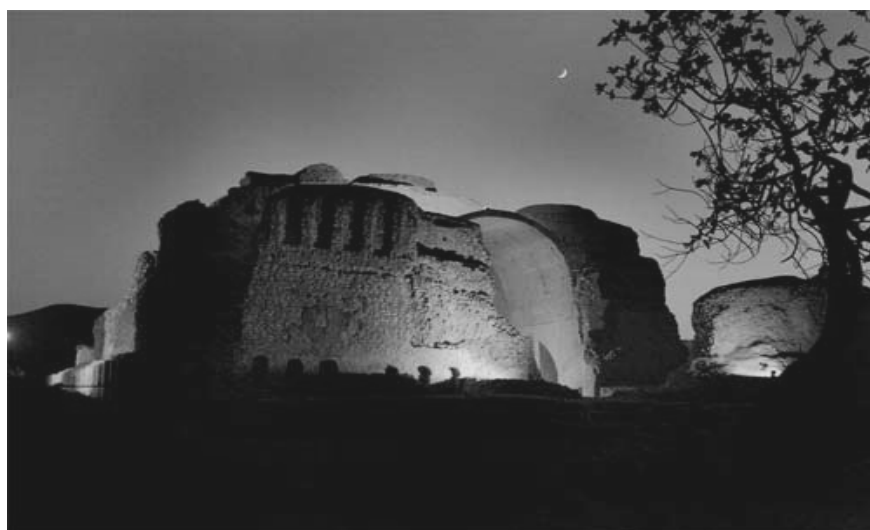
درس سی و دوم: پیامبر خوبی‌ها

بارالها دوست می‌دارم تو را ای تو با جان و دل من آشنا
ای خدای بی‌شریک و بی‌قرین در میان دوستانم بهت‌ترین
نام زیبای تو را دارم به لب شکر می‌گویم تو را هر روز و شب

بچه‌ها، سلام.

حالتان خوب است؟ عیدتان مبارک! چه عیدی؟! عید میلاد حضرت رسول اکرم ﷺ.
دوستان من، بیش از ۱۴۰۰ سال پیش در چنین روزی چند واقعه مهم اتفاق افتاد که سه
مورد آن به قرار زیر است:





اتفاق اول، فرو ریختن بت‌های داخل کعبه بود؛

اتفاق بعدی شکسته شدن تعدادی از کنگره‌های ایوان و کاخ کسری بود؛

اتفاق دیگر این بود که "آتشکده فارس"، پس از هزاران سال، خاموش شد و تعجب و حیرت همگان را برانگیخت!

دوستان من، این اتفاقات نشانه تولد شخصیتی بود که وجودش تحول بزرگی در زندگی جاهلی انسان‌ها به وجود آورد، کسی که آمده بود تا خداپرستی را جای‌گزین بت‌پرستی، آتش‌پرستی و ظلم به زیردستان کند.

پیامبر اسلام ﷺ، خود می‌فرماید: همانا من مبعوث شده‌ام تا زیبایی‌های اخلاق را به کمال برسانم.^۱

یکی از زیبایی‌های اخلاقی که پیامبر ﷺ برای مسلمانان به نمایش گذاشت، رفتار پسندیده با کودکان است. به‌طوری‌که تاریخ‌نویسان به اتفاق نوشته‌اند که مهربانی با کودکان، شیوه و روش آن حضرت بود.^۲

پیامبر اکرم ﷺ به اندازه‌ای به کودکان اهمیت می‌داد و به آنها مهر می‌ورزید که حتی در نماز هم - که از بزرگترین واجبات دینی است و باید با توجه کامل انجام گیرد - از توجه به آنان غفلت نمی‌کرد.

روزی پیامبر اکرم ﷺ با جمعی از مردم نماز جماعت می‌خواند، و حسین علیه السلام که کودک خردسالی بود نزدیک حضرت بازی می‌کرد. هنگامی که پیامبر ﷺ به سجده می‌رفت، حسین علیه السلام بر پشت ایشان سوار می‌شد و می‌گفت: هی هی! وقتی پیامبر ﷺ سر از سجده برمی‌داشت، او را می‌گرفت و کنار خود بر زمین می‌گذاشت. دوباره همین‌که رسول اکرم ﷺ به سجده می‌رفت، حسین علیه السلام بر پشت ایشان سوار می‌شد و این وضعیت تا آخر نماز حضرت ادامه داشت. پس از نماز، یک یهودی که ناظر این جریان بود به ایشان عرض کرد: ما هرگز مانند شما با کودکان رفتار نمی‌کنیم. پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ در

۱. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۸۷.

۲. محمد بن عیسی ترمذی، تحفة الاحوذی، ج ۱، ص ۸۶؛ محمد بن عیسی ترمذی، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۶۲؛ احمد بن محمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۴، ص ۱۹۰.

پاسخ او فرمود: اگر شما به خدا و رسول او ایمان می‌داشتید نسبت به کودکان، عطوف و مهربان می‌بودید. مرد یهودی وقتی دید پیامبر عظیم‌الشأن اسلام ﷺ با آن‌همه اقتدار و مقام، با کودکی خردسال این‌چنین با کرامت و بزرگواری رفتار می‌کند، سخت تحت تأثیر قرار گرفت و گفت: پس من هم به خدا و پیامبر خدا ایمان آوردم، و مسلمان شد.^۱

خداوندا، به ما اخلاقی نیک و شایسته عطا فرما.

آمین، یا رب العالمین.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۹۴.

درس سی و سوم: خلق نیکو

به نام خداوند رنگین کمان خدای من و تو، خدای جهان

سلام، سلام بر شما دوستان.

امیدوارم که همگی سالم و سرحال و خوش باشید.

عزیزان من، فکر می‌کنید با این اعداد چه کلمه زیبایی می‌توان نوشت؟

۱۱ . ۱۱ .

محمد

بله؛ نام زیبای محمد.

بچه‌ها، نام چند نفر از معصومان علیهم‌السلام "محمد" است؟

۱. نام پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم؛ ۲. نام امام پنجم، امام باقر علیه‌السلام؛ ۳. نام امام نهم، امام جواد علیه‌السلام؛

۴. نام مقدس امام دوازدهم، حضرت مهدی عج.

البته ما امروز می‌خواهیم درباره‌ی امام پنجم که به دلیل دانش فراوان، "باقرالعلوم"

(شکافنده دانش‌ها) نامیده می‌شود، صحبت کنیم.

امام باقر علیه السلام در مدت امامت نوزده ساله خود، بیش از چهارهزار نفر را مورد تعلیم و تربیت قرار داد که "محمد بن مسلم" یکی از ایشان است. وی می‌گوید: هرچه از ذهنم می‌گذشت، از امام باقر علیه السلام می‌پرسیدم، تا اینکه سی هزار حدیث از او شنیدم.^۱

حضرت باقر علیه السلام می‌فرماید: نماز، هدیه مؤمن است به‌سوی پروردگار؛ پس هدایای خود را نیکو کنید تا جوایز شما نیکو باشد.^۲

و خود، آنگاه که سر از سجده بر می‌داشت، محل سجده‌اش بر اثر گریه‌های فراوان خیس شده بود و در راز و نیازهای شبانه خود عرضه می‌داشت: خدایا، مرا امر کردی، اطاعت نکردم؛ مرا نهی کردی، پرهیز نکردم! اینک بنده تو هستم که در پیشگاهت ایستاده‌ام و نمی‌دانم چگونه عذر تقصیر بخواهم.^۳

دوستان خوبم، یکی از ثمرات نیایش‌ها و راز و نیازهای حضرت، اخلاق نیک و کردار پسندیده‌ای است که ایشان به‌دست آورده بودند.

در تاریخ زندگی امام علیه السلام آمده است که روزی، مردی مسیحی به ایشان گفت: انت بقر (به‌جای باقر)؛ یعنی تو گاوی! امام در جواب مرد مسیحی، بدون هیچ تندی و عصبانیتی فرمود: انا باقر؛ یعنی من باقرم! مرد مسیحی ادامه داد و گفت: شنیده‌ام که مادر تو آشپز است! امام علیه السلام فرمود: شغل و هنر مادر من آشپزی است که کاری حلال است و کار حلال برای کسی ننگ نیست. مسیحی گفت: شنیده‌ام تو پسر کنیزی سیاه و غیرمسلمان و بدزبان هستی! امام باقر علیه السلام در جواب فرمود: اگر نسبت‌هایی که به مادر من دادی، در او باشد، خدا او را بیامرزد؛ ولی اگر دروغ باشد، خدا از تقصیرات تو بگذرد.

مرد مسیحی وقتی که این‌همه کرامت و بزرگواری را مشاهده کرد، به‌شدت تحت تأثیر قرار گرفت و مسلمان شد.

عزیزان من، خوب است بدانید که ما هم باید سعی کنیم که در برخورد با دیگران با

۱. شیخ عباس قمی، انوار البهیة، ص ۱۷۶.

۲. حسن بن محمد دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۱۸.

۳. شیخ عباس قمی، انوار البهیة، ص ۱۸۴.

بزرگواری و متانت رفتار کنیم تا شاید باعث هدایت آنها شویم؛ همان‌طور که خواجه نصیرالدین طوسی این‌چنین کرد. در حالات او گفته‌اند کسی در نامه‌ای برای او نوشت: ای سگ و پسر سگ! خواجه در جواب چنین نوشت: اینکه گفته‌ای "ای سگ"، چنین نیست؛ زیرا سگ چهارپاست، عوعو می‌کند و ناخن‌هایی دراز دارد؛ ولی من قائم استوار است و چهره‌ای آشکار دارم و ناخن‌هایی پهن، حرف می‌زنم، می‌خندم، و این خصوصیات متمایز از خصوصیات یک سگ است.^۱

خدایا، به عظمت و بزرگی امام محمد باقر علیه السلام اخلاق نیک و قدرت تحمل رفتارهای ناپسند افراد جاهل را به ما عطا فرما.

آمین، یا رب العالمین.

درس سی و چهارم: نماز احیاگر^۱

به نام خدا، رازق آب و نان به نام خدایی که هست مهربان

دوستان عزیز، سلام. در ایام ولادت دخت گرامی نبی اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام روزهای خوشی را برای شما از درگاه خداوند منان آرزو دارم. بچه‌ها، به این سه عدد توجه کنید:



و بگویید که هر کدام چه ارتباطی با حضرت زهرا علیها السلام دارند؟^۲
بله؛ آفرین!

عدد بیست، نمایانگر روز میلاد حضرت زهرا علیها السلام است؛ عدد پنج، سال میلاد حضرت زهرا علیها السلام یعنی سال پنجم بعثت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را نشان می‌دهد؛ و عدد شش، مربوط به ماه تولد حضرت زهرا علیها السلام، یعنی ششمین ماه سال قمری (جمادی‌الثانی) است.^۳ بنابراین تولد بانوی بی‌نظیر دنیای اسلام ۵/۶/۲۰ (بیستم جمادی‌الثانی سال ۵ بعثت) است.

حالا به این داستان گوش کنید: روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با جماعتی از بزرگان عرب در مسجد نشسته بود. یکی از حاضران به آن حضرت عرض کرد: ای افتخار عرب، ما یک

۱. عباس عزیزی، ۲۰۰ داستان از حالات عرفانی و معنوی نماز بانوان، ص ۸۵ - ۸۹.

۲. مربی یکی یکی اعداد را نشان دهد و حدسیات دانش‌آموزان را برای هر عدد بنویسد و سپس پاسخ اصلی را بیان نماید.

۳. مربی می‌تواند ماه‌های قمری را با کمک بچه‌ها از اول بشمارد.

مجلس عروسی داریم که عروس و داماد هر دو از اشرافاند و با شما نیز نسبت دارند. از شما استدعا می‌کنیم از فرزند خود، فاطمه علیها السلام بخواهید که مجلس ما را با قدم‌های خود مزین و متبرک فرماید.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: از فاطمه طاهره می‌پرسم؛ اگر اراده کند خواهد آمد. حضرت به خانه رفت و موضوع را با فاطمه زهرا علیها السلام در میان گذاشت. فاطمه علیها السلام سر به زیر انداخت و سپس سر برآورد و عرض کرد: ای پدر بزرگوار، مقصود ایشان از این دعوت، استهزا نسبت به من است؛ زیرا زنان قریش همه با لباس‌های فاخر و جواهرآلات در آن جشن حاضر می‌شوند و مرا لباسی غیر از چادر و کهنه‌پیراهنی وصله‌زده و کفشی مندرس چیز دیگری نیست! با این حال، رفتن به آنجا غیر از شماتت حاصلی ندارد.

چون رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم این سخن را شنید، سخت ناراحت شد و در همان حال جبرئیل نازل گشت و عرض کرد: یا رسول الله، حق تعالی سلام می‌رساند و می‌فرماید: فاطمه را با لباسی که دارد به عروسی بفرست که ما را در این امر حکمتی است!

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پیام را به فاطمه علیها السلام رسانید و صدیقه طاهره علیها السلام پس از شکر خدا عرض کرد: امر و حکم الهی، عین لطف و رحمت است.

در روز موعود، حضرت زهرا علیها السلام با جامه‌های کهنه به قصد عروسی از خانه خارج شد. در این هنگام آمین، وحی (جبرئیل) بنا به دستور الهی به جنت فردوس شتافت و برای حضرت جامه‌هایی بهشتی حاضر نمود. فاطمه علیها السلام هنوز هفت قدم از خانه دور نشده بود که صدهزار حوری گرد وی حاضر شدند و سر تا پای او را با زینت بهشتی بیاراستند. ایشان ثناگویان راه خویش ادامه داد تا به خانه عروس رسید. زنان قریش ناگاه روشنایی خیره‌کننده‌ای مشاهده کردند و سپس با دیدن حسن صورت فاطمه علیها السلام همه متحیر شدند و عروس را تنها گذاشته، به استقبال ایشان شتافتند!

عروس نیز از آن همه نور و هیبت بی‌هوش گردید و بعد از لحظاتی جان داد! بدین ترتیب عروسی به عزا مبدل شد. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از مشاهده آن حال دل‌تنگ شد و دو رکعت نماز به جای آورد و سر به سجده گذاشت و زنده شدن عروس را از خداوند متعال تقاضا کرد. هنوز فاطمه علیها السلام در مناجات بود که عروس سرفه‌ای کرد و از جا برخاست و

به پای حضرت افتاد و عرض کرد: السلام علیک یا بنت رسول الله. شهادت می‌دهم که تو و پدرت برحق هستی و خدایی را که شما می‌پرستید، حق است و دشمنانتان باطل‌اند. در روایت است که در آن روز هفتصد نفر از بستگان عروس و غیر ایشان به دین اسلام مشرف شدند و این مطلب در تمام شهر منتشر گردید.

آری؛ این است ثمره نماز واقعی و ارتباط حقیقی با معبود یکتا.

خداوندا، به عظمت و جلال فاطمه زهرا علیها السلام به تمام بانوان، حیا و عفت عطا فرما.

آمین، یا رب العالمین.

درس سی و پنجم: گناه شیطان

اول دفتر به نام ایزد دانا صانع و پروردگار حی توانا

سلام علیکم؛ حالتان خوب است؟ برای اجرای یک برنامه خوب آماده‌اید؟
حالا که آماده‌اید به این کلمات توجه کنید:^۱

عن	الله	الصلاة	لکم
تنزیهاً	جعل	الکبر	

اگر این کلمات را مرتب کنید، یکی از جملات گهربار حضرت صدیقه کبری علیها السلام درباره نماز به دست می‌آید. برای اینکه جمله مورد نظر را حدس بزنید، بهتر است که معنی این کلمات را هم بدانید. عن: از؛ الله: خدا؛ الصلاة: نماز؛ لکم: برای شما؛ تنزیهاً: موجب پاکی؛ جعل: قرار داد؛ الکبر: تکبر یا غرور.

خوب، حالا چه کسی می‌تواند حدیث را حدس بزند؟

احسنت! "جعل الله الصلاة تنزیهاً لکم عن الکبر".^۲

دوستان من، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام این جمله را در بخشی از خطبه فدکیه فرموده‌اند و معنی آن این است که "خداوند نماز را موجب پاکی شما از تکبر قرار داده است".

۱. مربی می‌تواند قبلاً این کلمات را بر روی هفت عدد کارت بنویسد و در کلاس از هفت نفر از بچه‌ها بخواهد که کارت‌ها را نگه دارند و یا اینکه کارت‌ها را با آهن‌ریا به تخته بچسبانند.
۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۱۴.

بنابراین اگر نماز ما، واقعی و مقبول باشد باید ما را از غرور و تکبر دور کند؛ ولی متأسفانه برخی از نمازگزاران، انسان‌های متکبری هستند و خود را بهتر از دیگران می‌دانند، و این نشان می‌دهد که نماز آنان واقعی و مقبول نیست.

حتماً این را هم می‌دانید که "تکبر" همان گناهی بود که باعث رانده شدن شیطان از درگاه الهی شد. بنا به فرمودهٔ امام علی علیه السلام شیطان شش هزار سال خدا را عبادت کرد، ولی لحظه‌ای تکبر ورزیدن، همهٔ عبادت او را پوچ و نابود ساخت!^۱ زیرا زمانی که همهٔ فرشتگان فرمان خدا را (مبنی بر سجده بر انسان) اطاعت کردند، ابلیس به دلیل تکبر از سجده کردن خودداری ورزید و در صف کافران قرار گرفت.^۲

پروردگارا، ما را از نمازگزاران واقعی قرار ده و صفت زشت تکبر را از ما دور فرما.
آمین، یا رب العالمین.

۱. سیدرضی، نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۹۲.

۲. بقره: ۳۴.

درس سی و ششم:

تیر سمج

به نام آن که جان را فکرت آموخت چراغ دل به نور جان برافروخت

سلام و درود فراوان به همه شما بچه‌های عزیز.

ان شاء الله که حالتان خوب است.

دوستان، به این کارت‌ها توجه کنید و بگویید که این اعداد چه ارتباطی با امام اول ما شیعیان، حضرت علی علیه السلام دارند:



عدد ۳: از هنگام تولد، سه روز در کعبه ماندند.

عدد ۱۰: هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به رسالت رسیدند، ایشان که ده سال داشتند اولین نفر بودند که اسلام را پذیرفتند.

عدد ۱۳: روز تولد ایشان در ماه رجب است.

عدد ۱۸: روز معرفی ایشان به عنوان جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در ماه ذی الحجه است.

عدد ۳۰: سال تولد ایشان، سی‌امین، سال عام‌الفیل بود. دوران امامت حضرت نیز سی سال بوده است.

عدد ۳۳: ایشان ۳۳ سال در محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بوده‌اند.

دوستان من، حتماً می‌دانید که حضرت علی علیه السلام عاشق مناجات و راز و نیاز با خدا بودند؛ به‌طوری که هرگاه زمان ادای نماز می‌رسید، رنگ چهره ایشان تغییر می‌کرد، و بر خود می‌لرزیدند. وقتی که از امام علیه السلام می‌پرسیدند این چه حالت است؟! حضرت می‌فرمودند: هنگام ادای امانتی رسیده است که بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه شد و آنها از حمل

آن سر باز زدند و انسان این بار امانت را برداشت.^۱

بله دوستان، نگاه امام علیه السلام به نماز چنین بود و به همین دلیل داستان معروف بیرون آوردن تیر از پای ایشان پیش آمد.

در یکی از جنگ‌ها تیری به پای امام علیه السلام اصابت کرده بود و نوک تیر، پوست و گوشت را شکافته و در استخوان فرو رفته بود. درد شدید اجازه نمی‌داد که طبیب تیر را بیرون بکشد! در این میان امام حسن علیه السلام فرمود: صبر کنید تا پدرم مشغول نماز شود!

زمانی که علی علیه السلام مشغول نماز شد، طبیب در هنگام سجده تیر را با تمام قدرتی که داشت بیرون کشید! طبیب با تعجب گفت: چطور ممکن است کسی چنان غرق عبادت شود که دردی به این شدت را احساس نکند! وقتی که علی علیه السلام نماز را تمام کرد و پارچه سفیدی را که به پایش بسته شده بود، دید تازه متوجه شد که چه اتفاقی افتاده است!^۲ خداوند، ما را از شیعیان راستین امام علی علیه السلام قرار ده.

آمین، یا رب العالمین.

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۲۴.

۲. حسین صالح، فرزند کعبه، ص ۸۲ - ۸۴.

درس سی و هفتم: ولی خدا

به نام آن که هستی را رقم زد نشان خویش بر لوح و قلم زد

دوستان نمازگزار، سلام. امیدوارم که همیشه خوب و سلامت باشید. دوستان خوبم، در غروب یک روز زیبای خدا چشمم به حکایتی در یک مجله افتاد که به نظرم می‌تواند برای شما هم جالب باشد؛ کودکی با پاهای برهنه بر روی برف‌ها ایستاده بود و به ویتترین فروشگاه‌های نگاه می‌کرد. زنی که در حال عبور بود، دلش به حال کودک سوخت و او را به داخل فروشگاه برد و برایش لباس و کفش خرید و سپس به او گفت: مواظب خودت باش! کودک به چشم‌های زن خیره شد و پرسید: ببخشید خانم، شما خدا هستید؟! زن لبخند زد و پاسخ داد: نه؛ من فقط یکی از بندگان خدا هستم. کودک گفت: مطمئن بودم که با او نسبتی دارید...

در همین هنگام توجهم به صدای مؤذن جلب شد که می‌گفت: اَشْهَدُ اَنْ عَلِيًّا وَلِيُّ اللهِ؛ یعنی شهادت می‌دهم که امیرالمؤمنان، علی ولی خداست.

بی‌اختیار یاد داستانی واقعی از امیرالمؤمنان علیه السلام افتادم؛ شبی پس از اینکه مسلمانان نماز عشا را با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خواندند، مردی از میان صفوف نمازگزاران برخاست و به حاضران گفت: من مردی غریب و گرسنه هستم و از شما تقاضای غذا دارم. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رو به جمعیت کرد و فرمود: کیست در میان شما که عهده‌دار مخارج زندگی این مستمند شود تا شایسته بهره‌مندی از نعمت‌های بهشت گردد؟

امام علی علیه السلام برخاست و اعلام آمادگی کرد. آنگاه دست فقیر را گرفت و به خانه برد و داستان را برای حضرت فاطمه علیه السلام تعریف کرد. فاطمه علیه السلام که دید غذای کافی در منزل ندارد، ابتدا فرزندان گرسنه خود را خواباند و غذای مختصری حاضر کرد؛ اما غذا باز هم

اندک بود و فقط یک نفر را سیر می کرد. بنابراین علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام نور چراغ را کم کردند و با جنباندن دهان خود، وانمود کردند که خود نیز غذا می خورند! بدین ترتیب مرد مستمند سیر شد و برای آنها دعا کرد و رفت.

صبح روز بعد در هنگام نماز صبح پیامبر صلی الله علیه و آله از امام علیه السلام پرسید: با آن مهمان چه کردی؟ آیا او را سیر ساختی؟ علی علیه السلام عرض کرد: آری؛ خدای را سپاس که این کار به نیکویی انجام شد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند به دلیل این عمل تو، این آیه را نازل کرد: **وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ**^۱ یعنی آنها، تهی دستان را بر خودشان مقدم می دارند؛ اگرچه خودشان سخت به آن غذا نیاز داشته باشند.^۲

خدایا، دوستی ما را با خودت مستحکم بگردان.

آمین، یا رب العالمین.

۱. حشر: ۹.

۲. ابوالفتوح رازی، تفسیر روح الجنان، ج ۵، ص ۲۹۹.

درس سی و هشتم: خوی حسن

به نام خداوند دل‌های پاک نمایانگر آدم از آب و خاک

بچه‌ها، سلام. حالتان خوب است؟ ان شاءالله که همیشه خوب و سلامت باشید.
در برنامه امروز جدولی داریم که از کلمات سه‌حرفی تشکیل شده است و همه این کلمات به حرف میم ختم می‌شوند؛ پس شروع می‌کنیم.

۱		م
۲		م
۳		م
۴		م
۵		م
۶		م

گوشت به زبان عربی: لحم

مترادف سوگند: قسم

عُرضه: جنم

جراحت: زخم

از سبزیجات ترشی: کلم

عدد: رقم

حالا اگر حروف دوم جواب‌ها را در کنار هم قرار دهید،

رمز جدول آشکار می‌شود.

بله؛ "حُسن خلق".

"حُسن خلق" یکی از صفات مؤمنان واقعی است و مؤمن واقعی کسی است که از اعماق وجود خود به خدا اعتقاد و باور دارد. بهترین نمونه مؤمنان و نمازگزاران واقعی امامان معصوم ما هستند و به همین دلیل است که وقتی صدای مؤذن را می‌شنیدند، رنگ رخسارشان متغیر می‌شد و حالشان دگرگون می‌گشت! از امام حسن علیه السلام راجع به این حالشان پرسش شد. حضرت فرمود: خدای متعال کسی (مؤذن) را به‌سوی من فرستاده که از من بخواهد خدمت ویژه‌ای همچون نماز را انجام دهد و من نمی‌دانم که آیا آن خدمت

و عمل را از من می‌پذیرد یا نه! اکنون چگونه مضطرب و نگران نباشم؟^۱

حال ببینیم همین امام حسن علیه السلام به کسی که به ایشان فحاشی کرده بود، چگونه برخورد کرده است؛ آورده‌اند که روزی مردی از اهالی شام - که شدیداً تحت تأثیر تبلیغات منفی معاویه بر علیه امام علی علیه السلام و اهل‌بیتش قرار گرفته بود - وارد مدینه شد و با مردی محترم روبه‌رو گشت و زمانی که فهمید او "حسن بن علی بن ابی‌طالب" است، به دلیل کینه‌ای که از امام علی علیه السلام به دل داشت شروع کرد به دشنام دادن و فحاشی کردن! وقتی که سخنش تمام شد، امام به او فرمود: ای مرد، گویا در این شهر غریبی؛ اگر ناراضی هستی، راضی‌ات کنم؛ اگر تقاضایی داری؛ انجام دهم؛ اگر راه را گم کرده‌ای، راه را نشانت دهم؛ اگر مرکب می‌خواهی، مرکبی به تو بدهم؛ اگر گرسنه هستی، تو را سیر کنم؛ اگر عریان هستی، لباسی به تو دهم؛ اگر محتاج هستی، بی‌نیازت کنم؛ اگر بی‌پناهی، تو را پناه دهم و اگر حاجتی داری؛ حاجتت را برآورده سازم. چرا مهمان ما نمی‌شوی تا در خدمتت باشیم و از تو پذیرایی کنیم؟

مرد شامی که انتظار چنین برخورد کریمانه و مهربانی‌ای را نداشت متحیر ماند و به گریه افتاد و عرض کرد: گواهی می‌دهم که تو جانشین خدا در روی زمین هستی. تا همین حالا تو و پدرت بدترین خلق خدا در نزد من بودید؛ ولی اینک بهترین خلق او هستید. او سپس به خانه حضرت علیه السلام رفت و تا وقتی که در مدینه بود مهمان ایشان بود و پس از دریافت هدایایی از امام علیه السلام، با ولایت و دوستی اهل‌بیت علیهم السلام به دیار خود بازگشت.^۲

بارالها، به عظمت امام حسن مجتبی علیه السلام، به همه ما حُسن خُلق عطا فرما.

آمین، یا رب العالمین.

۱. رساله حقوق، ج ۲، ص ۸۴.

۲. محمدباقر مجلسی، عین الحیوة، ص ۵۶۵.

درس سی و نهم: سپر نماز

الهی ای مرا آرامش دل فروغ یاد تو آسایش دل

عزیزان من، سلام. ان شاء الله که همیشه موفق و پیروز باشید.
دوستان خوبم، حتماً می‌توانید از یکم تا دهم را به زبان عربی بگویید.
حالا با هم مرور می‌کنیم.

یکم ← اول

دوم ← ثانی

سوم ← ثالث

چهارم ← رابع

پنجم ← خامس

ششم ← سادس

هفتم ← سابع

هشتم ← ثامن

نهم ← تاسع

دهم ← عاشر

احسنت! حالا بگویید که تاسوعا و عاشورا به چه معناست؟ بله؛ یعنی روز نهم و دهم!
این دو روز به واقعه مهم شهادت حضرت امام حسین علیه السلام و ۷۲ یار باوفایش در کربلا
مربوط می‌شوند.

و حالا یک سؤال: اگر شما روز تاسوعا و عاشورا در کربلا بودید چه می‌کردید؟ فکر

می‌کنید جزو لشکریان یزید بودید یا جزو لشکریان امام حسین علیه السلام؟^۱

البته شما انسان‌های پاکی هستید و حتماً توفیق همراهی انسان‌های پاک را هم خواهید داشت؛ اما واقعیت این است که پاسخ به این سؤال، چندان هم ساده نیست! اگر قبول ندارید، خوب به این داستان توجه کنید:

روزی یکی از دوستان امام حسین علیه السلام در عصر حاضر ادعا کرد که اگر من روز عاشورا در کربلا بودم، مانند یار باوفای امام حسین علیه السلام، سعید بن عبدالله حنفی، سپر امام علیه السلام می‌شدم تا حضرت نمازش را به‌جا آورد. شب همان روز در عالم خواب دید که در صحرای کربلاست و او نیز از یاران امام حسین علیه السلام است. اتفاقاً وقت نماز ظهر رسید و به او گفتند تو باید جلوی امام علیه السلام بایستی و مواظب باشی تیری به آن حضرت اصابت نکند و او هم با کمال میل قبول کرد؛ اما همین که جلوی امام حسین علیه السلام ایستاد، ناگهان تیری از مقابل به‌سمتش آمد! یک لحظه تردید و ترس وجودش را فراگرفت و بی‌اختیار جاخالی داد و تیر به امام حسین علیه السلام اصابت کرد! او که خیلی شرمنده شده بود سعی کرد تا این بی‌کفایتی را جبران کند؛ اما تیر دوم که آمد باز هم نتوانست بایستد و جاخالی داد و باز تیر به امام حسین علیه السلام خورد! و این وضعیت چندین بار تکرار شد تا اینکه حضرت در عالم خواب به او فرمود: "ما رأیت اصحابی آبر و آوفی من اصحابی؛ یعنی ندیدم اصحابی نیکوکارتر و با وفاتر از اصحاب خودم".

دوستان عزیز، حالا بشنوید از سعید بن عبدالله حنفی که در روز عاشورا، جلوی امام حسین علیه السلام ایستاد و خود را هدف تیرهای دشمن قرار داد. او پیوسته از امام نگاهبانی می‌کرد؛ به‌گونه‌ای که امام علیه السلام به هر سو که می‌گردید، او پیش رویش، خویشتن را سپر می‌ساخت تا هنگامی که بر اثر اصابت تیرهای بسیار، با بدن خون‌آلود و ضعف شدید توانش را از دست داد و بر زمین افتاد، و سیزده چوبه تیر در بدنش نمایان بود! در این حال می‌گفت: پروردگارا، بر این مردم لعنت و عذاب بفرست؛ مانند عذابی که بر قوم عاد و ثمود فرستادی. آنگاه رو به آسمان کرد و عرضه داشت: بارالها، سلام مرا به پیامبرت برسان و از

۱. مربی می‌تواند پاسخ بچه‌ها را نیز بشنود.

این درد و رنجی که به من رسیده است او را مطلع بگردان؛ زیرا هدف من از اینجانبازی و تحمل این همه درد و رنج، رسیدن به اجر و پاداش تو از راه یاری نمودن به پیامبرت می‌باشد. سپس چشم‌هایش را باز کرد و سر خود را بر بالین امام علیه السلام مشاهده نمود و به آن حضرت عرضه داشت: "اوفیت یابن رسول الله؟ ای فرزند رسول خدا! آیا من وظیفه خود را در مقابل تو انجام دادم؟" امام علیه السلام در پاسخ وی فرمود: "نعم، انتَ امامی فی الجنة؛ آری، تو پیشای من در بهشت برین هستی."^۱

خداوندا، ما را از شیعیان واقعی امام حسین علیه السلام قرار بده.

آمین، یا رب العالمین.

۱. محمدصادق نجمی، سخنان حسین بن علی علیه السلام، ص ۲۰۲.

درس چهارم: سختی سنگ یا نرمی آب^۱

به نام خوب خدا، خدای آسمان‌ها خدای دشت و صحرا، خدای کل دنیا

سلام خدمت همه شما عزیزان. امیدوارم که آماده اجرای برنامه امروز باشید. دوستان من، اگر دو قطره آب کنار هم قرار بگیرند چه می‌کنند؟ آن دو به هم می‌پیوندند و یک قطره بزرگ‌تر تشکیل می‌دهند. حالا اگر دو سنگ به هم نزدیک شوند چه می‌شود؟ آنها هیچ‌گاه با هم یکی نمی‌شوند.

ما هم همین‌طور هستیم؛ هرچه سخت‌تر باشیم، فهم دیگران برایمان مشکل‌تر است و در نتیجه احتمال بزرگ‌تر شدنمان کاهش می‌یابد.

سه مهارت "نرمی"، "بخشش" و "مدارا" می‌تواند ما را از سختی سنگ دور کرده، به نرمی آب هدایت نماید.

حالا یک سؤال دیگر: اگر سنگی از کوه سرازیر شود و به مانعی برخورد کند چه می‌کند؟
۱. اگر مانع کوچک باشد از روی آن عبور می‌کند؛

۲. اگر متوسط باشد آن را در هم می‌شکند؛

۳. اگر بزرگ‌تر باشد پشت آن می‌ایستد تا تقدیر بعدی چه باشد.

اما آب چه می‌کند؟

۱. ابتدا سعی می‌کند مانع را با خود همراه کند؛

۲. اگر نتوانست آنگاه بدون دردسر به دنبال عبور از کوچک‌ترین روزنه می‌گردد؛

۱. مربی برای اجرای این درس می‌تواند از ابزاری همچون یک قطره چکان و دو سنگ کوچک بهره بگیرد.

۳. و اگر نتوانست صبر می کند تا به اندازه کافی قوی شود؛ آنگاه یا از روی مانع عبور می کند و یا مانع را در هم می شکند.

آب درعین نرمی و لطافت، در مقایسه با سنگ به مراتب سرسخت تر و در راه رسیدن به هدف خود مصمم تر است؛ اما سنگ، پشت اولین مانع جدی می ایستد. دوستان من، یکی از اموری که انسان را همچون آب، زلال و لطیف می کند، نماز و ارتباط با خدای مهربان است. نماز، نرمی و گذشت و مدارا را در ضمیر انسان نهادینه می کند.

حتماً شما هم داستان حربن یزید ریاحی در روز عاشورا را شنیده اید. حر با وجود اینکه در روز دوم محرم راه را بر امام حسین علیه السلام بسته بود، با امام حسین علیه السلام به نماز ایستاد و تاجایی که می توانست حرمت حضرت فاطمه علیها السلام را نگه داشت. لذا دلش آرام آرام همانند آب، نرم گردید و در روز عاشورا پس از پذیرش توبه اش در پیشگاه امام حسین علیه السلام، با دشمنان آن حضرت جنگید تا به شهادت رسید.^۱

خود سیدالشهدا علیه السلام نیز که عمری را با راز و نیاز با معبود گذرانده بود، به نهایت زلالی و لطافت دست یافته بود تاجایی که حتی در طی نه روز اول محرم، بیش از نه بار با عمر سعد مذاکره کرد تا شاید بتواند او را هدایت کند! و اینک پس از حدود ۱۴۰۰ سال، هنوز هم گذشت و مدارای امام حسین علیه السلام را فراموش نکرده، بر روی پرچم های عزای او نوشته ایم: ترسم که شفاعت کند از قاتل خویش از بس که کرم دارد و آقاست حسین خداوندا، در دنیا ما را از زیارت امام حسین علیه السلام و در آخرت از شفاعتش محروم نفرما. آمین، یا رب العالمین.

۱. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۲۸۸.

درس چهل و یکم: نماز دولا پشتکی!

به نام آن خداوندی که نامش کند آرام قلب بندگانش

بچه‌ها، سلام.

حالتان خوب است؟ ان شاء الله که شاد و سرحال هستید.
برنامه امروز را با یک جدول شروع می‌کنیم. رمز جدول وقتی مشخص می‌شود که به‌ازای هر عدد، حرف ابجد منطبق با آن جای‌گزين شود.
با استفاده از جدول زیر رمز جدول را به‌دست آورید.

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰	۱۰۰۰

۳۰	۱	۴۰۰	۵۰	۱	۳۰	۳۰۰	۸۰	۱	۷۰	۴۰۰	۵۰	۱
۴۰	۵۰	۱	۶۰	۴۰۰	۶۰۰	۸۰	۲	۹۰	۳۰	۱	۴۰۰	۵

رمز جدول، حدیثی از امام جعفر صادق علیه السلام است:

"لَا تَنَالُ شَفَاعَتَنَا مَنْ اسْتَحَفَّ بِصَلَاتِهِ"

قبل از شنیدن ترجمه این حدیث، به داستان زیر توجه کنید:

ابوبصیر، برای تسلیت گفتن به "ام‌حمیده"، همسر امام صادق علیه السلام رفته بود. تا چشم

ام حمیده به ابوبصیر افتاد، اشک‌هایش جاری شد و ابوبصیر نیز لختی گریست. همین که ام حمیده آرام گرفت به ابوبصیر گفت: تو در ساعت احتضار امام صادق علیه السلام نبودی، ماجرای شگفت رخ داد! ابوبصیر پرسید: چه ماجرای؟! ام حمیده گفت: لحظه‌های واپسین زندگی امام بود و پلک‌های حضرت روی هم افتاده بود؛ اما ناگهان چشم گشود و فرمود: هم‌اکنون، همه خویشتان را حاضر کنید.

عجیب بود که امام علیه السلام در آن لحظه حساس، چنین دستوری می‌دهد. ما نیز کوشیدیم و همه بستگان را به حضور آن حضرت آوردیم. همه منتظر و آماده که امام علیه السلام در این لحظه حساس، می‌خواهد چه کند و چه سخنی بگوید!

همین که امام علیه السلام همگان را حاضر دید، به آنان فرمود: "لا تنال شفاعتنا من استخف بصلاته؛ یعنی شفاعت ما هرگز نصیب کسی که نماز را سبک بشمارد نمی‌شود!"^۱ عزیزان من، خوب است بدانید که یکی از موارد سبک شمردن نماز، باعجله خواندن نماز است.

شاید شما هم دیده باشید که متأسفانه بعضی افراد آن قدر باعجله نماز می‌خوانند که رکوع و سجود را به درستی به جا نمی‌آورند؛ گویی در حال ورزش هستند و اصطلاحاً "دولپشتکی" نماز می‌خوانند.

امیر مؤمنان علیه السلام مردی را دید که سجده‌های نمازش را بسیار شتابان به جای می‌آورد. حضرت به او فرمود: چرا این چنین نماز می‌خوانی؟! مثل تو در پیشگاه خدا، مثل کلاغی است که بر زمین نوک می‌زند! اگر بمیری به غیر آئین محمد صلی الله علیه و آله و سلم مرده‌ای! آنگاه فرمود: دزدترین مردم کسی است که از نمازش بدزدد!^۲

خداوند، شفاعت اهل بیت علیهم السلام را نصیب ما بگردان.

آمین، یا رب العالمین.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۱۰۵.

۲. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه مترجم، ج ۷، ص ۳۷، ج ۳.

درس چهل و دوم: حافظ آبرو

اول هر کار به نام خدا گوهر گفتار به نام خدا

سلام به شما یاران صمیمی و دوستان مهربان. امیدواریم همیشه، خوب و شاد و سلامت باشید. عزیزان من، به این اعداد توجه کنید و بگویید هر کدام، چه ارتباطی با وجود مقدس ثامن الائمه حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام دارند:^۱

۸	۱۱	۲۰	۵۵	۲۰۳	۲۰۰	۱۴۸
---	----	----	----	-----	-----	-----

عدد ۸: امام رضا علیه السلام، امام هشتم ما شیعیان هستند و یکی از القاب آن حضرت، ثامن الائمه (هشتمین امامان) است.

عدد ۱۱: روز میلاد آن حضرت، ۱۱ ذی القعدة سال ۱۴۸ هجری قمری است.

عدد ۲۰: مدت امامت امام رضا علیه السلام بیست سال است.

عدد ۵۵: عمر شریف آن حضرت ۵۵ سال است.

عدد ۲۰۰: سال ورود امام رضا علیه السلام به کشور ما ایران، ۲۰۰ هجری قمری بوده است.

عدد ۲۰۱: خواهر مکرمه ایشان، حضرت معصومه علیه السلام در این سال از دنیا رفتند.

عدد ۲۰۳: سال شهادت امام رضا علیه السلام، ۲۰۳ هجری قمری است.

دوستان عزیز، امام رضا علیه السلام عاشق راز و نیاز با معبود خود بود. اباضلت می گوید: برای

دیدار و زیارت حضرت رضا علیه السلام به سرخس رفته. چون به در خانه آن حضرت رسیدم و از

۱. مربی می تواند این اعداد را بر روی کارت بنویسد و تعدادی از دانش آموزان را به جلوی کلاس بیاورد و سؤالات را از آنها بپرسد.

زندانبان اجازه ملاقات خواستم. گفت: ملاقات الان میسر نیست؛ زیرا آن حضرت در شبانه‌روز هزار رکعت نماز می‌خواند. فقط ساعتی قبل از ظهر و ساعتی نزدیک غروب، دست از نماز بر می‌دارد و در محل نمازش می‌نشیند و با خداوند مناجات می‌کند. آثار این مناجات‌ها در رفتار آن امام همام با دیگران و کمک به نیازمندان کاملاً مشهود است. حالا حکایتی زیبا از آن حضرت را با هم مرور می‌کنیم و امید که از آن بهره کافی ببریم.

یکی از یاران امام رضا علیه السلام نقل می‌کند: روزی در مجلس امام رضا علیه السلام حاضر بودم، و جمعیت بسیاری نیز در حضورش بودند و مسائل حلال و حرام را از او می‌پرسیدند. در این حال، مردی بلندقامت و گندمگون وارد شد و عرض کرد: سلام بر تو باد، ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله. من یکی از دوستان و دوستداران پدران و اجداد شما هستم. اکنون از حج برمی‌گردم و توشه و اندوخته‌ام تمام شده است و دیگر نمی‌توانم به راهم ادامه دهم. پس اگر برای شما مقدور است توشه‌ای در اختیارم بگذارید که مرا به وطنم برساند. خداوند به من نعمت فراوان داده است؛ پس هرگاه به شهر خویش رسیدم، معادل آن را از طرف شما صدقه خواهم داد که خود نه فقیرم و نه مستحق صدقه!

امام به او فرمود: چه دل‌نشین! و آنگاه رو به مردم نمود و گفت: وگو با آنان را ادامه داد تا همگان رفتند و جز من و تعدادی اندکی از اصحاب باقی نماندند. پس امام رضا علیه السلام از حاضران اجازه گرفت و به اندرون خانه رفت و کمی بعد دست خود را از پنجره‌ای بیرون آورد و به آن مرد فرمود: این دویست درهم را از من بگیر و خرج راه خود را با آن تأمین کن. هرگاه به شهر و دیار خود رسیدی، لازم نیست که از طرف من به فقیران صدقه بدهی؛ چون من آن را به تو بخشیدم. اینک برو تا نه من تو را ببینم و نه تو مرا!

پس از رفتن مرد یکی از یاران امام از آن جناب پرسید: فدایت گردم! لطف بسیار نمودی، ولی چرا آن را از بالای پنجره دادی و خود را از او پوشاندی؟!

حضرت فرمود: ترسیدم که مبادا وقتی که دوباره با او روبه‌رو می‌شوم، او احساس خجالت و شرمندگی کند! مگر نشنیده‌ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کار کسی که مخفیانه

نیکی می‌کند، معادل هفتاد حج است، و آشکارکننده بدی و گناه، درمانده می‌شود، و پوشاننده گناه، بخشیده خواهد شد.^۱

خداوندا، به عظمت امام رضا علیه السلام ما را از پیروان و شیعیان راستین آن حضرت قرار بده. آمین، یا رب العالمین.

۱. انوار البهیة، ص ۲۷۴ و ۲۷۵.

درس چهل و سوم: کودک حکیم و شجاع

به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین
خداوند نام و خداوند جای خداوند روزی ده رهنمای

سلام به شما دانش آموزان گرامی.

امیدوارم که حالتان خوب باشد و برای اجرای برنامه امروز آماده باشید.
دوستان من، حتماً می‌دانید که برخی از اعداد را اعداد مقدس می‌دانند و یکی از این اعداد، عدد هفت است. حالا می‌خواهیم با کمک هم ارتباط عدد هفت را با برخی مناسبت‌ها و اشیا پیدا کنیم.^۱

۱. خلقت آسمان و زمین در هفت روز؛

۲. هفت آسمان؛

۳. هفت روز هفته؛

۴. امام هفتم (حضرت موسی بن جعفر علیه السلام)؛

۵. معصوم هفتم (حضرت امام محمد باقر علیه السلام)؛

۶. روز هفتم هفته (روز مبارک جمعه)؛

۷. هفت دور طواف کعبه؛

۸. هفت شوط سعی بین صفا و مروه؛

۹. پرتاب هفت ریگ به شیطان؛

۱۰. هفت شهر عشق (شهرهای مقدس جهان)؛

۱۱. هفت عضو سجده‌گاه؛

۱. مربی گفته‌های صحیح دانش‌آموزان را روی تخته می‌نویسد و خود نیز به تکمیل آن کمک می‌کند.

و

اما موضوع مورد نظر ما در برنامه امروز که عدد هفت در آن نقش دارد، به امام جواد علیه السلام مربوط می‌شود.

خوب، آیا می‌توانید حدس بزنید عدد هفت چه نسبتی با امام جواد علیه السلام دارد؟!
بله دوستان، امام جواد علیه السلام در کودکی و در سن هفت سال و هفت ماهگی به امامت رسید.

در تاریخ آمده است که یک سال بعد از شهادت امام رضا علیه السلام روزی مأمون در حال عبور از کوچه‌های بغداد، به گروهی از کودکان رسید که مشغول بازی بودند و با دیدن او همگی پا به فرار گذاشتند، به جز یکی از آنها که در کناری ایستاده بود! خلیفه به نزدیک کودک آمد و از او پرسید: چرا مانند بقیه بچه‌ها فرار نکردی؟ کودک پاسخ داد: ای مأمون! من نه راه عبور تو را تنگ کرده بودم که برای باز کردن آن کنار بروم و نه گناهی کرده بودم که بترسم! من نسبت به خلیفه مسلمین حُسن ظن دارم و می‌دانم به کسی که مرتکب گناهی نشده، آزاری نمی‌رساند! مأمون از سخنان حکیمانه و شجاعانه کودک تعجب کرد و پرسید: نام تو چیست؟ کودک گفت: محمد. مأمون پرسید: پسر کیستی؟ کودک پاسخ داد: علی بن موسی الرضا. مأمون گفت: از سخنان حکیمانه‌ات فهمیدم که باید منتسب به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله باشی. سپس به روان پاک امام رضا علیه السلام درود فرستاد و راه خود را گرفت و رفت.^۱

بله دوستان؛ کسی که با خدای خود ارتباط نیکو داشته، پیوسته او را در نظر دارد، از هیچ کس و هیچ چیز هراس ندارد و در اثر معنویت ناشی از عبادت راستین، حکیمانه سخن می‌گوید. خداوند، به عظمت و مقام امام جواد علیه السلام حلاوت و شیرینی مناجات با خود را به ما بچشان.

آمین، یا رب العلمین.

درس چهل و چهارم: مانور پوشالی

اول هر کار به نام خداست آن که از او عالم هستی به پاست

سلام علیکم. امیدوارم که حال شما خوب باشد و همیشه سالم و سرحال و سربلند باشید.

دوستان عزیز، برنامه امروز را با یک جدول قرآنی آغاز می کنیم.

۱- نام سوره‌ای که به معنای اول روز است: ضحی

۱	نام سوره‌ای که به معنای	۲
۲	سپیده دم است: علق	۳
۳	سوره‌ای که شناسنامه انسان	

محسوب می شود: عصر

خوب، بچه های عزیز، رمز جدول را می توانید با قرار دادن حرف اول ردیف آخر، حرف دوم ردیف وسط و حرف آخر ردیف اول به دست آورید.

آفرین! نام زیبای "علی"

خوب، حالا بگویید که نام چند نفر از معصومان علیهم السلام، "علی" است؟

۱. امام اول، علی بن ابی طالب علیه السلام؛ ۲. امام چهارم، علی بن الحسین، امام سجاد علیه السلام؛

۳. امام هشتم، علی بن موسی، امام رضا علیه السلام؛ ۴. امام دهم، علی بن محمد، امام هادی علیه السلام.

ما امروز می خواهیم درباره امام هادی علیه السلام با هم صحبت کنیم.

امام هادی علیه السلام در حدیث شریفی می فرماید: هر کس از خدا بترسد، عظمت و جلال او در نزد مردم افزایش می یابد، و هر کس از خداوند پیروی و اطاعت کند، دیگران نیز از او

پیروی نمایند، و هرکس مطیع و فرمانبردار خدا شود، از خشم و غضب مردم پروایی ندارد.^۱
امام هادی علیه السلام، خود چنین بود و به همین دلیل یکی از القاب آن حضرت، "نقی" بود.
روایت شده است که روزی متوکل عباسی به سپاه خود که نود هزار جنگجوی ترک بودند، فرمان داد تا هر کدام توبره اسب خود را از گل سرخ پر کرده و در نقطه‌ای معین روی هم بریزند و آرایش جنگی بگیرند. فرمان اجرا شد و تپه‌ای بزرگ از گل سرخ پدیدار گشت. سپس متوکل بر بالای آن رفت و برای ایجاد رعب و وحشت در دل امام هادی علیه السلام، ایشان را نیز احضار کرد و گفت: تو را به اینجا آورده‌ام، تا سپاهیانم را بنگری و از قدرت و شوکت من آگاه گردی!

او قصد داشت با این کار، امام را از هرگونه اقدامی علیه حکومت خود برحذر دارد؛ اما امام هادی علیه السلام بدون هیچ واهمه‌ای، لحظه‌ای سکوت کرد و آنگاه دعایی را زمزمه کرد.
ناگهان فرشتگانی که غرق در اسلحه بودند، مابین زمین و آسمان را پر کردند!
خلیفه وقتی خیل جمعیت فرشتگان مسلح را دید، بیهوش شد و بر زمین افتاد. هنگامی که او را به هوش آوردند، امام هادی علیه السلام فرمود: "به‌درستی که ما در امور دنیوی با شما مسابقه نمی‌دهیم و فخرفروشی نمی‌کنیم؛ بلکه به امر آخرت اشتغال داریم، پس آنچه درمورد من گمان کرده‌ای، اشتباه است."^۲
بله؛ کسی که با قدرت مطلق الهی ارتباطی نیکو داشته باشد، بی‌شک از حمایت و پشتیبانی او بهره‌مند خواهد شد.
خدایا، به عظمت امام هادی علیه السلام رعایت تقوای الهی را که همان انجام واجبات و ترک محرمات است به ما عنایت فرما.

آمین، یا رب العالمین.

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۵۱۰.

۲. شیخ عباس قمی، انوار البهیة، ص ۳۶۴ و ۳۶۵.

درس چهل و پنجم: شکوه نماز

به نام آن خداوندی که نامش کند آرام قلب بندگان

بچه‌ها، سلام.

حالتان خوب است؟ سلامتید؟ امیدوارم که همیشه خوب باشید.

دوستان، به این کارت‌ها توجه کنید:

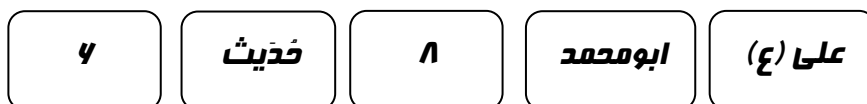


چه کسی می‌تواند حدس بزند با این حروف چه کلمه‌ای درست می‌شود؟!

آفرین، "عسکری"!

حتماً می‌دانید که "عسکری" لقب امام یازدهم است و ایشان را به این دلیل "امام حسن عسکری" می‌گفتند که به‌همراه پدرشان (امام هادی علیه السلام) در یک منطقه نظامی، تحت کنترل خلفای عباسی بودند.

خوب، حالا به پشت کارت‌ها توجه کنید و ارتباط نوشته‌های روی آنها را با امام یازدهم مشخص کنید.



علی علیه السلام: نام پدر بزرگوارشان (امام هادی)؛

ابومحمد: کنیه امام؛

۸: ۸ ربیع‌الثانی (۲۳۲ هجری قمری)، روز تولد، و روز ۸ ربیع‌الاول (۲۶۰ هجری قمری)

روز شهادت ایشان؛

حَدِيث: نام مادر بزرگوار ایشان؛

ع: ۶ سال، مدت امامت آن امام بزرگوار.

یکی از ویژگی‌های امام حسن عسکری علیه السلام این بود که آن‌چنان به نماز و راز و نیاز با خدا علاقه داشت که حتی دشمنانش نیز تحت تأثیر عبادات او قرار می‌گرفتند! روزی خلیفه عباسی به صالح بن وصیف، مأمور شکنجه امام علیه السلام دستور داد: حسن بن علی را در فشار قرار بده و بر او رحم نکن! صالح گفت: بالینکه دو نفر از بی‌رحم‌ترین افراد را مأمور او کرده بودم، اینک چنان شیفته وی شده‌اند که پیوسته در حال عبادت و نماز و روزه هستند.^۱

داستان عجیب دیگری که در مورد امام حسن عسکری علیه السلام گفته شده این است که روزی به امر خلیفه، آن حضرت را در قفس شیرها انداختند تا کار ایشان را یکسره کنند؛ اما در کمال تعجب دیدند که حضرت به خواندن نماز مشغول شد و شیرها با آرامش و تواضع در اطراف او مشغول طواف گشتند.^۲

امام حسن عسکری علیه السلام، خود می‌فرمود: زمانی که بنده به‌سوی جایگاه نمازش می‌رود تا نماز بخواند، خدای عزوجل به فرشتگان می‌فرماید: آیا بنده مرا نمی‌بینید که چگونه از همه خلائق بریده و به‌سوی من آمده است، درحالی‌که به رحمت و جود و رأفت من امیدوار است؟! شما را شاهد می‌گیرم که رحمت و کرامت خود را مخصوص او گردانم.^۳ خداوند، به مقام و عظمت امام حسن عسکری علیه السلام ما را با رحمت و رأفت خود آشنا بگردان.

آمین، یا رب العالمین.

۱. حسین دیلمی، هزار و یک نکته درباره نماز، ص ۱۳۹.

۲. شیخ مفید، ارشاد، ص ۳۲۴ و ۳۲۵.

۳. بروجردي، جامع احادیث الشیعه، ج ۴، ص ۲۲.

درس چهل و ششم: نماز حقیقی

سخن بگویم به احترامش آغاز گردد به ذکر نامش

به نام خداوند بخشنده

مهربان

سلام! سلامی چو بوی خوش آشنایی!

دوستان من، آماده اجرای یک برنامه خوب هستید؟!

پس به کلمات زیر توجه کنید:

تَمَلُّی	تَقَنَّتْ	تَرَكَعْ	تَسْجُدْ	تَهْلِلْ	تُكَبِّرْ
----------	-----------	----------	----------	----------	-----------

حالا به این سؤال‌ها پاسخ دهید:

۱. این کلمات، از نظر دستور زبان عربی چیستند؛ اسم یا فعل یا حرف؟ فعل

۲. این کلمات، چه نوع فعلی هستند؟ فعل مضارع (مفرد مذکر مخاطب)

۳. معنی این کلمات چیست؟ "تصلی: نماز می‌خوانی"؛ "تقنت: قنوت می‌گیری"؛ "ترکع: رکوع می‌روی"؛ "تسجد: سجده می‌روی"، "تهلیل: تهلیل (لااله الا الله) می‌گویی" و "تکبیر: تکبیر (الله اکبر) می‌گویی".

۴. این کلمات، در زیارت‌نامه کدام یک از امامان معصوم ما آمده است؟ حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) برای تعجیل در فرج آن حضرت یک صلوات بفرستید.

۵. زیارت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) چه نام دارد؟ آل یاسین

اکنون قسمتی از زیارت حضرت صاحب الامر (زیارت آل یاسین) را با هم می‌خوانیم.

السلام علیک حین تصلی وتقنت؛

سلام بر تو آنگاه که به نماز می ایستی و قنوت می خوانی.

السلام عليك حين تركع وتسجد؛

سلام بر تو آنگاه که به رکوع و سجود می روی.

السلام عليك حين تهلل وتكبر؛

سلام بر تو آنگاه که تهلیل و تکبیر می گویی.^۱

و حالا حدیثی از حضرت مهدی علیه السلام:

هیچ چیز مانند نماز، بینی شیطان را به خاک نمی‌مالد. پس نماز بخوان و بینی ابلیس را به خاک بمال.^۲

دوستان من، به این حکایت جالب هم توجه کنید:

"روزی سه سوار به فرماندهی "رشیق حاجب" به سرعت وارد سامرا شدند و به خانه امام حسن عسکری علیه السلام رفتند. رشیق از غلامی که بر در خانه آن حضرت ایستاده بود پرسید، این خانه کیست؟ غلام که از سر و وضع سواران مسلح متوجه شده بود مأموران خلیفه عباسی هستند، به آنان اعتنایی نکرد. رشیق به همراهانش دستور داد وارد خانه شوند و بنا به فرمان خلیفه هرکسی را در خانه یافتند، سر از تنش جدا کنند؛ اما وقتی پرده را کنار زدند، ناگهان اتاق بزرگی که تا نیمه پر از آب بود، جلوی چشمشان ظاهر شد. حصیری بر روی آب شناور بود و روی حصیر شخصی نورانی به نماز ایستاده بود! مأموران خلیفه لحظه‌ای هاج و واج شدند و قدرت هر کاری را از دست دادند.

... شخص نمازگزار، کسی جز مهدی علیه السلام نبود که هیچ اعتنایی به مأموران نداشت. در این حال یکی از مأموران جلو رفت تا امام را دستگیر کند؛ اما لحظه‌ای بعد در میان امواج آب قرار گرفت و شروع به دست‌وپا زدن کرد. همراهانش درحالی که بیهوش شده بود او را از آب بیرون کشیدند. مأمور بعدی نیز تلاش کرد؛ اما او هم به سرنوشت اولی دچار شد. رشیق درحالی که حیرت‌زده مانده بود و تمام بدنش از ترس می‌لرزید، یقین کرد که اهل این خانه از جانب خداوند محافظت می‌شوند؛ بی‌اختیار از امام عذرخواهی کرد و گفت:

۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام (آل یس).

۲. جواد قیومی، صحیفه المهدی، ص ۳۵۵.

سوگند به خدا خبر نداشتم که موضوع چیست و برای دستگیری چه کسی آمده‌ام! من در پیشگاه خدا توبه می‌کنم!

حضرت مهدی عج همچنان در حال نماز بود که آن سه سوار، سامرا را به قصد بغداد ترک کردند. وقتی به قصر معتضد (خلیفه عباسی) که بی‌قرار منتظر آنان بود وارد شدند، آنچه را دیده بودند برای خلیفه تعریف کردند. عرق سردی بر پیشانی معتضد نشست و ناگهان نعره کشید و سوگند خورد که اگر کسی از این ماجرا باخبر شود گردن آنان را خواهد زد!"

بله، این است نمازی که بینی شیطان و حتی شیطان صفتان را به خاک می‌مالد.^۱
خداوندا، ما را از سربازان واقعی حضرت مهدی عج قرار بده.
آمین، یا رب العالمین.

درس چهل و هفتم:

زینت پدر

به نام آن که بالای سر ماست همای رحمتش بال و پر ماست
به نام آن که ذاتش بی‌بدیل است کمال غربتش، روشن‌گر ماست

سلام خدمت شما دانش‌آموزان گرامی. برنامه امروز را آغاز می‌کنیم.



بچه‌های عزیز، این عدد چه ارتباطی با حضرت زینب علیها السلام دارد؟
خوب است که بدانید این عدد، تاریخ تولد حضرت زینب علیها السلام است!
بله؛ آفرین!

حضرت زینب علیها السلام در تاریخ ۵/۵/۵ یعنی در روز پنجم ماه پنجم (جمادی‌الاولی) سال پنجم هجری قمری به دنیا آمد. هنگامی که حضرت زینب علیها السلام به دنیا آمد، کودک را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آوردند. حضرت او را گرفت و به سینه چسبانید؛ صورت بر صورت او گذاشت و با صدای بلند گریه کرد! حضرت فاطمه علیها السلام عرض کرد: چرا گریه می‌کنید؟! حضرت فرمود: دخترم، بدان که زود باشد این فرزند تو به مصائب گوناگون و گرفتاری‌های ناگوار مبتلا شود! ای پاره تنم و نور چشمم، هرکسی بر او و بر مصیبت‌های او گریه کند، ثواب گریه‌کننده بر دو برادرش را دارد؛ پس او را زینب نام نهادند.^۱

دوستان خوب، شاید شما هم بدانید که حضرت زینب علیها السلام به دلیل علاقه فراوان به برادر خود، یعنی امام حسین علیه السلام در هنگام ازدواج با عبدالله بن جعفر (پسرعموی خود) شرط

۱. محمد مهدی حائری، معالی السبطین، ج ۲، ص ۱۳۲.

گذاشت که هرگاه امام حسین علیه السلام خواست به مسافرتی برود و او نیز خواست همراهش باشد، عبدالله مانع از آن سفر نگردد.

و چنین شد که حضرت زینب علیها السلام در تمام لحظات حماسه عاشورا در کنار امام حسین علیه السلام حضور داشت و پس از شهادت آن حضرت نیز پرچمدار تداوم نهضت کربلا شد. امام سجاد علیه السلام می فرماید: "در سفر اسارت که از کوفه به سوی شام می رفتیم، عمه ام زینب علیها السلام بیشتر اوقات نمازهای واجب و مستحب را ایستاده به جا می آورد و گاهی نمازش را نشسته می خواند. وقتی علت را از او پرسیدم، فرمود: به دلیل ضعف فراوان توان ایستادن ندارم. آری؛ همین طور بود! عمه ام غذایی را که به او می دادند بین کودکان تقسیم می کرد و این در حالی بود که در هر شبانه روز به هریک از ما تنها یک گرده نان می دادند".^۱

شیخ مفید می گوید: "هنگامی که اهل حرم امام حسین علیه السلام را وارد مجلس عبیدالله بن زیاد کردند، زینب کبری علیها السلام با لباس های کهنه ولی با ابهت و جلال وارد آن مجلس شد و در گوشه ای از قصر نشست. ابن زیاد که حضرت را نشناخته بود، با ناراحتی پرسید: این زن متکبر کیست؟! یکی از کنیزان گفت: این زینب دختر علی علیه السلام است. ابن زیاد که از استقامت و ابهت حضرت زینب علیها السلام عصبانی شده بود، گفت: حمد و سپاس خدایی را که شما را رسوا کرد و کشت! دیدی خدا با شما چه کرد؟! اما حضرت زینب علیها السلام فرمود: ما رأیت الا جمیلاً؛ یعنی من از خداوند به جز خوبی ندیدم! اینان افرادی بودند که خداوند سرنوشت آنها را شهادت تعیین کرده بود؛ پس آنان به آرامگاه ابدی خود رفتند".^۲

بله، کسی که همیشه با خداوند در ارتباط است هیچ گاه در برابر مشکلات تسلیم نمی شود و همواره تسلیم امر پروردگار است و مهم تر از همه اینکه تمام آنچه را که خداوند متعال برایش مقدر فرموده، زیبا می بیند.

خداوندا، به عظمت حضرت زینب علیها السلام ما را در برابر مشکلات صابر و شاکر قرار ده.
آمین، یا رب العالمین.

۱. علی محمد علی دخیل، زینب بنت امیرالمؤمنین علیها السلام، ص ۱۷ و ۱۸.

۲. شیخ عباس قمی، نفس المهموم، ص ۵۲۶.

درس چهل و هشتم: دختر آسمانی

در ابتدای کارم نام تو را بیارم باشد که خوب گردد پایان این بهارم

سلام به شما خوبان.

امیدوارم سر حال و بانشاط آماده اجرای برنامه امروز باشید.

خوب، حالا که آماده‌اید به این سؤال پاسخ دهید: کدام یک از معصومان علیهم‌السلام پیشگویی کردند که دختری به نام "فاطمه" در شهر قم دفن خواهد شد؟
بله؛ حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام.

امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند: به زودی در شهر قم، دختری از فرزندان من، به نام "فاطمه" دفن می‌شود. هر کسی که او زیارت کند، بهشت بر او واجب می‌گردد.

جالب است بدانید این حدیث را امام صادق علیه‌السلام هنگامی که هنوز امام موسی بن جعفر علیه‌السلام، پدر حضرت معصومه علیه‌السلام به دنیا نیامده بود، فرمودند.^۱
عزیزان من، به این سه کارت توجه کنید:

السلام عليك يا بنت ولی الله

السلام عليك يا اخت ولی الله

السلام عليك يا عمة ولی الله

این سه جمله در زیارت‌نامه حضرت معصومه علیها السلام، در مقام معرفی آن حضرت آمده است. حالا بگویید منظور از کلمه "ولی‌الله" در هریک از این سه جمله چه کسی است؟ و سه کلمه "بنت"، "اخت"، "عمه" به چه معناست؟

عمه	اخت	بنت
ولی‌الله	ولی‌الله	ولی‌الله

بله؛ "بنت" یعنی دختر. پس منظور از "ولی‌الله" در جمله اول، حضرت موسی‌بن‌جعفر علیه السلام است که حضرت معصومه علیها السلام دختر ایشان بوده است. "اخت" یعنی خواهر. پس منظور از "ولی‌الله" در جمله دوم، حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا علیه السلام است که حضرت معصومه علیها السلام خواهر ایشان بوده است. "عمه" هم که معنای روشنی دارد. پس منظور از ولی‌الله "در جمله سوم، حضرت محمدبن‌علی‌الجواد علیه السلام است که حضرت معصومه علیها السلام عمه ایشان بوده است. دوستان، همان‌طور که می‌دانید حضرت معصومه علیها السلام با جمعی از بستگانشان به جهت زیارت برادر بزرگوارشان امام رضا علیه السلام در سال ۲۰۰ هجری وارد ساوه شدند و در آنجا بنا به نقلی مسموم و یا مریض شدند و با تقاضای اهل قم در روز ۲۳ ربیع‌الثانی وارد شهر مقدس قم شدند. ایشان در مدت هفده روز آخر عمر خود، در محلی به نام "بیت‌النور" پیوسته در حال عبادت بودند. این عبادت هفده روزه خالصانه و راز و نیاز با معبود، به این محل چنان رونق معنوی‌ای داد که پس از گذشت صدها سال از این عبادات هنوز هم زائران آن حضرت، برای دیدن محل عبادتش به بیت‌النور می‌روند و به‌یادش نماز می‌خوانند. حضرت معصومه علیها السلام در اوایل ماه ربیع‌الثانی به دیدار معشوق و معبود شتافتند. حرم آن بزرگوار در طی قرون متمادی ملجأ و پناهگاه بسیاری از بزرگان و علما و مردم بوده و حاجتمندان بسیاری را تاکنون حاجت‌روا کرده است.

بزرگانی با زیارت مرقد وی به درجات معنوی فراوانی دست یافته‌اند و معصومان علیهم‌السلام زیارت او را سکوی پرواز به سمت بهشت معرفی کرده‌اند.^۱

خداوندا، به حق پدر، برادر و برادرزاده بزرگوار حضرت معصومه علیها‌السلام، توفیق زیارت بامعرفت ایشان را نصیب همه ما فرما.

آمین، یا رب العالمین.

۱. مضمون احادیثی از امام موسی بن جعفر، امام رضا و امام جواد علیهم‌السلام.

درس چهل و نهم: فرمانده خوبی‌ها

می‌گشایم زبان به نام خدا که ز نامش جهان شده برپا
حمد بی‌حد به خالق یکتا قادرست و علیم و بی‌همتا

عزیزان نمازگزار، سلام.

حالتان چگونه است؟ الحمدلله.

برنامه امروز را با چند سؤال آغاز می‌کنیم.

۱. کسی که به او اقتدا می‌شود: مقتدا

۲. حاجیان بعد از محرم شدن می‌گویند: لییک

۳. راحتی: آسایش

۴. شغل میثم، یکی از یاران حضرت علی علیه السلام: تمار (خرمافروش)

حالا، پیام این سؤال‌ها:

"حرف‌های اول و آخر را اگر کنار هم بذاری پیام خوب ما را در می‌آری"
بله؛ کلمه مورد نظر، نام یکی از سرداران لشکر امام علی علیه السلام، یعنی "مالک اشتر" است.
امام علی علیه السلام در معرفی مالک اشتر به مردم مصر می‌نویسد: "من بنده‌ای از بندگان خدا
را به سوی شما روانه کردم که در روزهای هراس نمی‌خوابد و در ساعت‌های ترس روی از
دشمن برنمی‌تابد و برای بدکاران، از آتش سوزان سخت‌تر است... او شمشیری از
شمشیرهای خداست؛ نه تیزی آن کند می‌شود و نه ضربتش بی‌اثر".^۱
دوستان خوبم، روزی مالک اشتر از بازار کوفه می‌گذشت. یکی از بازاریان که او را - به

۱. سیدرضی، نهج البلاغه، نامه ۳۸.

دلیل ظاهر بی‌آلایش و ساده‌اش - نشناخته بود، به‌قصد اهانت سنگ کوچکی را به‌سوی او پرتاب کرد! اما مالک بدون اینکه به او توجه کند راه خود را گرفت و گذشت.

دوستان مرد به او گفتند: وای بر تو! آیا می‌دانی که آن سنگ را به‌سوی چه کسی پرتاب کردی؟! گفت: نه. به او گفتند: او مالک اشتر، بهترین یار و همراه و فرمانده لشکر امیر مؤمنان علیه السلام است!

مرد، بر خود لرزید و به‌سوی مالک رفت تا از او معذرت بخواهد؛ اما او را دید که به مسجد رفت و به نماز ایستاد. زمانی که نماز مالک به‌پایان رسید، مرد خود را برپاهای مالک انداخت و شروع به زاری کرد.

مالک گفت: این چه کاری است؟!

مرد گفت: از آنچه کردم، معذرت می‌خواهم.

مالک گفت: ترسی نداشته باش. به خدا سوگند، به مسجد نیامدم مگر به‌قصد آمرزش‌خواهی برای تو!^۱

دوستان من، مالک اشتر در سایه خودسازی و ارتباط با خدا در مقابل جسارت و توهینی که به او شد، خود را کنترل کرد. او باینکه فرمانده لشکر حضرت علی علیه السلام بود و هر اقدامی می‌توانست انجام دهد، بخشش را به انتقام ترجیح داد.

خداوندا، به ما قدرت عفو و درگذشتن از تقصیرات دیگران را عنایت فرما.

آمین، یا رب العالمین.

۱. ورام، تنبیه الخواطر (با اندکی تغییر)، ج ۱، ص ۲.

درس پنجاهم: توکل بر خدا

به نام خداوند رنگین کمان خداوند بخشندهٔ مهربان
خدایی که از بوی گل بهتر است صمیمی‌تر از خندهٔ مادر است

سلام به شما دانش‌آموزان گرامی.

با امید به اینکه حالتان خوب باشد، برنامهٔ امروز را با طرح چند سؤال آغاز می‌کنیم.

۱. کلمه‌ای عربی به معنای رساندن: ابلاغ

۲. باران نیست: برف

۳. واژه‌ای که برای دوستی با اهل بیت علیهم‌السلام عنوان می‌شود: ولا

۴. "ذره" دم‌بریده: ذر

۵. خشنود: راضی

حالا اگر حروف اول پاسخ‌ها و سپس حروف آخر آنها را در کنار هم قرار دهید، کلمهٔ مورد نظر درس امروز روشن می‌شود.

بله؛ ابوذر غفاری.

ابوذر غفاری یکی از اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که پیش از اسلام نیز موحد بود (یعنی از بت‌پرستان نبود). او را چهارمین یا پنجمین کسی دانسته‌اند که اسلام را پذیرفته است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دربارهٔ او فرمود: آسمان، بر کسی سایه نیفکند و زمین، کسی را بر پشت خود نگرفت که راست‌گوتر از ابوذر باشد.^۱

امام حسن عسکری علیه‌السلام فرمود: پدرم از پدر خویش امام محمد تقی علیه‌السلام نقل کرد که آن

۱. محمد محمدی ری‌شهری، حکمت نامه جوان، ص ۳۷۶.

حضرت فرمود: روزی ابوذر غفاری به محضر پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: یا رسول الله، شصت رأس گوسفند دارم و دوست ندارم تمام اوقات با گوسفندانم باشم و از محضر پرفیض شما و خدمت به شما محروم بمانم. همچنین دوست ندارم که گوسفندانم را به چوپانی بسپارم که به آنها ظلم کند و آنها را به خوبی نچراند، چه کنم؟!

رسول خدا ﷺ فرمود: ای ابوذر، برو و گوسفندان را برای چرانیدن، به بیابان ببر. ابوذر فرمان رسول اکرم ﷺ را پذیرفت و گوسفندان را به بیابان برد و پس از یک هفته به محضر پیامبر خدا ﷺ مشرف شد.

پیامبر ﷺ پرسید: ای ابوذر، گوسفندان را چه کردی؟

عرض کرد: یا رسول الله، قصه عجیبی دارد!

پیامبر ﷺ فرمود: چه قصه‌ای رخ داد؟

عرض کرد: یا رسول الله، مشغول نماز بودم که ناگهان گرگی به گوسفندانم حمله کرد. گفتم پروردگارا، نمازم! پروردگارا، گوسفندانم! بالاخره نماز را بر گوسفندانم ترجیح دادم. در این هنگام شیطان نزد من آمد و گفت: ای ابوذر، چه می‌کنی؟ گرگ به گوسفندان حمله کرده است و تو نماز می‌خوانی؟! گوسفندان را هلاک می‌کند و چیزی برای باقی نمی‌ماند که با آن زندگی کنی. در پاسخ شیطان گفتم: برای من توحید، ایمان به رسول خدا ﷺ و ولایت برادرش^۱ علی بن ابی طالب و ائمه طاهرين علیهم السلام و دشمنی با دشمنان آنان باقی مانده است! غیر از اینها هرچه از من فوت شود و نابود گردد، ناچیز است و اهمیت ندارد.

سپس متوجه نمازم شدم. در این هنگام گرگ، گوسفندی را ربود؛ اما ناگهان شیری آمد و با حمله به گرگ، گوسفند را نجات داد!

آنگاه نزد من آمد و گفت: ای ابوذر، متوجه نمازت باش که خداوند مرا موکل بر گوسفندان کرد تا تو نمازت را بخوانی! پس من متوجه نمازم شدم درحالی که بهت و

۱. در بسیاری از روایات آمده است که پیامبر ﷺ، علی را برادر خطاب کرد. از جمله، به او فرمود: تو برادر منی در دنیا و آخرت. (محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۱ ص ۲۱۱).

تعجب تمام وجودم را فرا گرفته بود. خدا می‌داند که چه حالتی داشتم تا بالاخره از نمازم فارغ شدم.

آنگاه شیر آمد و به من گفت: ^۱ خدمت محمد مصطفی برو و او را خبر ده که خداوند گرمی داشت یار و صحابی‌ات را که حافظ شریعت توست که شیری را مأمور حفاظت گوسفندانش نموده است!

افرادی که در اطراف رسول خدا ﷺ بودند متعجب شدند. رسول اکرم ﷺ فرمود: ای ابوذر، من و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام به گفتارت ایمان داریم و می‌دانیم که راست می‌گویی.... ای ابوذر، خدا را نیکو اطاعت کردی که خداوند شیری را مسخر تو گردانید تا در میان بیابان از تو و گوسفندان حفاظت نماید. پس تو از گرمی‌ترین کسانی هستی که خداوند مدحشان کرده که نماز را اقامه می‌کنند.^۲

بارالها، ما را در زمره اقامه‌کنندگان نماز قرار ده.

آمین، یا رب العالمین.

۱. گفتنی است که قرآن کریم می‌فرماید: حیوانات با حضرت سلیمان علیه‌السلام سخن می‌گفتند (نحل: ۱۶ - ۲۲) و مقام ابوذر تا جایی است که رسول خدا ﷺ فرمود: ای ابوذر، تو از خانواده ما اهل بیت هستی (محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۷۶).

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۳۱.

درس پنجاه و یکم: عید بندگی

به نام آن که جان را نور دین داد خرد را در خدادادی یقین داد

سلام به شما دانش آموزان گرامی.

برنامه امروز را با یک جدول یکسره شروع می کنیم.

سؤالات جدول:

۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸

۱. روز جشن و شادی: عید (جواب در خانه های ۱۲، ۴ و ۳)

۲. بهره: حظ (جواب در خانه های ۱۱ و ۱۳)

۳. راه انتقال هوا از دهان به ریه: نای (جواب در خانه های ۵، ۶ و ۱۴)

۴. میوه ای خوشبو: به (جواب در خانه های ۱۰ و ۷)

۵. متضاد مدح: ذم (جواب در خانه های ۹ و ۵)

حالا اگر حروف به دست آمده را از آخر به اول در کنار هم قرار دهید، رمز جدول که

آیه ای از قرآن است، آشکار می شود.

بله؛ "و قدیناه بذبح عظیم".^۱

معنی آیه این است: "ما قربانی بزرگی فدای اسماعیل کردیم".
 خوب، حالا بگویید که کدام عید است که با این آیه ارتباط دارد؟
 بله؛ "عید قربان".

داستان را هم که می‌دانید؛ هنگامی که اسماعیل علیه السلام جوانی نیرومند و زیبا شد، حضرت ابراهیم علیه السلام در خواب دید که پروردگارش فرمان می‌دهد که اسماعیل را قربانی کن! حضرت ابراهیم که در سن پیری صاحب فرزند شده بود و حالا از وجود او که جوانی برومند شده بود، احساس شادمانی و رضایت می‌کرد ابتدا در درستی خواب خود تردید داشت؛ اما وقتی که خواب تکرار شد، مطمئن گشت که فرمان قربانی کردن فرزند از جانب خدای بزرگ است و لذا بر انجام آن مصمم شد. اینجا بود که شیطان رانده شده دست‌به‌کار شد و به وسوسه ابراهیم علیه السلام، سپس همسر او هاجر علیه السلام و دست آخر، اسماعیل علیه السلام پرداخت. اما همان‌طور که می‌دانید وسوسه‌های او در هیچ‌کدام مؤثر واقع نشد و هر سه با توکل و تکیه بر خدای رحمان از این امتحان بزرگ سربلند بیرون آمدند، و هنگامی که ابراهیم علیه السلام خواست اسماعیل را قربانی کند، خداوند گوسفندی را به نزد آنان فرستاد و ندا داد: از اسماعیل دست بردار و به‌جای او این گوسفند را قربانی کن.^۱

این‌چنین شد که همه‌ساله در مراسم حج و در تمام نقاط دنیا، مسلمانان روز عید قربان را جشن می‌گیرند و به‌یاد فداکاری اسماعیل علیه السلام و فرمان‌برداری ابراهیم علیه السلام و صبر هاجر علیه السلام، گوسفندی قربانی می‌کنند، و این است عید موفقیت این خانواده الهی. پروردگارا، نور ایمان را در دل و روح ما روشن کن و ما را از وسوسه‌های شیطان محفوظ بدار.

آمین، یا رب العالمین.

درس پنجاه و دوم:

عید ولایت

بارالها دوست می‌دارم تو را ای تو با جان و دل من آشنا
ای خدای بی‌شریک و بی‌قرین در میان دوستانم بهترین

سلام به شما عزیزان.

امیدوارم که سرزنده و شاداب، آماده اجرای برنامه امروز باشید.
دوستان من، این عکس، باقی‌مانده یکی از بناهای مقدس در سرزمین عربستان است.
می‌دانید این مکان مقدس چه نام دارد؟



بله؛ "غدیر".

در واقع این عکس مربوط به بقایای مسجدی است که در محل واقعه غدیر ساخته شده
و متأسفانه در اثر بی‌توجهی به این حال و روز افتاده است!
و اما واقعه غدیر: آخرین حج پیامبر ﷺ که "حجة الوداع" نام گرفت، در سال دهم
هجری با حضور گسترده مسلمانان پایان گرفته بود، و مردم دسته‌دسته در حال خروج از

مکه بودند. در محلی که مسیر کاروان‌ها از هم جدا می‌شد و "غدیر خم" نام داشت، ناگهان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمان توقف داد و امر کرد کسانی هم که جلوتر حرکت می‌کردند به غدیر خم بازگردند! علت تصمیم ناگهانی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این بود که لحظه‌ای قبل فرشته وحی آیه‌ای آورده بود؛ "ای پیامبر! آنچه به سوی تو از طرف پروردگارت فرود آمده است، به مردم ابلاغ کن و اگر کوتاهی کنی رسالت او را (به‌پایان) نرسانده‌ای و بدان که خداوند تو را از شر مردم حفظ می‌کند".^۱

بعد از جمع شدن تمام حاجیان، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر فراز منبری که از جهاز شتر آماده شده بود قرار گرفت و علی علیه السلام را نیز به بالای منبر فراخواند. آنگاه دست علی علیه السلام را بالا گرفت و ضمن بیان خطبه‌ای فرمود: "من کنت مولا فلهذا علی مولا؛^۲ هر کس که من مولا و سرپرست او هستم، بعد از من علی مولا و سرپرست او خواهد بود". پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم این جمله را سه بار تکرار فرمود و از حاضران خواست که این موضوع مهم را به اطلاع سایر مسلمانان برسانند.

پس از آن مسلمانان با خوش‌حالی فراوان گروه‌گروه به چادر علی علیه السلام رفته، با او بیعت می‌کردند. جمعت حاجیان هنوز پراکنده نشده بود که فرشته وحی، آیه‌ای دیگر آورد: "الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا؛^۳ امروز دین شما را کامل گردانیدم و نعمت خویش را بر شما تمام کردم و به اینکه اسلام دین شما باشد، راضی گشتم".

بله بچه‌ها، عید غدیر، عید نعمت بزرگ "ولایت" است و در اهمیت آن همین بس که در روایت آمده است زمانی که شخص مؤمنی را داخل قبر می‌گذارند، شش صورت زیبا با او داخل قبر می‌شوند که زیباترین آنها در بالای سر میت قرار می‌گیرد و از بقیه می‌پرسد که شما کیستید؟!

صورتی که سمت راست مؤمن قرار گرفته می‌گوید: من نمازم. صورت سمت چپ می‌گوید: من زکاتم. صورتی که در مقابل مؤمن قرار گرفته می‌گوید: من روزه‌ام. صورتی

۱. مائده: ۶۷.

۲. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ص ۵۸.

۳. مائده: ۳.

که پشت مؤمن قرار گرفته می‌گوید: من حج و عمره‌ام، و صورتی که در پایین پای مؤمن قرار گرفته می‌گوید: من نیکی‌هایی هستم که این مؤمن انجام داده است. سپس همگی به آن صورت زیباتر و خوش‌بوتر رو می‌کنند و می‌پرسند تو کیستی؟ او می‌گوید: من ولایت آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستم.^۱

دوستان خوبم، حالا همه با هم دست‌ها را به‌سوی آسمان می‌گشاییم و دعای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روز غدیر را آمین، می‌گوییم.

پروردگارا، دوستدار علی را دوست بدار و دشمنش را دشمن بدار.

خداوندا، یار او را یاری ده و خوارکننده او را خوار بگردان.^۲

آمین، یا رب العالمین.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۳۴.

۲. احمدبن علی طبرسی، الاحتجاج، ص ۵۸.

درس پنجاه و سوم: اعداد مقدس

به نام خالق هفت آسمان
خداوند زمین و زمان
خداوند بخشندهٔ مهربان

بچه‌ها، سلام. امیدوارم حالتان خوب باشد.

بحث امروز ما دربارهٔ یک عدد است؛ یک عدد مقدس؛ عدد چهل.

شما دربارهٔ این عدد چه می‌دانید؟

اینک برخی از نشانه‌ها و دلایل ویژه بودن عدد چهل را با هم مرور می‌کنیم:

۱. حضرت موسی علیه السلام چهل روز در کوه طور اقامت گزید و با خدا سخن گفت؛^۱
۲. بنی اسرائیل به دلیل کفران نعمت و پرستش گوسالهٔ سامری چهل سال سرگردان شدند؛^۲
۳. سن کمال انسان (کمال عقل) چهل سالگی است؛^۳
۴. بسیاری از پیامبران و از جمله حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم در چهل سالگی به رسالت مبعوث شدند.^۴
۵. مراحل خلقت انسان در چهل روز کامل شد؛^۵
۶. حضرت آدم علیه السلام در فراق بهشت، چهل روز گریست؛^۶
۷. حضرت آدم علیه السلام در مرگ هابیل، چهل روز گریه کرد؛^۷

۱. بقره: ۵۱؛ اعراف: ۱۴۲.

۲. مائده: ۲۶.

۳. ابن ابی‌جمهور احسانی، عوالی اللثالی، ص ۴۳۱.

۴. شیخ صدوق، عیون الاخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۶.

۵. سید محمد حسین طباطبائی، سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۴۲۳.

۶. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۱۶۲.

۷. همان، ص ۴۴.

۸. هنگامی که مؤمنی می‌میرد، زمین برای او چهل روز می‌گیرد؛^۱
 ۹. هرکس چهل حدیث حفظ کند، خداوند او را فقیه و عالم محشور می‌کند.^۲
 ۱۰. هرکس چهل روز اعمالش را خالصانه انجام دهد، چشمه‌های حکمت از قلبش بر زبانش جاری می‌شود؛^۳
 ۱۱. خواندن زیارت اربعین یکی از نشانه‌های مؤمن است.^۴
- دوستان من، زیارت اربعین را امام صادق علیه السلام برای ما شیعیان به یادگار گذاشته‌اند و ما در قسمتی از این زیارت می‌خوانیم: وبذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة و حيرة الضلالة؛ یعنی حسین علیه السلام خون قلبش را در راه خدا نثار کرد تا به وسیله آن بندگان خدا را از نادانی و سرگردانی گمراهی نجات بخشد.^۵
- بنابراین حالا که امام حسین علیه السلام این چنین برای هدایت ما فداکاری کرده و جان خود را نثار نموده است، ما هم باید با زنده نگاه داشتن نام و یاد ایشان، پیرو راستین اوامر حضرتش باشیم و به ویژه در روزهای عزاداری، با این امام شهید عهد ببندیم و از او بخواهیم که ما را از سرگردانی‌ها نجات دهد.
- خداوندا، به قطره قطره خون امام حسین علیه السلام گناهان ما را ببخش و ما را به راه او رهنمون فرما.
- آمین، یا رب العالمین.

۱. فضل بن حسن طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۴۶۵.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۲۴۲.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۵۶.

۴. شیخ صدوق، امالی، ص ۲۵۱.

۵. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت اربعین.

بخش چهارم

بهترین شیوه اقامه نماز

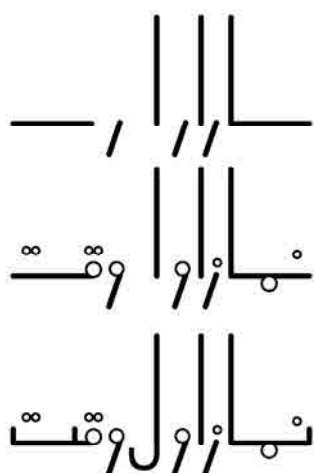
درس پنجاه و چهارم: مزد الهی

خداوندا تویی پروردگارم همه از توست یا رب هرچه دارم

دوستان عزیز، سلام.

شاد و خرم هستید؟ ان شاءالله همیشه پیروز و موفق باشید.

حدس بزنید برنامه امروز ما درباره چیست!



بله؛ نماز اول وقت.

برای اینکه اهمیت نماز اول وقت را بدانید، به روایتی که حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام از امام یازدهم، امام حسن عسکری علیه السلام نقل کرده است توجه کنید. در این روایت آمده است که حضرت موسی علیه السلام از خداوند پرسید: بارخدایا، جزای کسی که نمازش را در اول

وقت می‌خواند چیست؟ خداوند فرمود: خواسته‌هایش را برمی‌آورم و بهشتم را بر او مباح می‌گردانم.^۱

مرحوم آیت‌الله مجتهدی نیز می‌فرمودند: "اگر نماز را اول وقت بخوانی خدا همه کارهایت را سروسامان می‌دهد."^۲

شاید بد نباشد که در این زمینه خاطره جالبی هم بشنوید. "عده‌ای از مهندسين روسی که مسیحی بودند، برای راه‌اندازی ذوب‌آهن اصفهان به ایران آمده بودند. تعدادی از ایرانی‌ها هم که مسلمان بودند به‌عنوان کارگر و پرسنل خدماتی با آنها کار می‌کردند. برخی از کارگران ایرانی با فرا رسیدن ظهر، کار را تعطیل می‌کردند تا نماز بخوانند. این موضوع باعث شد که سرپرست آنها که یکی از مهندسين روسی بود تصمیم بگیرد بابت مدتی که کار را تعطیل می‌کنند مقداری از حقوقشان را کم کند. این عده دو گروه شدند؛ گروهی از نماز اول وقت چشم‌پوشی کردند و گروهی بر سر عقیده خود پافشاری کرده و نماز اول وقت را ترجیح دادند. در پایان ماه، همه در کمال تعجب دیدند که گروه دوم حقوق کامل گرفتند ولی از حقوق افرادی که در محل کار نماز نمی‌خواندند، مقداری کسر گردید! وقتی علت را جویا شدند، مهندس روسی گفت: من متوجه شدم کسانی که برای نماز خواندن، کار خود را رها می‌کنند، تعهد و وجدان کاری بیشتری دارند و لذا کار را به‌خوبی انجام می‌دهند؛ درحالی‌که کسانی که به نماز که فریضه دینی آنهاست بی‌اعتنایی می‌کنند، در کار نیز سهل‌انگاری می‌کنند."^۳

خدایا، به ما توفیق ده تا هیچ‌گاه در انجام واجبات کوتاهی نکنیم.

آمین، یا رب العالمین.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۴.

۲. شاکر برخوردار فرید، آداب الطلاب، ص ۳۷۹.

۳. آموزش مکاتبه‌ای نماز، شماره ۴، امور فرهنگی ستاد اقامه نماز استان اصفهان.

درس پنجاه و پنجم: خلبان ملکوت

به نام خدای گل و لاله‌ها به نام خدای شما بچه‌ها
تو را دوست دارم به‌جان و دلم به‌اندازه آسمان، ای خدا

سلام بر شما نمازگزاران خوب و دوست‌داشتنی. امیدوارم که شاد و سرحال باشید. بچه‌های عزیز، امروز می‌خواهیم یادی کنیم از عزیزانی که از همه دل‌بستگی‌هایشان گذشتند و در دوران دفاع مقدس برای حفظ میهن اسلامی‌مان جنگیدند و به آرزوی دیرینه‌شان یعنی شهادت و دیدار خدا نایل آمدند. برای شادی روح شهدا و امام شهدا صلوات.

عزیزان من، به این عکس توجه کنید!



آیا می‌توانید حدس بزنید این شهید دفاع مقدس کیست؟ خلبانی از خطهٔ دلاورپرور قزوین؟
بله؛ شهید خلبان عباس بابایی.

آیا دوست دارید یکی از خاطرات این شهید عزیز را با هم مرور کنیم؟ این خاطره مربوط به سال‌هایی است که وی برای گذراندن دورهٔ خلبانی به امریکا رفته بود؛ یعنی سال ۱۳۴۹.

او می‌گوید:

دو سال از اقامتم در امریکا می‌گذشت. بهترین نمرات را در ردهٔ پروازی به‌دست آورده بودم؛ اما مسئولان دانشکدهٔ خلبانی امریکا از اعطای گواهی‌نامهٔ خلبانی من امتناع می‌کردند تا اینکه آن روز سرنوشت‌ساز فرارسید. از دفتر مسئول دانشکده که یک ژنرال امریکایی بود، احضار شدم. به اتاقش رفتم و احترام گذاشتم. او از من پرسش‌هایی کرد و من پاسخ او را دادم. از سؤال‌های ژنرال برمی‌آمد که نظر خوشی نسبت به من ندارد. در این فکر بودم که سرانجام چه می‌شود که ناگهان شخصی در زد و اجازهٔ ورود خواست. او ضمن احترام از ژنرال خواست تا برای کاری مهم به خارج از اتاق برود. من در اتاق تنها ماندم. به ساعت نگاه کردم؛ وقت نماز ظهر بود. با خود گفتم کاش در اینجا نبودم و می‌توانستم نماز را در اول وقت بخوانم. بعد از لحظه‌ای به فکر افتادم در همان‌جا نماز را بخوانم! به گوشه‌ای از اتاق رفتم، روزنامه‌ای را که در آنجا بود پهن کردم و مشغول خواندن نماز شدم. در بین نماز ژنرال وارد اتاق شد. نماز را تمام کرده و از ژنرال عذرخواهی کردم. پس از چند لحظه سکوت، نگاه معناداری به من کرد و گفت: چه می‌کردی؟ گفتم: عبادت می‌کردم. گفت: بیشتر توضیح بده. گفتم: یکی از احکام و دستورهای دین ما این است که در ساعت‌های معینی از شبانه‌روز با خدای خود نیایش کنیم. اینک، زمان آن فرا رسیده بود و من از فرصت استفاده کردم و این واجب دینی را انجام دادم.

ژنرال با توضیحات من سری تکان داد و گفت: همهٔ این مطالبی که در پروندهٔ تو آمده است گویا دربارهٔ همین کارهاست؛ این‌طور نیست؟ پاسخ دادم: بله؛ ظاهراً همین‌طور است. در آنجا بود که فهمیدم هم‌اتاقی‌ام، گزارش‌هایی از عبادات و نوع نگرش من نسبت

به‌جامعه غرب را به مسئولان ارائه کرده است؛ اما به خواست خدا، ژنرال لبخندی زد و با چهره‌ای بشاش خودنویس خود را از جیبش بیرون آورد و پرونده‌ام را امضا کرد. سپس با حالتی احترام‌آمیز از جا برخاست و دستش را به‌سوی من دراز کرد و گفت: به شما تبریک می‌گویم؛ شما قبول شدید. برای شما آرزوی موفقیت دارم!

من هم از او تشکر کرده و از اتاق خارج شدم. به اولین محل خلوتی که رسیدم، به‌پاس این نعمت بزرگ که خدا به من عطا کرده بود دو رکعت نماز شکر خواندم.^۱

بارالها، توفیق حضور در نماز اول وقت را به ما عنایت فرما.

آمین، یا رب العالمین.

۱. علی اکبر و دیگران، پرواز تا بی‌نهایت، ص ۴۲.

درس پنجاه و ششم: امتحان شیعیان

به نام توان بخش یک ناتوان خداوند بخشنده مهربان

دوستان نمازگزار، سلام. کَیْفَ حَالُکُمْ؟! یعنی حالتان چطور است؟ ان شاء الله که همیشه خوب و سر حال باشید.

بدون مقدمه بیایید با هم متن این کارت را ترجمه کنیم:

امتحنوا شیعتنا

عند ثلاث

امتحنوا: امتحان کنید؛ شیعتنا: شیعیان ما را؛ عند ثلاث؛ در نزد سه چیز (شیعیان ما را در سه مورد آزمایش کنید).

خوب، فکر می کنید این سه مورد که امام ششم علیه السلام برای شناختن شیعیان معرفی کرده اند، کدام اند؟

به این کارت ها توجه کنید تا جواب را بدانید:

عند مواقیت

الصلاة

← در اوقات نماز

کارت اول:

بنابراین شیعیان امام صادق علیه السلام آنان هستند که نماز را در اول وقت خود به جا می آورند.

عند اسرارهم

کارت دوم: ← در حفظ اسرار

بنابراین شیعیان امام صادق علیه السلام آنان هستند که اسرار و مسایل محرمانه را برای ناهلان فاش نمی‌سازند.

الی اموالهم

کارت سوم: ← در مال خود

بنابراین شیعیان امام صادق علیه السلام آنان هستند که در اموال خود، سهمی نیز برای برادران دینی‌شان قائل‌اند و از آنان دستگیری می‌کنند.

حالا به این حکایت توجه کنید: شخصی به نام "زهري" نقل می‌کند مدت زیادی بود که آرزوی دیدن حضرت مهدی علیه السلام را داشتیم؛ اما به آن دست نمی‌یافتم تا اینکه خدمت محمدبن عثمان (دومین نایب خاص امام در غیبت صغری) رسیدم و مدتی در خدمت او بودم. روزی با التماس از او خواستم که مرا به خدمت امام زمان علیه السلام ببرد؛ اما وی پاسخ منفی داد؛ ولی سرانجام در مقابل تضرع بسیار من، لطف کرد و دیدار امام را به فردا وعده داد. فردای آن روز اول وقت به خدمت محمدبن عثمان رفتم و دیدم جوانی خوش‌سیما و خوش‌بو همراه اوست. به من اشاره کرد که این است آن که مشتاق دیدنش هستی! با شوق فراوان به خدمت آن حضرت رسیدم و هرچه سؤال داشتم مشتاقانه از او پرسیدم. حضرت با مهربانی فراوان جواب پرسش‌های مرا داد تا اینکه به خانه‌ای رسیدیم و ایشان وارد آن خانه شد و دیگر آن حضرت را ندیدم.

امام در این ملاقات دو بار به من فرمود: "از رحمت خدا به‌دور است کسی که نماز صبح را چندان به تأخیر بیندازد تا ستاره‌ها دیده نشوند، و از رحمت خدا به‌دور است کسی که نماز مغرب را به‌قدری به تأخیر بیندازد تا ستاره‌ها نمایان شوند".^۱

۱. اشتهاوردی، داستان‌های صاحب‌دلان، ج ۱، ص ۱۳۱.

عزیزان من، بنابراین شیعه واقعی و مشتاق دیدار امام زمان عجل الله تعالی فرجه کسی است که به نماز اول وقت خود اهمیت دهد.
خداوندا، توفیق راز و نیاز و نماز اول وقت را نصیب ما بگردان.
آمین، یا رب العالمین.

درس پنجاه و هفتم: هدیه هوایی

به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین
خداوند نام و خداوند جای خداوند روزی ده رهنمای

عزیزان من، سلام.

خوش و خرم و سلامت هستید؟ آماده اجرای یک برنامه خوب هستید؟!
"یک روز بعد از نماز ظهر، جبرئیل با هفتاد هزار فرشته به نزد رسول خدا ﷺ آمد و
گفت: یا محمد، پروردگارت به تو سلام می‌رساند و دو هدیه برای تو فرستاده است که به
پیامبران پیشین عطا نکرده است!



نمازهای پنجگانه به جماعت



سه رکعت نماز وتر

پیامبر ﷺ خشنود شد و پرسید:

آن دو هدیه کدام‌اند؟ جبرئیل گفت: سه رکعت وتر و پنج نماز با جماعت!
پیامبر ﷺ فرمود: ای جبرئیل، فضیلت نماز جماعت برای امت من چقدر است؟

خوب، برای اینکه پاسخ این پرسش را بدانید، باید ده نفر به من کمک کنند و این کارت‌ها را نگه دارند.^۱

جبرئیل گفت: یا محمد، اگر دو نفر باشند (یکی امام و دیگری مأوم) خدا برای هر کدام از آنان، هر رکعت را ۱۵۰ نماز حساب خواهد کرد؛

۲ نفر	۱۵۰ رکعت	۳ نفر	۶۰۰ نماز	۴ نفر	۱۲۰۰ نماز	۵ نفر	۲۴۰۰ نماز	۶ نفر	۴۸۰۰ نماز
-------	----------	-------	----------	-------	-----------	-------	-----------	-------	-----------

۷ نفر	۹۶۰۰ نماز	۸ نفر	۷۹۲۰۰ نماز	۹ نفر	۳۶۴۰۰ نماز	۱۰ نفر	۷۲۸۰۰ نماز	بیش از ۱۰ نفر	
-------	-----------	-------	------------	-------	------------	--------	------------	---------------	--

اگر سه نفر باشند، هر رکعت برای هر کدام ۶۰۰ نماز؛

اگر چهار نفر باشند، ۱۲۰۰ نماز؛

اگر پنج نفر باشند، ۲۴۰۰ نماز؛

اگر شش نفر باشند، ۴۸۰۰ نماز؛

اگر هفت نفر باشند، ۹۶۰۰ نماز؛

اگر هشت نفر باشند، ۱۹۲۰۰ نماز؛

اگر نه نفر باشند، ۳۶۴۰۰ نماز؛

اگر ده نفر باشند، ۷۲۸۰۰ نماز؛

و اگر بیش از ده نفر باشند، اگر تمام دریاها مُرگب، تمام درخت‌ها قلم، و تمام جن و انس و فرشتگان نویسنده شوند، باز هم نمی‌توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند!^۲

ای محمد، برای مؤمن درک کردن یک تکبیر با امام جماعت، از شصت هزار حج و عمره بهتر است؛ یک رکعت نماز جماعت از دادن صد هزار دینار صدقه به فقرا بهتر است، و یک سجده که در نماز جماعت به جا می‌آورد از آزاد کردن صد بنده بهتر است!^۳

۱. مربی در حال اجرا، هر کارت را به یک نفر می‌دهد و روی آن را می‌خواند.

۲. در پایان برنامه مربی می‌تواند با دانش‌آموزان یک مسابقه اجرا کند.

۳. بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج ۷، ص ۲۶۷ و ۳۶۸.

یک تکبیر با امام جماعت

یک رکعت نماز جماعت

یک سجده با امام جماعت

۶۰۰۰۰ حج و عمره
۷۰۰۰۰ مرتبه بهتر از همه دنیا

۱۰۰۰۰۰ دینار صدقه به فقرا

آزاد کردن ۱۰۰ بنده

درس پنجاه و هشتم: جایگاه‌های بهشتی

به نام خداوند جان‌آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

دوستان خوبم، سلام. امیدوارم که حال همگی خوب باشد. آیا می‌دانید که جدای از ثواب‌هایی که برای نماز جماعت ذکر شد، هر کدام از نمازهای پنجگانه هم که به جماعت خوانده شوند، ثواب جداگانه‌ای دارد. برای اینکه با ثواب این نمازها آشنا شوید، به این کارت‌ها توجه کنید:

نماز جماعت صبح	نماز جماعت ظهر	نماز جماعت عصر	نماز جماعت مغرب	نماز جماعت عشا
کارت ۱	کارت ۲	کارت ۳	کارت ۴	کارت ۵

حالا به این داستان توجه کنید: روزی عثمان بن مظعون خدمت پیامبر اسلام ﷺ رسید. حضرت به او فرمود: ^۱هر کس نماز صبح را با جماعت برپا کند و بعد از آن تا طلوع آفتاب مشغول ذکر گفتن شود، در بهشت گردشگاهی خواهد داشت که هفتاد مقام دارد و مساحت هر مقام به اندازه هفتاد سال دویدن اسبی تندرو است.

۱. مربی به هنگام شرح حدیث پشت کارت ۱ را نشان می‌دهد.

نماز جماعت صبح

۷۰. گردشگاه

پشت کارت ۱

همچنین از امام صادق علیه السلام نقل شده است که روزی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله پس از ادای نماز صبح، رو به اصحاب کرد و از آنها درمورد کسانی که در مسجد نبودند سؤال نمود که آیا در نماز جماعت حاضر بوده‌اند؟! اصحاب عرض کردند: یا رسول الله، فقط ما در نماز جماعت حاضر بودیم. حضرت با تعجب فرمود: به راستی که هیچ نمازی بر منافقان از نماز صبح و نماز عشا دشوارتر نیست! همچنین در حدیث دیگری آمده است: کسی که نماز صبح را با جماعت بخواند، گویا همه شب در حال رکوع و سجود به سر برده است.^۱ حالا به این کارت توجه کنید:

نماز جماعت ظهر

۵۰. گردشگاه

پشت کارت ۲

حضرت در ادامه می‌فرماید: هرکس نماز ظهر را به جماعت به جای آورد، در جنات عدن گردشگاهی خواهد داشت که پنجاه مقام دارد و مساحت هر مقام به اندازه پنجاه سال

۱. عباس عزیزی، ثواب نماز جماعت، ص ۴۳.

دویدن اسبی تندرو است.
و حالا کارت سوم:

نماز جماعت عصر

آزادی ۸ بنده

پشت کارت ۳

حضرت در ادامه می‌فرماید: هرکس نماز عصر را به جماعت به‌جای آورد، برای او ثواب آزاد کردن هشت نفر از فرزندان حضرت اسماعیل باشد که هریک از آنها صاحب یک خانواده باشد.
و حالا کارت چهارم:

نماز جماعت مغرب

حج و عمره مقبول

پشت کارت ۴

حضرت در ادامه می‌فرماید: هرکس نماز مغرب را به جماعت برپا کند، ثواب حج و عمره مقبول دارد.

و حالا کارت پنجم:

نماز جماعت عشا

احیای شب قدر

پشت کارت ۵

حضرت در ادامه می‌فرماید: و هرکس نماز عشا را به جماعت به‌جای آورد، ثواب احیای شب قدر را دارد.^۱

خوب، حالا سؤال اینجاست که این همه ثواب برای چیست؟
پاسخ این است که خداوند این پاداش‌ها را برای ما در نظر گرفته تا با شرکت در نماز جماعت به یکدیگر نزدیک شده، از حال‌وروز هم با خبر شویم و مشکلات یکدیگر را با کمک هم حل کنیم، و بدین طریق جامعه اسلامی با وحدت و انسجام بیشتر به سمت کمال پیش رود.

خداوندا، برکات نماز جماعت را شامل حال ما بگردان.

آمین، یا رب العالمین.

درس پنجاه و نهم:

نامه سؤالی

خداوندا پناه بندگان
خداوندا همه نیکویی از توست

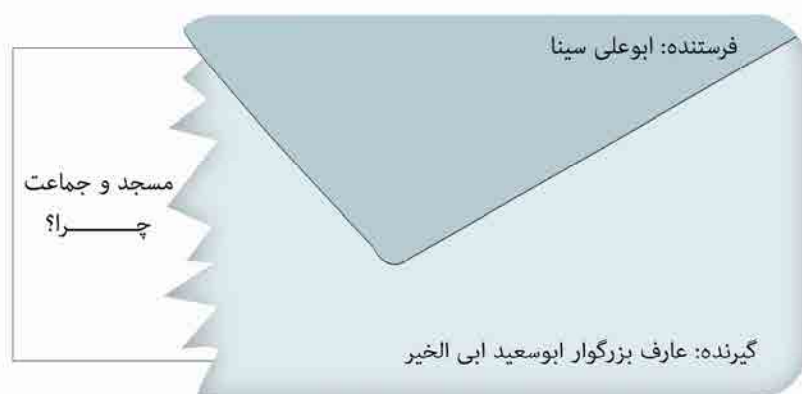
نباشد جز تو یار مهربانی
نوازش از تو و دلجویی از توست

سلام و درود به همه شما بچه‌های خوب که می‌دانم همگی اهل نماز خواندن هم هستید.

دوستان خوبم، به این نامه توجه کنید!

از طرف چه کسی است و برای چه کسی فرستاده شده است؟

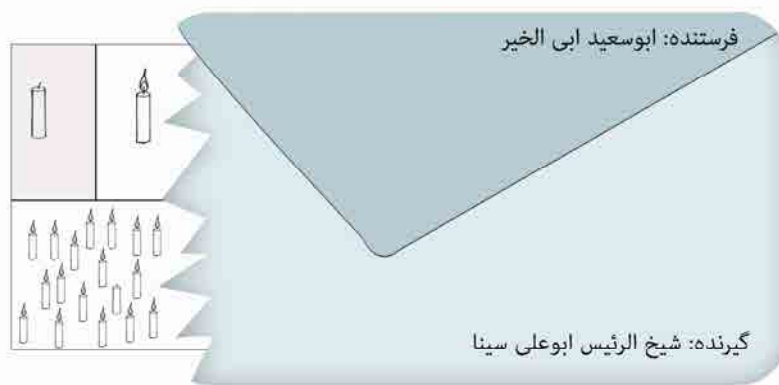
بله؛ از ابوعلی سینا به ابوسعید ابی‌الخیر؛ دو نفر از مشاهیر و دانشمندان گذشته ایران.



ابوعلی سینا در این نامه چنین نوشته است: "ای ابوسعید ابی‌الخیر، چه نیازی است که مردم در مسجد جمع شوند و نماز را به جماعت بخوانند؟ مگر در قرآن نیامده است که خداوند از رگ گردن به انسان نزدیک‌تر است؟! پس هرکجا باشی اگر با خدای خود رابطه

برقرار کنی، نتیجه خواهی گرفت!

ابوسعید در جواب ابن سینا نامه‌ای نوشت و برای او فرستاد. آیا می‌توانید جواب او را که در قالب یک مثال زیبا بود حدس بزنید؟



بله؛ ابوسعید در پاسخ ابن سینا، این مثال را آورده است: اگر در یک اتاق، چندین چراغ یا شمع روشن باشد و یکی از آنها خاموش شود، باز هم اتاق تاریک نمی‌شود؛ ولی اگر هریک از چراغ‌ها در یک اتاق باشند، همین‌که یکی از آنها خاموش شود آن اتاق در تاریکی فرو می‌رود.^۱

حالا از بین شما چه کسی می‌تواند این مثال را توضیح دهد؟!
بله؛ احسنت!

برخی از انسان‌ها گناهکارند و یا توجه چندانی به محتوای واقعی نماز ندارند؛ بنابراین اگر به‌تنهایی در خانه نماز بخوانند مانند چراغ و لامپ خاموش، نوری ندارند و نمازگزاردن این دسته از افراد هرچند لازم است، تأثیر و فایده کمی دارد؛ اما اگر همین افراد به مسجد رفته، نماز را به جماعت برگزار کنند، امید است که خدای بزرگ به خاطر افراد پاک و

۱. عباس عزیزی، ثواب نماز جماعت، ص ۳۰ و ۳۱.

شایسته‌ای که مانند چراغ‌های فروزان در مسجد حضور دارند، آنان را نیز مورد لطف و رحمت خود قرار دهد.

در تاریخ آمده است که جوانی از انصار نمازهای یومیه را با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جماعت می‌خواند؛ ولی عادات زشتی هم داشت و گناहانی را نیز مرتکب می‌شد. چون حال او را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله تعریف کردند، حضرت فرمود: به‌زودی نمازش او را از گناهاش بازمی‌دارد! مدتی نگذشت که آن جوان توفیق توبه یافت و از صحابه زاهد شد. آنگاه رسول خدا فرمود: نگفتم که نمازش او را از گناهاش بازمی‌دارد؟!^۱

بارالها، توفیق حضور در نماز جماعت و درک ثواب و آثار آن را به همه ما عطا فرما.
آمین، یا رب العالمین.

۱. سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۱۴۲.

درس شصتم: ثمره جماعت

به نام آن که دل کاشانه اوست چراغ هرکسی در خانه اوست

سلام به شما بچه‌های خوب و پرتلاش!
دوستان عزیز، به این کارت‌ها توجه کنید تا موضوع بحث را متوجه شوید. بله؛ امروز می‌خواهیم دربارهٔ برکات نماز جماعت صحبت کنیم.
حتماً حدیث جلسه قبل را به یاد دارید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چه ثواب فراوانی برای نماز جماعت بیان فرمودند. به نظر شما، چرا خدا این همه ثواب برای نماز جماعت مقرر فرموده است؟!

در این جلسه به یکی از دلایل این موضوع اشاره می‌کنیم.
امام صادق علیه السلام می‌فرماید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است صف‌هایتان را در نماز جماعت منظم کنید و پس و پیش نباشید (شانه‌هایتان در کنار هم قرار گیرد) که خداوند میان دل‌هایتان اختلاف ایجاد نکند.^۱
پس معلوم می‌شود که یکی از برکات نماز جماعت، نزدیکی قلوب نمازگزاران به یکدیگر، و دوری آنان از اختلاف و تفرقه است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره علت غیبت نمازگزاران را جویا می‌شد؛ دربارهٔ کسانی که به مسافرت رفته بودند دعا می‌کرد؛ اگر از میان آنان کسی بیمار می‌شد، به همراه سایر نمازگزاران به عیادت او می‌رفت، و اگر کسی مشکلی داشت، مشکل وی را حل می‌کرد.
حتماً برای شما هم جالب است که بدانید سیدجمال‌الدین اسدآبادی، یکی از پیشگامان

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۲۲.

مبارزه علیه استعمار و استکبار، در کنار همه مبارزات سیاسی و اجتماعی خود هیچ‌گاه از برپایی نماز جماعت غفلت نمی‌کرد و اصولاً از این مراسم عبادی برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کرد و درعین‌حال به امور مسلمانان نیز رسیدگی می‌نمود. او که همواره از کشوری به کشور دیگر سفر می‌کرد، در یکی از سفرهایش به مصر نماز جماعت کوچکی برپا کرد و بعد از هر نماز به مشکلات نمازگزاران رسیدگی می‌کرد. سفارت انگلستان که فعالیت‌های سیدجمال را زیر نظر داشت، متوجه شد که همین اقدامات به‌ظاهر کوچک، مسلمانان فراوانی را به سید علاقه‌مند کرده است. به همین خاطر، سفیر انگلستان طی نامه‌ای به دولت متبوعش اعلام کرد که در صورت ادامه فعالیت‌های سیدجمال‌الدین، دیگر جایی برای دخالت‌های دولت انگلستان در مصر نمی‌ماند! بدین ترتیب زمینه تبعید سیدجمال فراهم شد و این اصلاحگر بزرگ معاصر با توطئه انگلستان برای چندمین بار از یک کشور اسلامی دیگر رانده شد!

خداوندا، توفیق حضور مداوم در نماز جماعت و درک برکات آن را به ما عنایت فرما.
آمین، یا رب العالمین.

درس شصت و یکم: جماعت کوچک

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

سلام، بچه‌ها.

با حل یک جدول چطورید؟! آماده‌اید؟! پس شروع می‌کنیم.

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱

۱. سوره‌ای که در آن به نماز جماعت مهمی سفارش شده است: جواب در خانه‌های ۱۳، ۱، ۱۶ و ۶ (جمعه)

۲. یکی از القاب حضرت فاطمه زهرا علیها السلام: جواب در خانه‌های ۱۵، ۴، ۱۹، ۱۲ و ۹ (انسیه)

۳. سوره‌ای از قرآن که با نفرین شروع می‌شود: جواب در خانه‌های ۷، ۵ و ۱۷ (تبت)

۴. مفرد آیات: جواب در خانه‌های ۱۸، ۱۱ و ۲۰ (آیت)

۵. متکلم مع‌الغیر: جواب در خانه‌های ۸ و ۱۰ (نا)

حالا اگر حروف به‌دست آمده را به‌ترتیب، از خانه یک تا خانه بیست بخوانیم، رمز جدول به‌دست می‌آید.

خوب، این جمله چیست؟

بله؛ مومن به‌تنهایی جماعت است!

بچه‌های خوب! این جمله داستانی دارد که اینک به شما خواهم گفت.

مردی از قبیله "جهینه" در مکه به نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و گفت: "ای رسول خدا،

من در صحرا زندگی می‌کنم و همسر و فرزندان و غلامانم نیز با من هستند. گاهی اذان و اقامه می‌گویم و امام جماعت آنها می‌شوم و با هم نماز می‌خوانیم. آیا این نماز، نماز جماعت شمرده می‌شود؟

پیامبر ﷺ فرمود: "آری".

مرد پرسید: "گاهی غلامان من برای آوردن آب می‌روند، و من و همسر و فرزندانم می‌مانیم. من اذان و اقامه می‌گویم و به امامت من نماز جماعت می‌خوانیم. آیا این نماز نیز جماعت است؟"

حضرت فرمود: "آری".

مرد بار دیگر پرسید: "فرزندانم گاه در پی شتران می‌روند، و من و همسر من تنها می‌مانیم. من باز اذان و اقامه می‌گویم و با هم نماز جماعت می‌خوانیم. آیا این هم نماز جماعت است؟"

حضرت فرمود: "آری".

وی پرسید: "همسر من نیز گاهی در پی کاری می‌رود، و فقط من می‌مانم. اذان و اقامه می‌گویم و به تنهایی نماز می‌خوانم. آیا این نماز نیز جماعت است؟"

حضرت فرمود: "نعم، المومن وحده جماعة؛ آری؛ مومن به تنهایی جماعت است".^۱

بله دوستان، به همین سادگی می‌توان نماز جماعت برپا کرد و از ثواب آن بهره‌مند شد. حتی زمانی که تنها هستیم با گفتن اذان و اقامه، نمازمان حکم نماز جماعت خواهد داشت. بارالها، ما را با برکات نماز جماعت آشنا بگردان.

آمین، یا رب العالمین.

درس شصت و دوم: دوست داشتنی ترین سواری

اول به نام خدا، که بنده او هستیم ما به رسول و آتش، صلوات می فرستیم

سلام به شما خوبان!

امیدوارم سرحال و بانشاط، آماده اجرای برنامه امروز باشید.

بچه های خوب، می دانید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چقدر به کودکان اهمیت می داد؟

ایشان بچه ها را بسیار دوست داشتند و همیشه به آنها سلام می کردند و حتی گاهی اوقات با آنها مشغول بازی شدند. جابر بن عبدالله انصاری می گوید: روزی بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شدم درحالی که حسن و حسین علیهما السلام را بر پشت خود سوار کرده بود و چهار دست و پا راه می رفت و می فرمود: مَرکَب شما چه مَرکَب خوبی است، و چه سواران خوبی هستید شما! البته توجه پیامبر صلی الله علیه و آله به کودکان، تنها به نوه های عزیزش اختصاص نداشت و نمونه هایی از بازی کردن آن حضرت با دیگر کودکان نیز در تاریخ ثبت شده است. به عنوان مثال می گویند روزی پیامبر صلی الله علیه و آله برای اقامه نماز عازم مسجد بود که در راه با تعدادی از کودکان مواجه شد که مشغول بازی بودند. بچه ها با دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله، به سوی او دویدند و از حضرت خواستند که با آنها بازی کرده، آنها را بر پشت خود سوار کند. پیامبر صلی الله علیه و آله بی درنگ خواسته آنان را اجابت کرد و مشغول بازی با آنان شد. این موضوع باعث تأخیر حضرت شد، و افرادی که در مسجد منتظر ایشان بودند، بلال را به دنبال ایشان فرستادند. بلال با دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله در حال بازی با کودکان متعجب شد؛ زیرا باور نمی کرد که ایشان به این دلیل تأخیر کرده باشد؛ اما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای بلال، برای من تنگ شدن وقت نماز بهتر از تنگ دل شدن این کودکان است. اینک به منزل برو و چیزی برای ایشان بیاور.

بلال به منزل پیامبر ﷺ رفت و هشت دانه گردو یافت و آنها را به نزد ایشان آورد. پیامبر ﷺ گردوها را در دست خود گرفت و خطاب به کودکان فرمود: آیا شتر خود را به این گردوها می‌فروشید؟! کودکان به این معامله رضایت دادند و با خوش‌حالی پیامبر ﷺ را رها کردند. حضرت عازم مسجد شد و فرمود: خدا رحمت کند برادرم یوسف علیاً را که او را با چند درهم فروختند و مرا نیز با هشت گردو!^۱

دوستان خوبم، می‌بینید که پیامبر اکرم ﷺ حاضر نبود حتی به قیمت نماز جماعت اول وقت، باعث دلگیری و ناراحتی کودکان شود.

راستی! شاید ما هم گاهی به علت پرهیز از رنجاندن دل کسانی که به گردن ما حق دارند (مثل کودکان و یا والدینمان)^۲ از حضور در یک نماز جماعت محروم بمانیم. بارالها، ما را با پیامبر رحمت، حضرت محمد ﷺ محسور بگردان.

آمین، یا رب العالمین.

۱. محمد عوفی، جوامع الحکایات و لوامع الروایات، باب دوم از قسمت دوم، ص ۳۰.

۲. مانند وقتی که یکی از والدین به ما فرمانی می‌دهد.

درس شصت و سوم: خانه دوست

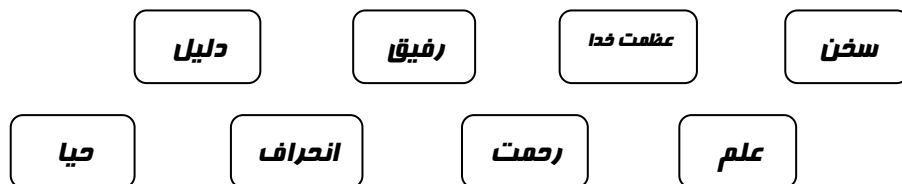
ای نام تو بهترین سرآغاز بی نام تو نامه کی کنم باز
ای یاد تو مونس روانم جز نام تو نیست بر زبانه

بچه‌های خوب و عزیز، سلام. برنامه امروز را با چند سؤال شروع می‌کنیم. آماده‌اید؟
به کسی که ایمان دارد چه می‌گویند؟ مؤمن
نزدیک‌ترین حالت انسان به خدا چه حالتی است؟ سجده
عید هر هفته مسلمانان کدام است؟ جمعه
سلاح مؤمن چیست؟ دعا
حالا اگر ابتدای پاسخ‌ها را کنار هم قرار دهیم، چه کلمه‌ای به دست می‌آید؟
بله؛ "مسجد".

دوستان من، مسجد "اسم مکان" است که از فعل "سَجَدَ" گرفته شده است و در لغت به معنای "خم کردن و فرود آوردن سر به سمت زمین" است و در اصطلاح به محلی گفته می‌شود که مکان عبادت، سجده و خضوع و خشوع در برابر حق تعالی است.
حتماً می‌دانید که در روایات ائمه علیهم‌السلام آثار و برکات متعدد و فراوانی برای رفت‌وآمد به مساجد ذکر شده که از جمله آنها روایتی است که هم از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده و هم از امام حسن مجتبی علیه‌السلام که در آن آمده است؛ کسی که همواره برای اقامه نماز و عبادات دیگر به مسجد رفت‌وآمد داشته باشد، یکی از این هشت فایده نصیب او خواهد شد.
برای اینکه خودتان این هشت فایده را حدس بزنید، به این هشت کارت توجه کنید:^۲

۱. محمد بن مکرّم بن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۱۲۰۵.

۲. مربی می‌تواند هر کارت را به یک دانش‌آموز بدهد تا او جمله خود را انتخاب کند.



حالا جملات زیر را با این کارت‌ها کامل کنید:

۱. یافتن نشانه و... محکم برای حفظ ایمان خود؛
 ۲. پیدا کردن ی که در راه خدا از او بهره ببرد؛
 ۳. فراگیری ... ی جدید؛
 ۴. شنیدن ... ی که راهنمای راه او باشد؛
 ۵. دریافت سخنی که او را از... در امان بدارد؛
 ۶. یافتن ... ی که چشم به راهش باشد؛
 ۷. موجب ترک گناه از روی... شود؛
 ۸. موجب ترک گناه از روی درک... گردد.^۱
- عزیزان من، اگر می‌خواهید از برکات معنوی مسجد برخوردار شوید، سعی کنید هر هفته حداقل چند روزی را به مسجد بروید.
- خداوندا، توفیق عبادت و به‌جا آوردن نمازهای یومیه در مسجد را به ما عنایت فرما.
- آمین، یا رب العالمین.

۱. جواب‌ها به‌ترتیب: دلیل، رفیق، علم، سخن، انحراف، رحمت، حیا، عظمت خدا (ابن‌شعبه حرانی تحف العقول، ص ۲۵۸).

بخش پنجم

موانع نماز

درس شصت و چهارم: زنجیر شیطان

به نام خداوند رنگین کمان خداوند بخشندهٔ مهربان

عزیزان من، سلام. بحث امروز را با حروف درهم‌ریخته‌ای که می‌بینید شروع می‌کنیم؛ حالا حدس بزنید که با این حروف چه کلمه‌ای درست می‌شود؟

ر خ پ ک ز

آفرین! "پرخوری".

امروز می‌خواهیم کمی دربارهٔ "پرخوری" حرف بزنیم.

روزی دو مرد شکمو و پرخور به میهمانی کسی رفتند و میزبان مشغول پذیرایی از آن دو شد؛ اما هرچه پذیرایی می‌کرد آنها سیر نمی‌شدند تا اینکه بالاخره یکی از دو مرد در اثر پرخوری هلاک شد! میزبان متحیر شد و رو به مرد دیگر کرد و گفت: تو هنوز سیر نشده‌ای؟ مرد گفت: نه! دوستم سیر شد که مرد!

امام علی علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: از پرخوری بپرهیزید؛ زیرا هرکس پرخوری کند بیماری‌اش افزایش می‌یابد و خوابش آشفته می‌شود.^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز در حدیثی می‌فرماید: منفورترین شما در پیشگاه خداوند کسانی هستند که پرخواب، پرخور، پرنوش باشند.^۲

۱. عبدالواحد آمدی، غرر الحکم، ج ۲، ۲۶۳۹.

۲. مسعود بن عیسی ورام، تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۱۰۰.

همچنین در روایات آمده است که روزی شیطان درحالی که زنجیرهایی در دست داشت در مقابل یحیی بن ذکریا علیه السلام ظاهر شد. حضرت یحیی علیه السلام از او سؤال کرد: ای ابلیس! این زنجیرها چیست؟

شیطان گفت: این رشته‌ها انواع علایق و امیالی است که من در فرزندان آدم یافته‌ام. یحیی علیه السلام فرمود: آیا برای من نیز از این رشته‌ها چیزی هست؟ ابلیس گفت: آری! هنگامی که از خوردن غذا سیر می‌شوی، به دلیل سنگین شدن نسبت به نماز و ذکر و مناجات خدای خود بی‌رغبت می‌شوی.

حضرت یحیی علیه السلام با شنیدن این سخن فرمود: به خدا سوگند که از این پس هرگز شکم خود را از غذا پر نخواهم کرد!

ابلیس هم گفت: به خدا قسم من نیز از این به بعد هرگز مسلمانی را نصیحت نخواهم کرد.^۱

خدایا، به ما کمک کن تا همیشه برای عبادت تو آمادگی داشته باشیم.

آمین، یا رب العالمین.

درس شصت و پنجم: تجارت خسارت

بسم الله الرحمن الرحيم هست کلید در گنج حکیم

سلام علیکم.

حال شما خوب است؟ ان شاء الله که خوب و خوش و سرحال، آماده اجرای برنامه هستید. عزیزان من، به حروف زیر توجه کنید و سعی نمایید با آن یک کلمه (عربی و دو قسمتی) بسازید:



بله؛ ابوعبدالله.

"ابوعبدالله" کنیه دو تن از امامان معصوم ماست. می‌دانید این دو نفر کدام‌اند؟

درست است؛ امام حسین علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام.

امروز می‌خواهیم کمی درباره امام جعفر صادق علیه السلام، امام ششم شیعیان صحبت کنیم.

دوران امامت آن حضرت ۳۲ سال طول کشید و چون این دوران مقارن با سقوط بنی‌امیه و روی کار آمدن بنی‌عباس بود، برای امام فرصتی مناسب برای ارشاد و هدایت مردم فراهم آمد؛ به‌طوری‌که کتاب‌های تاریخی و روایی نام بیش از چهار هزار نفر را به‌عنوان شاگردان آن امام نقل کرده‌اند و همچنین هزاران روایت از آن حضرت به‌جای مانده است.

حالا به حکایتی از دوران زندگی امام صادق علیه السلام توجه کنید. می‌گویند که مردی می‌خواست به سفر تجارت برود. خدمت امام صادق علیه السلام رسید و تقاضای استخاره کرد؛ اما با وجود اینکه استخاره‌اش بد آمد، آن را نادیده گرفت و به سفر رفت. از قضا در این سفر

سود فراوانی به دست آورد و حتی بسیار به او خوش گذشت! پس از سفر، به حضور امام رسید و گفت: ای فرزند پیامبر، چندی پیش برایم استخاره کردی و بد آمد. آن استخاره برای سفر تجارت بود. من به سفر رفتم؛ سودی فراوان بردم و به من بسیار خوش گذشت. امام صادق علیه السلام لبخندی زد و به او فرمود: در سفری که رفتی، یادت هست در شبی از شب‌ها به دلیل خستگی، نماز مغرب و عشا را خواندی، شام خوردی و خوابیدی و زمانی که بیدار شدی آفتاب طلوع کرده، و نماز صبح تو قضا شده بود؟! مرد گفت: آری؛ ای فرزند پیامبر. امام فرمود: اگر خداوند، دنیا و آنچه را در آن است به تو دهد، جبران آن خسارت نمی‌شود!^۱

اکنون به روایتی از امام صادق علیه السلام درباره نماز توجه کنید. هنگامی که نماز گزار به نماز می‌ایستد، رحمت خداوند از پیرامون آسمان به سوی زمین فرود می‌آید و فرشتگان به گردش درمی‌آیند. فرشته‌ای ندا می‌دهد که اگر این نماز گزار بداند چه چیز ارزشمندی در نماز است، هیچ‌گاه از نماز باز نمی‌ایستد!^۲

به همین دلیل است که حتی اگر یک نماز از انسان فوت شود، زیان غیرقابل جبرانی به او وارد خواهد شد و چه بسا که انسان به گناه و نافرمانی از دستورهای الهی گرفتار شود. خداوند، به عظمت امام صادق علیه السلام سراسر وجود ما را غرق در رحمت خود بگردان. آمین، یا رب العالمین.

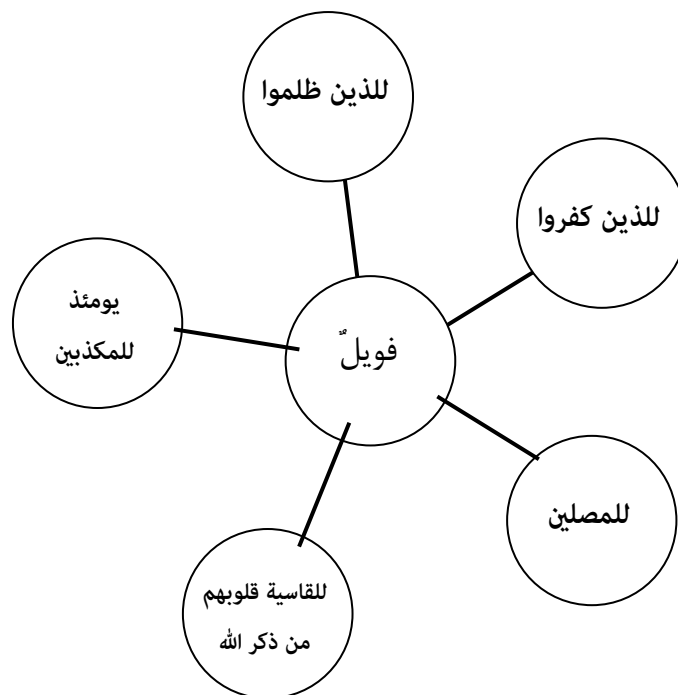
۱. شیخ حر عاملی، جهاد با نفس، ص ۶۶.

۲. صادق احسان بخش، آثار الصادقین، ج ۱۱، ص ۹۹.

درس شصت و ششم: وای بر...

همیشه بر زبانم نام او است سرآغاز کلامم یاد او است

دوستان عزیز، سلام.
حالتان خوب است؟ الحمدلله.
دوستان، به این کارت‌ها توجه کنید:



در قرآن چندین عبارت داریم که با "فَوَيْلٌ" شروع می‌شود؛ شما می‌دانید "فَوَيْلٌ" یعنی چه؟
بله؛ یعنی "پس، وای بر..."!

عباراتی که در قرآن با این کلمه شروع می‌شوند عبارت‌اند از:

۱. للذين كفروا^۱ کسانی که کافر شدند؛
 ۲. للمصلين^۲ نمازگزاران؛
 ۳. للقاسية قلوبهم من ذكر الله^۳ سخت‌دلانی که یاد خدا در دلشان راه ندارد؛
 ۴. يومئذ للمكذبین^۴ تکذیب‌کنندگان در آن روز؛
 ۵. للذين ظلموا^۵ کسانی که ستم کردند.
- همین‌طور که می‌بینید یکی از این پنج عبارت با بقیه تفاوت خاصی دارد. آن عبارت کدام است؟
بله؛ عبارت "لِلْمُصَلِّينَ".

چهار عبارت دیگر، صفات بدکاران را ترسیم می‌کند؛ اما "للمصلين" متوجه "نمازگزاران" است که به کار خوبی مشغول هستند؛ پس چرا وای بر آنان؟!

برای آنکه بفهمیم چرا وای بر آنان، باید ادامه آیه را بخوانیم: "الذين هم عن صلاتهم ساهون"^۶ یعنی نمازگزارانی که نماز خود را به‌دست فراموشی می‌سپارند!

مفسران، این آیه را به صورت‌های زیر تشریح کرده‌اند:

۱. کسانی که برای نماز خود ارزشی قائل نیستند؛
 ۲. کسانی که به اوقات نماز اهمیت نمی‌دهند (یعنی تأخیر می‌اندازند)؛
 ۳. کسانی که ارکان و شرایط و آداب نماز را رعایت نمی‌کنند؛
 ۴. کسانی که گهگاهی نماز می‌خوانند؛
 ۵. کسانی که در نماز خود ریا می‌کنند (که این معنی در آیه بعد می‌آید).
- حالا هر کدام از این معانی را که در نظر بگیریم، نتیجه کلی یکی است، و آن اینکه نمازگزار بودن، به‌تنهایی کافی نیست؛ نمازگزار باید نماز را جدی بگیرد و در انجام آن سهل‌انگاری نکند.

۱. ذاریات: ۶۰؛ ص: ۲۷؛ مریم: ۳۷.

۲. ماعون: ۴.

۳. زمر: ۲۲.

۴. طور: ۱۱.

۵. ذخرف: ۶۵.

۶. ماعون: ۵.

نکته دیگر این است که وقتی به فراموش کنندگان نماز، این چنین خطاب می‌شود، آنان که اصلاً نماز نمی‌خوانند (تارک الصلاة) چه حالی خواهند داشت؟! در زشتی نماز نخواندن همین بس که بی‌نماز بر سر خوان نعمت پروردگار نشسته و از آن بهره می‌برد، اما به جای شکر نعمت ناسپاسی می‌کند. می‌گویند در زمان یکی از پیامبران بنی‌اسرائیل، گروهی سوار بر کشتی بودند و به سفر می‌رفتند. ناگهان ماهیان دریا احساس ناراحتی و فشار کردند و به درگاه پروردگار نالیدند که خداوندا، مگر قیامت شده است؟! خطاب رسید: نه! در میان مسافران این کشتی، فردی بی‌نماز نشسته است؛ دندان‌ش درد گرفت و آن را از دهانش جدا کرد و به دریا افکند. از نحسی و نجاست دندان این فرد بی‌نماز است که شما احساس درد می‌کنید.^۱ بارالها، ما را در زمره نمازگزاران واقعی قرار ده.

آمین، یا رب العالمین.

درس شصت و هفتم: نگاه سرنوشت ساز

اول هر کار به نام خداست آن که از او عالم هستی به پاست

سلام به شما نمازگزاران عزیز.
برنامه امروز را با چند سؤال آغاز می کنیم.
زیردریایی حضرت یونس چه بود؟ نهنگ
چه کلمه ای است که در تمام آیات سوره مجادله تکرار شده است؟ الله
عبد به چه معناست؟ بنده
پایبندی به عهد را چه می گویند؟ وفا
خشت گورستان؟ لحد
اصحابی که نامه اعمالشان را به دست راستشان می دهند؟ یمین
حالا اگر حرف های اول و آخر پاسخ ها را در کنار هم بگذاریم، پیام مورد نظر ما به دست
می آید.
بله؛ "نگاه به والدین".

پیامبر گرامی اسلام ﷺ می فرماید: کسی که با محبت به والدین خود نگاه کند، این
برکات شامل حالش می شود:

۱. درهای آسمان (رحمت الهی) به سوی او باز می شود؛^۱
۲. برای هر نگاه محبت آمیز، ثواب حجتی مقبول را به دست می آورد؛
۳. نگاهش عبادت محسوب می شود.

۱. محمد بن محمد، سبزواری، جامع الاخبار، ص ۲۷۲.

نقل شده است که بعد از بیان این حدیث شخصی به پیامبر ﷺ عرض کرد: اگرچه آنها را در روز صد بار نگاه کند؟! پیامبر ﷺ فرمود: آری؛ زیرا کرم و لطف خدای عزوجل بیش از اینهاست.^۱

دوستان عزیز. یک بار وقتی که ناراحت هستید، چهره خود را در آینه نگاه کنید تا ببینید که عصبانیت چقدر صورتتان را زشت می‌کند! حالا اگر قرار باشد با این چهره نازیبا به پدر یا مادرمان نگاه کنیم، آیا نباید شرمنده شویم؟! واقعاً که پدر و مادری که یک عمر برای ما زحمت کشیده‌اند و از بسیاری از راحتی‌ها و خوشی‌هایشان گذشته‌اند تا ما در آسایش و خوشی باشیم، شایسته چنین رفتاری نیستند!

دوستان، باید بدانیم که نگاه خشمگینانه به پدر و مادر، آثار سوئی بر زندگی ما خواهد گذاشت؛ حتی اگر برخورد پدر و مادرمان نادرست و ناحق باشد!

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هرکس به پدر و مادر خود، گرچه به وی ستم کرده باشند، با نگاه دشمنانه بنگرد، خداوند نمازش را نمی‌پذیرد؛^۲ یعنی اگرچه نمازش صحیح است و وظیفه‌اش را انجام داده، و لیکن خداوند چنین نمازی را قبول نمی‌کند! خداوند، توفیق نگاه محبت‌آمیز و احسان به والدین را نصیب ما بگردان. آمین، یا رب العالمین.

۱. محمدبن احمد، فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۴۳.
 ۲. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه (مترجم)، ج ۷، ص ۳۱۱۵.

درس شصت و هشتم:

بوسه شیطان

بارها، تو را میان آسمان دیده‌ام بزرگ، خوب و مهربان
من همیشه با تو حرف می‌زنم چون که گفته‌ای به من، مرا بخوان

دوستان عزیز، سلام. امیدوارم که حال و روزتان خوب و عالی باشد. شاید برای شما هم پیش آمده باشد که در هنگام صحبت کردن با دوستان، برای لحظه‌ای حواستان پرت شود و دیگر توجهی به گفت‌وگوی خود با او نداشته باشید! خوب، عکس‌العمل او چه بوده است؟ احتمالاً با تعجب به شما گفته است "هی! حواست کجاست؟! و بی‌تردید شما احساس شرمندگی کرده‌اید! حالا اگر کسی که با او مشغول صحبت کردن هستید خیلی محترم و بزرگ باشد، شدت شرمندگی شما هم بیشتر خواهد شد.

با این مقدمه باید این سؤال را از خودمان بپرسیم که پس چرا ما در مقابل خالق خود و در زمانی که از طریق نماز خواندن مشغول صحبت با او می‌شویم، حواسمان آن‌چنان که باید جمع نیست؟!

دوستان من، یکی از آداب نماز "ح ق ض ل و ب ر" است! اگر این حروف را یکی در میان کنار هم قرار دهیم، کلمه مورد نظر معلوم می‌شود. بله؛ "حضور قلب".

حالا به این حکایت توجه کنید: روزی ابوطلحه انصاری در باغ خود مشغول نماز بود. در حین نماز صدای آواز پرنده‌ای توجه او را به خود جلب کرد و توجهش از نماز منحرف شد. وقتی از نماز فارغ شد، کمی درباره کار خود فکر کرد و با احساس شرمندگی با خود گفت: باغی که حضور قلب من را از بین ببرد و مرا از نماز غافل کند، به درد من نمی‌خورد! پس

باغ را به دوهزار درهم فروخت و پول آن را به دلیل بی‌توجهی به نماز، صدقه داد.^۱
 این بحث را با حدیث زیبایی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به پایان می‌رسانیم. حضرت می‌فرماید:
 هنگامی که انسان برای نماز می‌ایستد، اگر تمام توجهش به خدا باشد، در پایان نماز مانند
 روزی که از مادر متولد شده است خواهد بود.^۲
 خداوند، شیطان و وسوسه‌هایش را از ما دور بگردان.
 آمین، یا رب العالمین.

۱. ملا احمد نراقی، معراج السعاده، ص ۹۵.
 ۲. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۵۹.

بخش هشتم

آداب قبل از نماز

درس شصت و نهم: مقدمات دیدار (۱)

به نام خدای بزرگ که پروانه را آفرید به روی دو بال او خط و خال زیبا کشید
خدایی که با یاد او لب غنچه‌ها باز شد نوک زرد بلبل از او پر از شعر و آواز شد
دوستان من، سلام.

حالتان خوب است؟ سرحال هستید؟
خوب، به این کارت‌ها توجه کنید:^۱



اگر حروف این کارت‌ها را در کنار هم بگذاریم و بخوانیم، چه کلماتی به دست می‌آید؟
بله؛ طبعس و قم. اما این حروف، درواقع حروف اول کلماتی هستند که پشت هر کارت
نوشته شده است:



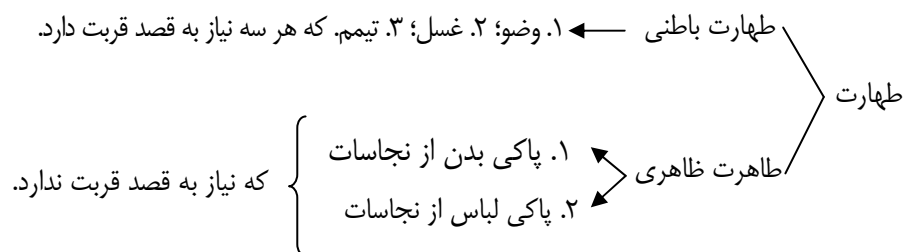
(حرف "ط" اول طهارت، حرف "ب" اول برطرف کردن عین نجاست، حرف "س" اول ستری یا پوشش، حرف "و" اول وقت شناسی، حرف "ق" اول قبله شناسی و حرف "م" اول مکان شناسی).

۱. مربی باید قبلاً پشت و روی کارت‌ها را نوشته و برای اجرا آماده کرده باشد.

عزیزان من، این شش موضوع، از مقدمات نماز هستند و مقدمات نماز اموری هستند که نمازگزار باید قبل از نماز آنها را مراعات کند.

برای اینکه این شش موضوع را فراموش نکنید، کلمه "طبس و قم" را به یاد داشته باشید.

حالا در این جلسه می‌خواهیم "طهارت" را توضیح دهیم.
 "طهارت" یعنی "پاکی" و طهارت لازم برای نماز دو گونه است:



ان شاء الله در جلسات آینده به توضیح مطالب فوق می‌پردازیم.
 خداوندا، دل‌های ما را از ناپاکی‌ها و گناهان دور فرما.

آمین، یا رب العالمین.

درس هفتم: مقدمات دیدار (۲)

به نام خداوند جان و جهان خداوند بخشنده مهربان
عزیزان من، سلام. امیدوارم خوب و سر حال باشید.
برنامه امروز ما در قالب یک مسابقه چهارگزینه‌ای است.^۱



مسابقه بدین صورت است که چهار گزینه برای پاسخ به هر سؤال وجود دارد. هرکسی که گزینه الف را جواب صحیح می‌داند در کنار تابلوی "الف" می‌ایستد؛ هرکسی که گزینه ب را جواب صحیح می‌داند در کنار تابلوی "ب" می‌ایستد و... وقتی که جواب صحیح مشخص شد، فقط کسانی که در کنار تابلوی آن ایستاده‌اند می‌توانند به مسابقه ادامه دهند و این کار تا پایان ادامه پیدا می‌کند تا درنهایت یک نفر برنده شود. اگر آماده‌اید، شروع می‌کنیم.

سؤال اول: کدامیک از موارد زیر جزو مقدمات نماز نیست؟

- الف) برطرف شدن عین نجاست
- ب) مکان نمازگزار
- ج) نیت
- د) لباس نمازگزار

سؤال دوم: برطرف شدن عین نجاست از لباس و بدن نمازگزار یعنی چه؟

- الف) نمازگزار باید همیشه از نجاسات به‌دور باشد.
- ب) نمازگزار قبل از نماز باید لباس و بدن خود را واری نموده تا نجاستی در آن نباشد.

۱. مربی قبلاً بر روی چهار مقوای A۴ این گزینه‌ها را نوشته و در چهار گوشه نمازخانه به دیوار چسبانده است.

ج) اگر نمازگزار در لباس و بدن خود نجاستی دید، باید قبل از نماز آن را برطرف نماید.
 (د) مورد ب و ج

سؤال سوم: کدام مورد در لباس و مکان نمازگزار مشترک است؟

الف) مباح بودن

ب) پاک بودن

ج) مباح (غصبی نبودن) بودن و پاک بودن

د) هیچ کدام

سؤال چهارم: کدامیک از موارد زیر در مکان نمازگزار باید رعایت شود؟

الف) جای پیشانی پاک باشد.

ب) اگر مکان نمازگزار نجس است، خیس نباشد.

ج) مکان نمازگزار نباید متحرک و تنگ و کوتاه باشد.

د) هر سه مورد

سؤال پنجم: کدامیک از موارد زیر در لباس نمازگزار شرط نیست؟

الف) اگر نمازگزار مرد است لباس او از طلا یا ابریشم بافته شده نباشد.

ب) لباس نمازگزار نباید از اجزای مردار و یا حیوانات حرام گوشت باشد.

ج) مورد الف و ب

د) لباس نمازگزار نباید از حریر باشد.

سؤال ششم: مقدار پوشش زنان و مردان در نماز چه مقدار است؟

الف) باید پوشش کامل داشته باشند.

ب) مردان باید عورت خود را بپوشانند، و زنان باید تمام بدن خود را بپوشانند؛ به جز

دستها و پاها تا مچ و گردی صورت.

ج) مردان باید عورت خود را بپوشانند، و زنان فقط دستها و صورتشان پیدا باشد.

د) هیچ کدام

بارالها، ما را با عظمت وجودت آشنا بگردان.

آمین، یا رب العالمین.

درس هفتاد و یکم:

طهارت (۱)

اول دفتر به نام ایزد دانا صانع و پروردگار حی توانا
اکبر و اعظم خدای عالم و دانا صورت خوب آفرید و سیرت زیبا

سلام علیکم؛ امیدوارم همیشه خوب و خوش و سربلند باشید.

دوستان خوب! برنامه را با یک سؤال شروع می‌کنیم؛

برای اینکه با طهارت و پاکی مشغول راز و نیاز با خداوند شویم، باید چه کاری انجام دهیم؟

بله؛ اول باید وضو بگیریم و با این کار هم به طهارت باطنی می‌رسیم و هم به طهارت ظاهری.

اما خوب است که بدانید وضو، مقدماتی مستحبی هم دارد که در ایجاد نشاط و شادابی و سلامتی و بهداشت بدن ما مؤثر است.

یکی از کارهای مستحب قبل از وضو

استسنا

استنشاق

است. البته من این عمل را بدون نقطه نوشتم تا شما حدس بزنید که چیست.
بله؛ "استنشاق".

این عمل به معنای فروکشیدن آب به درون بینی است و علت استحباب آن این است که گرد و غبار و یا دودی که در طول روز وارد بینی شده است، از بین برود و قبل از وضو راه تنفسمان پاکیزه گردد.^۱

عمل مستحبی دیگر قبل از وضو، کاری است که ثواب هر نماز را برابر با صد رکعت می‌کند.^۲
بله؛ "مسواک زدن".

همان طوری که می‌دانید یکی از سنت‌های پیامبران، مسواک زدن بوده است.^۳ پیامبر ما حضرت محمد ﷺ نیز همیشه قبل از خواب و بعد از بیدار شدن و قبل از نماز مسواک می‌زد. پیامبر ﷺ می‌فرمود: جبرئیل آن قدر به من درمورد مسواک زدن سفارش کرد که گمان کردم آن را واجب خواهد کرد.

۱. علاءالدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۹، ص ۳۰۳.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۶، باب ۱۸.

۳. محمدبن محمد، سبزواری، جامع الاخبار، ص ۱۵۱.

حالا برای اینکه با فواید مسواک زدن آشنا شوند به کارت‌های زیر توجه کنید و جملات زیر را کامل کنید:

کارت‌های نفر اول

درد

جرم

تقویت

سامان

خوشبو

خشنودی

کارت‌های نفر دوم

دو برابر

پاکیزه

فقر

جلا

سنت

فرشتگان

نفر اول:

۱. دهان را.....^۱ و بوی بد دهان را می‌برد.^۲

۲. موجب..... حافظه است.^۳

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۱۲۹.

۲. همان، ص ۱۳۸.

۳. همان.

۳. دندان..... را از بین می برد.^۱

۴. باعث..... پروردگار است.^۲

۵. مسواک دندان را سفید می کند^۳ و..... آن را می برد.^۴

۶. معده را..... می بخشد^۵ و غذا را مطبوع می کند.

نفر دوم:

۱. عمل به..... پیامبر ﷺ است.^۶

۲. حسنات را..... می کند.^۷

۳. باعث حضور..... می شود.^۸

۴. لثه را..... می کند.^۹

۵. دیده را..... می دهد.^{۱۰}

۶. انسان را از..... در امان می دارد.^{۱۱}

خدایا، به ما توفیق ده تا مستحبات وضو را انجام دهیم.

آمین، یا رب العالمین.

۱. همان.

۲. علاءالدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۹، ص ۳۱۴.

۳. محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۶، ص ۴۹۶.

۴. همان.

۵. علاءالدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۹، ص ۳۱۴.

۶. همان.

۷. همان.

۸. شیخ صدوق، الخصال، ص ۴۸۰.

۹. همان.

۱۰. علاءالدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۹، ص ۳۱۴.

۱۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانور، ج ۷۶، ص ۱۳۸.

درس هفتاد و دوم:

طهارت (۲)

به نام خداوند رنگین کمان خدای من و تو، خدای جهان
خدای مکان و خدای زمان خداوند بخشندهٔ مهربان

سلام به همهٔ شما دانش‌آموزان عزیز، خوب و خوش و خرم هستید؟ الحمدلله.
دوستان خوبم، به این حروف توجه کنید:

ب ۹ ۶

حدس بزنید موضوع برنامهٔ امروز چیست؟
چوب؟ نه.
خوب، یک راهنمایی:

۶ = ۶

گویا کار سخت‌تر شد! پس توجه کنید:

۹ ضو

بله؛ موضوع برنامه امروز " وضو " است.

چ ← چگونه و ← وضو ب ← بگیریم

حالا قبل از آشنا شدن با طریقه وضو گرفتن، با هم آیه وضو را می خوانیم:

"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ"؛^۱

ای کسانی که ایمان آورده اید، هرگاه برای نماز برمی خیزید، صورت خود را شست و شو دهید و دست هایتان را تا همراه با آرنج بشوید^۲ و نیز پاهای خود را تا برآمدگی پیشین (برآمدگی روی هر دو پا) دست بکشید.

دوستان من، امام رضا علیه السلام درباره اینکه چرا در وضو اعضای خاصی شسته و یا مسح می شوند می فرماید: زیرا انسان در هنگام نماز با رویش سجده می کند و با دستش سؤال و تقاضا می کند و با سرش رو به قبله می نماید و در برابر او در رکوع و سجود سر تعظیم فرود می آورد و با پاهایش می ایستد و می نشیند.^۳

اما برای آشنا شدن با طریقه وضو گرفتن به این سه کارت توجه کنید:^۴

۳. مسح

۲. شستن

۱. نیت

نیت:

شخصی که می خواهد وضو بگیرد باید به قصد قربت (نزدیک شدن به خداوند متعال و

۱. مائده: ۶.

۲. مرافق جمع مرفق، به معنای آرنج دست است و اینکه در آیه، الی المرافق یعنی تا آرنج آمده، به این معنی نیست که باید مانند اهل سنت، دست ها را از سر انگشت تا آرنج شست؛ بلکه این آیه حد شستن را بیان می کند؛ مثل اینکه اگر به یک نقاش بگویند تا یک متری اطاق را رنگ بزن، به این معنی نیست که از پایین شروع کن و به یک متر برسان؛ بلکه منظور آن است که بیشتر از یک متر لازم نیست، و نقاش هم به طور طبیعی از سمت بالا و از یک متری شروع می کند و به پایین می رسد. از سوی دیگر وضوی معصومان علیهم السلام نیز به همین صورت بوده است، و آنان دست ها و صورت را از بالا به پایین می شسته اند (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۶).

۳. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۰۴.

۴. مربی قبلاً باید این کارت ها را آماده کند و روی آنها بنویسد. مقوای شماره ۲ و ۳ هرکدام از چهار مقوای چسبیده به هم طبق شکل ساخته می شود.

کسب رضایت او) وضو بگیرد و نباید خدای نکرده برای ریا و به قصد نشان دادن به دیگران و جلب توجه آنان وضو بگیرد.

شستن:

صورت

دست چپ

شستن

دست راست

الف) شستن صورت: صورت از جایی که موی سر روییده تا آخر چانه (طول) و از پهنا فاصله بین شست و انگشت میانه که بر صورت قرار گیرد (عرض) از بالا به پایین شسته می شود؛

ب) شستن دست راست: از آرنج تا نوک انگشتان (بالا به پایین) شسته می شود.

ج) شستن دست چپ: از آرنج تا نوک انگشتان (بالا به پایین) شسته می شود.

تذکر: شستن اعضای وضو در بار اول واجب، بار دوم مستحب و بار سوم بدعت و حرام است.

مسح:

الف) مسح سر: قسمت جلوی مو که در بالای پیشانی است با خیسی باقی مانده در دست، مسح کشیده می شود؛

ب) مسح پای راست: روی پا از نوک یکی از انگشتها تا برآمدگی روی آن با خیسی باقی مانده در دست راست، مسح کشیده می شود.

صورت

پای چپ

مسح

پای راست

ج) مسح پای چپ: روی پا از نوک یکی از انگشتها تا برآمدگی روی آن با خیسی باقی مانده در دست چپ، مسح کشیده می شود.

حالا با دقت نگاه کنید که من چگونه با یک لیوان آب وضو می گیرم.^۱
بار الہا، ما را جزو مطہران قرار بده.

آمین، یا رب العالمین.

۱. مربی باید از قبل یک لیوان آب و یک سینی آماده کرده باشد. این درس می تواند در حیاط انجام شود. می توانیم قبلاً به هر کدام از بچه ها یک لیوان یک بار مصرف پر از آب داده باشیم، تا بچه ها بعد از وضوی مربی هر کدام سعی کنند با یک لیوان آب وضو بگیرند تا هم وضو را یاد گرفته، و هم از اسراف جلوگیری کرده باشند.

درس هفتادوسوم:

طهارت (۳)

به نام آن که باشد مهربان تر برای ما ز بابا و ز مادر
دهم پندی بکن آویزه گوش مکن هرگز خدای خود فراموش

سلام. حالتان خوب است؟

حواسها جمع است، یا تقسیم، یا تفریق و یا ضرب؟!

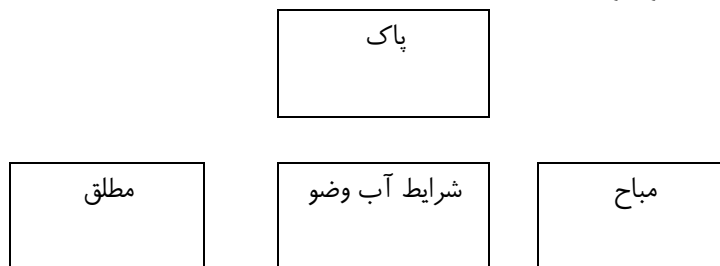
حالا آنهایی که حواسشان جمع است یک صلوات بفرستند.

عزیزان من، امروز می‌خواهیم ببینیم وضو با چه شرایطی صحیح است. پس به این

کارت‌ها دقت کنید:



۱. شرایط آب وضو:



الف) آب وضو باید پاک باشد؛ یعنی چگونه نباشد؟ نجس

پس وضو با آب نجس باطل است؛^۱

(ب) آب وضو باید مباح باشد؛ یعنی چگونه نباشد؟ غصبی

پس وضو با آبی که صاحب آن راضی نیست و یا معلوم نیست راضی است یا نه^۲ و یا آبی که وقف افراد خاصی است (مانند وضوخانه برخی از هتل‌ها، مسافرخانه‌ها و یا مدارس) باطل است.^۳

۲. شرایط ظرف وضو:

شرایط ظرف وضو	مباح
---------------	------

(الف) ظرف وضو باید مباح باشد؛ یعنی چگونه نباشد؟ غصبی

(ب) ظرف وضو نباید از جنس طلا و نقره باشد.^۴

بدون مانع	شرایط اعضای وضو	پاک
-----------	-----------------	-----

۳. شرایط اعضای وضو:

(الف) اعضای وضو در موقع شستن و مسح کردن باید پاک باشد.^۵

بنابراین اگر پیش از تمام شدن وضو جایی را که شسته و یا مسح کرده‌ایم نجس شود، وضو صحیح است.^۶

همچنین اگر غیر از اعضای وضو جایی از بدن نجس باشد، وضو صحیح است.^۷

(ب) در اعضای وضو، مانعی (مانند چسب، لاک غلط‌گیر و...) برای رسیدن آب وجود

۱. رساله نه مرجع، م ۲۶۵.

۲. همان، م ۲۶۷.

۳. سیدمحمدکاظم طباطبائی، عروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۱۹.

۴. رساله نه مرجع، ص ۱۶۳.

۵. همان، ص ۱۶۵.

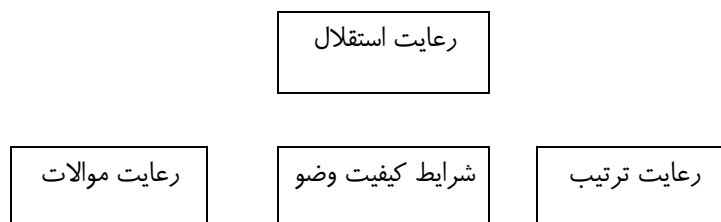
۶. همان، م ۲۷۶.

۷. همان، م ۲۷۷.

نداشته نباشد.^۱

۴. شرایط کیفیت وضو:

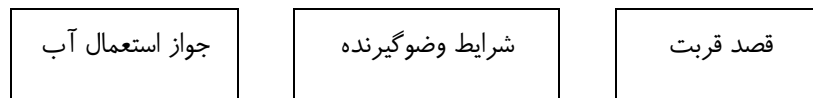
الف) رعایت استقلال: یعنی در شستن‌ها و مسح‌ها نباید از شخص دیگری کمک گرفته شود.^۲
مگر اینکه نتواند به‌تنهایی این کار را انجام دهد؛



ب) رعایت ترتیب: یعنی کارهای وضو باید به ترتیبی که گفته شد انجام گردد؛^۳
ج) رعایت موالات: یعنی کارهای وضو باید پشت سر هم و بدون فاصله انداختن انجام شود.^۴

۵. شرایط وضوگیرنده:

الف) قصد قربت: یعنی وضو باید برای انجام فرمان خدا انجام گیرد (نه برای خنک شدن)؛
ب) جواز استعمال آب: یعنی استفاده از آب نباید ضرری داشته باشد.



۱. همان، ص ۱۷۳.

۲. همان، ص ۱۷۰ - ۱۷۱.

۳. همان، ص ۱۶۹.

۴. همان، ص ۷۰.

درس هفتاد و چهارم: خاک پاک

به نام خداوند مشکل گشا خداوند خاک و نماز و دعا

سلام، عزیزان من.

حالتان چطور است؟ خوب، الحمدلله.

بچه‌ها، فکر می‌کنید موضوع بحث امروز ما چیست؟

۲ ۲
۰ ۰
۱۱

تیمم

بله؛ تیمم.

آیا شما می‌دانید که آیه وضو در کدام سوره آمده است؟

احسنت! در سوره مائده، آیه شش.

خوب است که بدانید تیمم نیز در همان آیه آمده است:

"وَأَن كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا

طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ..."

"اگر بیمار یا در سفر باشید، یا یکی از شما از قضای حاجت آمد... و آبی نیافتید، پس با خاک پاک، تیمم کنید و از آن به صورت و دست‌هایتان بکشید..."

دوستان، شاید برای شما هم این سؤال پیش آمده باشد که دست زدن به روی خاک و به پیشانی و پشت دست‌ها کشیدن چه فایده‌ای دارد؛ مخصوصاً با توجه به اینکه بسیاری از خاک‌ها آلوده و ناقل میکروب هستند؟! اما جواب:

۱. خاکی که بر آن تیمم می‌شود، طبق فرموده قرآن کریم باید پاک و پاکیزه باشد (فَیْتَمِّمُوا صَعِیداً طَیِّباً)؛

۲. دانشمندان ثابت کرده‌اند که خاک با داشتن باکتری‌های فراوان می‌تواند آلودگی‌ها را از بین ببرد؛ زیرا کار باکتری‌ها تجزیه کردن مواد آلی و از بین بردن انواع عفونت‌هاست. باکتری‌ها بیشتر در سطح زمین و عمق کم خاک که امکان استفاده از هوا و نور آفتاب بیشتر است یافت می‌شوند و به همین دلیل هنگامی که لاشه حیوان، یا بدن انسان و یا حتی زباله در زیر خاک دفن می‌شوند، در مدت کوتاهی تجزیه شده، عفونت و آلودگی آنها از بین می‌رود.

اشاره قرآن کریم در عبارت "فَیْتَمِّمُوا صَعِیداً طَیِّباً" نیز به همین خاک‌های سطح زمین است! ۳. وقتی که انسان شریف‌ترین عضو بدنش را که پیشانی اوست، با دستی که بر خاک زده لمس می‌کند، درواقع فروتنی و تواضع خود را در پیشگاه خداوند آشکار می‌سازد.^۱ "فَیْتَمِّمُوا ← (مسح با خاک باعث فروتنی) صَعِیداً ← (خاک خوب) طَیِّباً ← (پاک)" بارالها، ما را با احکام دین مقدس اسلام آشنا فرما.

آمین، یا رب العالمین.

درس هفتاد و پنجم: تابلوهای تیمم

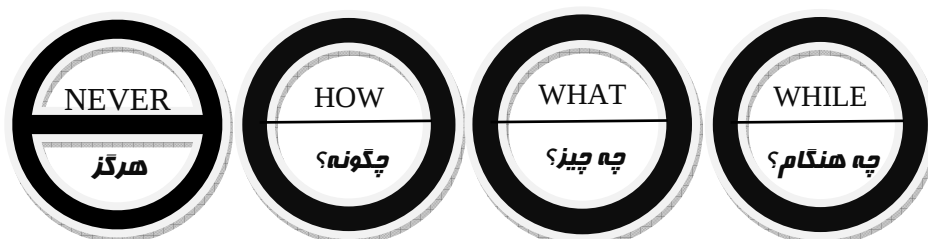
به نام خدایی که شب‌نم از اوست خدایی که هم درد و مرهم از اوست
خدایی که بیم و امید آفرید خدایی که هم شادی و غم از اوست

بچه‌ها، سلام.

حالتان خوب است؟ سرحال و سرزنده هستید؟ الحمدلله.

به این چهار تابلو دقت کنید:^۱

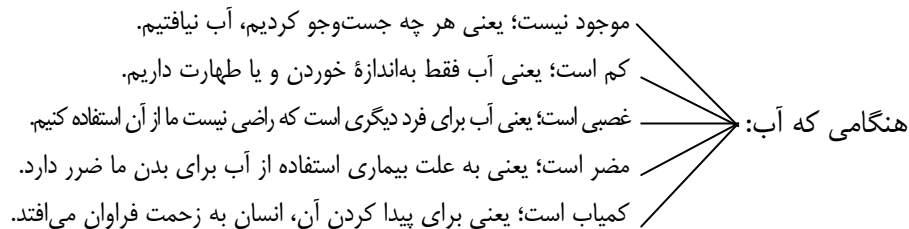
حالا معنی هریک از این کلمات انگلیسی را بگویید تا با هم به سؤالاتی درمورد تیمم پاسخ بدهیم!^۲



۱. ره‌توشه راهیان نور، تابستان ۱۳۸۸، ص ۱۰۷ - ۱۱۰.

۲. مربی می‌تواند قبلاً این تابلوها را با مقوا به صورت دایره برد و آماده کند، یا اینکه بر روی تخته بنویسد.

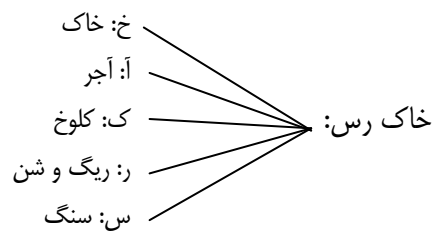
۱. while یعنی "چه هنگام"؛ خوب، چه هنگام باید تیمم کنیم؟



و هنگامی که وقت ← کم است؛ یعنی آب هست، ولی اگر وضو بگیریم نمازمان قضا می شود.

در مواردی که ذکر شد باید به جای وضو، تیمم کرد.

۲. what یعنی "چه چیز"؛ خوب، با چه چیزهایی می توان تیمم کرد؟



۳. how یعنی "چگونه"؛ خوب، چگونه تیمم کنیم؟

الف) ابتدا نیت می کنیم؛ یعنی مشخص می کنیم که تیمم را به جای وضو یا غسل و برای رضای خدا انجام می دهیم؛

ب) دو دست را بر روی زمین می زنیم و بر روی پیشانی (تا روی ابروها) می کشیم. سپس کف دست چپ را بر روی تمام پشت دست راست و کف دست راست را بر روی تمام پشت دست چپ می کشیم.

باید توجه داشت که قبل از تیمم باید موانعی مثل انگشتر را برداشت و ضمناً مراحل تیمم را به ترتیب و بدون فاصله انجام داد.

۴. never یعنی "هرگز"؛ خوب، در چه شرایطی نمی توان تیمم کرد؟

الف) قبل از وقت نماز؛ یعنی باید صبر کنیم تا وقت نماز شود و سپس تیمم کنیم؛

ب) قبل از ناامید شدن از پیدا کردن آب؛ یعنی باید آن قدر برای یافتن آب کوشش کنیم تا ناامید شویم و سپس تیمم کنیم.

عزیزان من، شاید شنیدن این داستان هم برایتان جالب باشد:
روزی عمار یاسر باید غسل می کرد؛ ولی چون آب در دسترس نبود به غلتیدن در خاک پرداخت! رسول خدا ﷺ با تعجب به او فرمود: ای عمار، چرا چنین می کنی؟! عمار گفت: می خواهم تیمم کنم! رسول خدا ﷺ لبخندی زد و تیمم را به او یاد داد.^۱
خداوندا، نیاز تمام نیازمندان را برطرف فرما.

آمین، یا رب العالمین.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، گزیده کافی، ج ۲، ص ۷۶.

درس هفتاد و ششم:

پاکی جسم

مثل همیشه اول هر کار به نام آن یگانه پروردگار

سلام خدمت همه عزیزان.

امیدوارم همیشه خوب و سر حال باشید.

دوستان من، همان طور که می دانید تا قبل از ظهور اسلام، نظافت تقریباً هیچ معنایی برای اعراب جاهلی نداشت. لباس های آنان کثیف بود، و بدنشان شدیداً بوی عرق می داد؛ اما پیامبر ﷺ با تعالیم خود، طهارت و پاکی را برای آنان به ارمغان آورد.

امام علی علیه السلام اولین حمام را در شهر مدینه ساخت و به دیگران یاد داد که چگونه استحمام نموده، بهداشت را رعایت کنند.

ایشان در حدیث شریفی می فرماید: چه خوب خانه ای است حمام که گرمای آن انسان را به یاد جهنم می اندازد و آلودگی را از بدن پاک می کند.^۱

حالا یک سؤال؛ چه طهارتی است که در حمام انجام می گیرد و گاهی مستحب و گاهی واجب است؟^۲

بله؛ غسل.

همان طور که می دانید غسل را به دو صورت می توان انجام داد:

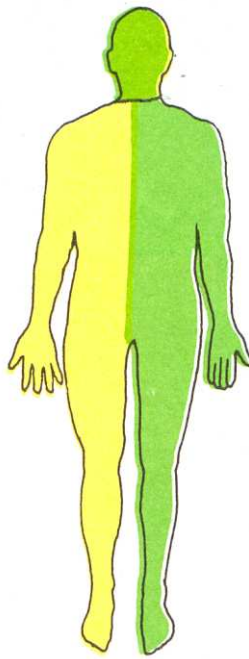
ترتیبی (حمامی) ارتماسی (استخری)

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۱۰.

۲. مربی با در نظر گرفتن سن دانش آموزان در صورت صلاح دید می تواند غسل جنابت و احکام جنابت را برای آنان توضیح دهد.

غسل ترتیبی

در غسل ترتیبی بدن را در سه مرحله می‌شوئیم؛ به‌این ترتیب که پس از نیت کردن، در مرحله اول، سر و گردن؛ در مرحله دوم، نیمه راست بدن و در مرحله سوم، نیمه چپ بدن را می‌شوئیم.^۱



غسل اَرتماسی

در غسل اَرتماسی بدن را در یک مرحله می‌شوئیم؛ به‌این ترتیب که پس از نیت کردن، به یک‌باره و یا به تدریج زیر آب می‌روئیم؛ به طوری که تمام بدن در آب قرار گیرد. همچنین می‌توانیم ابتدا به طور کامل به زیر آب رفته، سپس در آنجا، نیت غسل کنیم و بدن را قدری تکان دهیم.^۲

۱. رساله نه مرجع، م ۳۶۱.

۲. همان، م ۳۶۷ و ۳۶۸.

برخی مسائل مربوط به غسل

۱. تمام شرط‌هایی که برای صحیح بودن وضو گفته شد، در صحیح بودن غسل هم شرط است؛ به‌جز موالات (یعنی پشت سر هم انجام دادن کارها؛ بنابراین می‌توان در بین شستن سر و گردن و نیمه راست بدن - مثلاً - یک ساعت تأخیر انداخت). همچنین لازم نیست که بدن از بالا به‌پایین شسته شود؛^۱

۲. کسی که می‌خواهد چند غسل (چه واجب، چه مستحب) انجام دهد، می‌تواند به نیت همه آنها فقط یک غسل به‌جا آورد؛^۲

۳. در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد؛ ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست و اگر هر قسمتی پیش از غسل دادن همان قسمت تطهیر شود، کافی است؛^۳

۴. در غسل لازم نیست تمام بدن شست‌وشو شود و همین‌که با نیت غسل، آب به تمام بدن برسد کافی است؛

۵. اگر در بین غسل، حدث اصغر (ادرار، مدفوع، باد معده) پیش بیاید، غسل باطل نمی‌شود.^۴

خداوندا، ما را در صراط مستقیم ثابت‌قدم بدار.

آمین، یا رب العالمین.

۱. همان، م ۳۸۰.

۲. همان، م ۳۸۹.

۳. همان، م ۳۷۲.

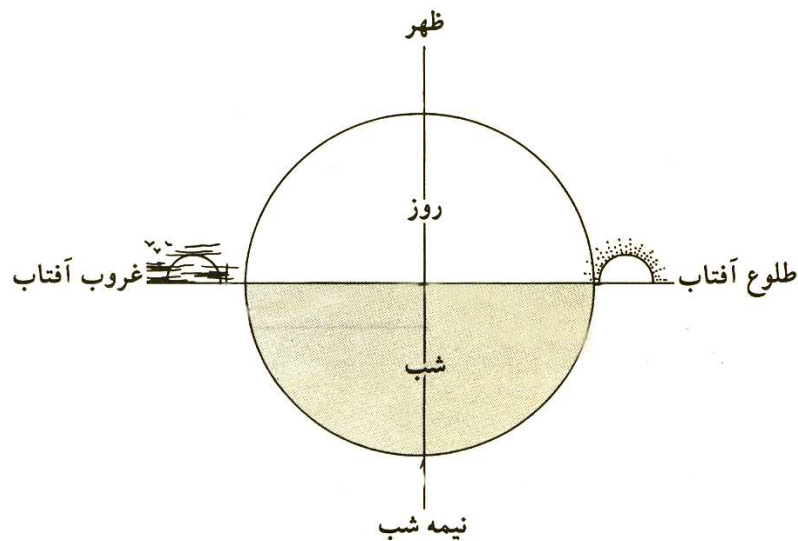
۴. همان، م ۳۸۶.

درس هفتاد و هفتم: وقت ملاقات (۱)

آغاز هر کلامی، حمد خدای یکتا همواره می‌برم من، نام مقدسش را

دوستان خوب و عزیز، سلام.

عزیزان من، به این شکل توجه کنید:^۱

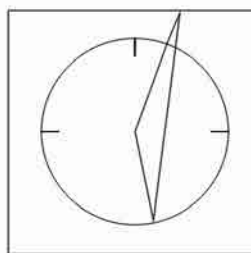


این شکل شما را به یاد چه مسئله‌ای درباره نماز می‌اندازد؟

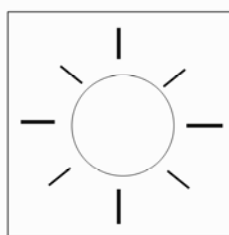
بله؛ "وقت نماز".

حالا با دقت بیشتری به این کارت‌ها توجه کنید.

همان طور که می بینید در این تصویر یک "شاخص" دیده می شود. شکل ساده تر آن، چوب کوچکی است که به طور عمودی بر روی زمین قرار داده می شود تا سایه آفتاب را به ما نشان دهد.^۱



حتماً شما هم می توانید حدس بزنید که در هنگام صبح که خورشید طلوع می کند، سایه شاخص و یا چوب به طرف مغرب می افتد، و هرچه آفتاب بالا بیاید این سایه کم می شود. کم شدن سایه ادامه پیدا می کند تا جایی که تقریباً دیگر سایه ای دیده نمی شود؛ در این زمان، ظهر شرعی فرامی رسد و هنگام نماز ظهر است. با گذشتن از زمان ظهر، سایه شاخص به طرف مشرق برمی گردد، و هرچه به غروب آفتاب نزدیک شویم، این سایه بزرگ تر می شود. همان طور که می بینید در این کارت تصویر خورشید دیده می شود، و گفتیم که وقتی سایه شاخص به کمترین مقدار رسید و رو به افزایش گذاشت، ظهر شرعی فرامی رسد و ابتدای وقت نماز ظهر است.



همان طور که می بینید در این کارت تصویر غروب آفتاب (مغرب) دیده می شود، و مغرب

۱. مربی می تواند یک چوب و یا خط کشی پنجاه سانتی متری را روی زمین به حالت ایستاده نگه دارد تا سایه آن روی زمین مشخص شود.

موقعی است که سرخی آسمان (طرف مشرق) که بعد از غروب آفتاب مشاهده می‌گردد از بین برود، و این زمان ابتدای وقت نماز مغرب است.



همان‌طور که می‌بینید در این کارت تصویر ماه و ستاره دیده می‌شود و منظور از آن نشان دادن وقت نیمه‌شب است.

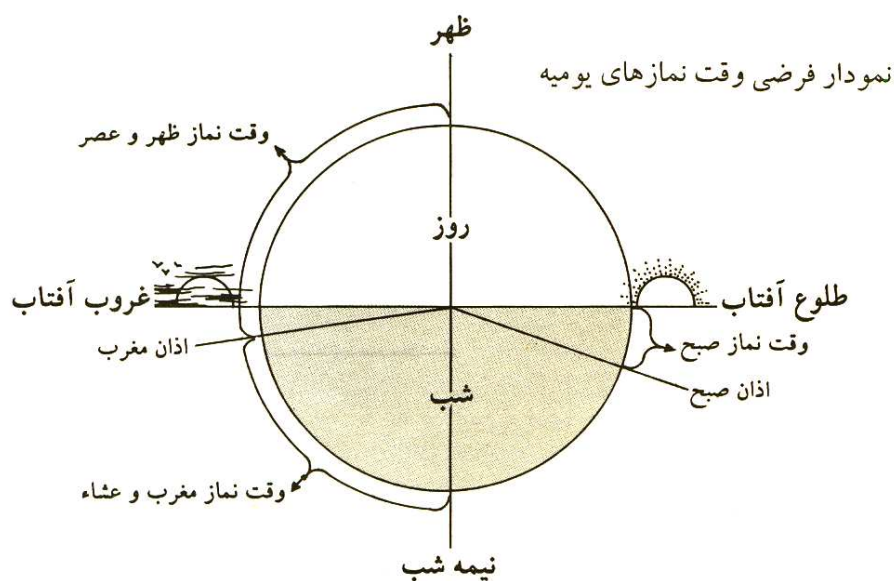


اگر فاصله بین غروب آفتاب و اذان صبح را دو نیم کنیم، وسط آن "نیمه‌شب" و آخر وقت نماز عشا است.

همان‌طور که می‌بینید در این کارت تصویری دیده نمی‌شود و فقط بر روی آن نوشته شده است؛ "فجر دوم". باید بدانید که نزدیک اذان صبح، از طرف مشرق، سپیده‌ای رو به بالا حرکت می‌کند که آن را "فجر اول" گویند و هنگامی که آن سپیده پهن شد "فجر دوم" فرامی‌رسد که ابتدای وقت نماز صبح است.

فجر دوم

خوب، حالا چه کسی می‌داند "ادا" و "قضا" به چه معناست؟
 بله؛ اگر نماز در وقت خودش خوانده شود، اصطلاحاً به آن "ادا" می‌گویند و اگر بعد از
 وقت خوانده شود به آن "قضا" می‌گویند.
 بسیار خوب، اینک به کامل کردن شکل‌ها توجه کنید:



وقت نماز صبح ← از اذان صبح، یعنی فجر دوم تا طلوع آفتاب است.
 وقت نماز ظهر و عصر ← از ظهر شرعی تا مغرب است.
 وقت نماز مغرب و عشا ← از مغرب تا نیمه‌شب است.
 درضمن این را هم بدانید که اگر کسی عمداً و یا به‌واسطه عذری نماز مغرب و عشا را تا

نصف شب نخواند، بنابر احتیاط واجب باید تا قبل از اذان صبح، بدون اینکه نیت ادا یا قضا کند، آنها را به جا آورد.

خدایا، توفیق یادگیری احکام اسلام را به همه ما عنایت فرما.

آمین، یا رب العالمین.

درس هفتاد و هشتم: وقت ملاقات (۲)

به نام آن که هستی، نام از او یافت فلک جنبش، زمین آرام از او یافت

سلام و درود بر شما عزیزان.

بحث امروز ادامه مباحث دیروز در زمینه اوقات نماز است.

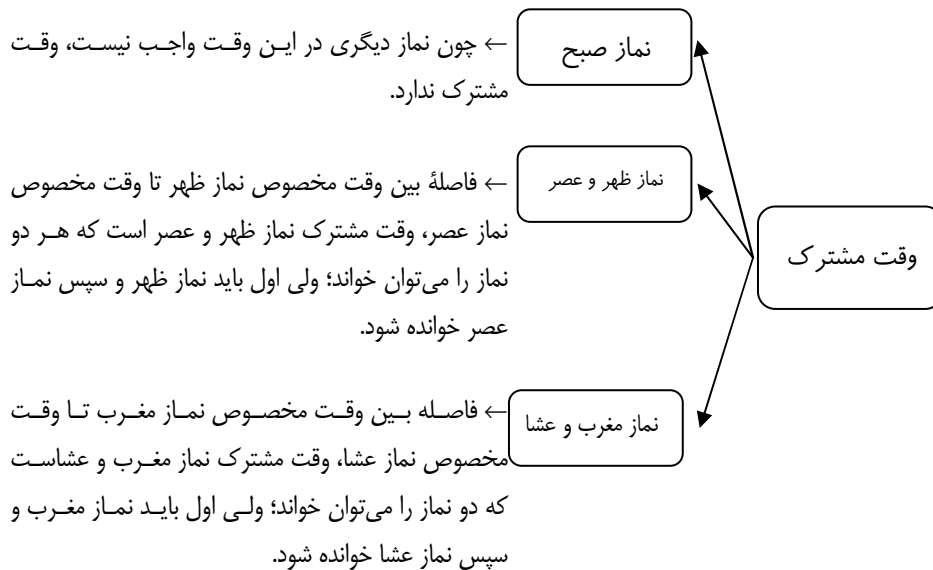
دوستان من، به این کارتها توجه کنید:

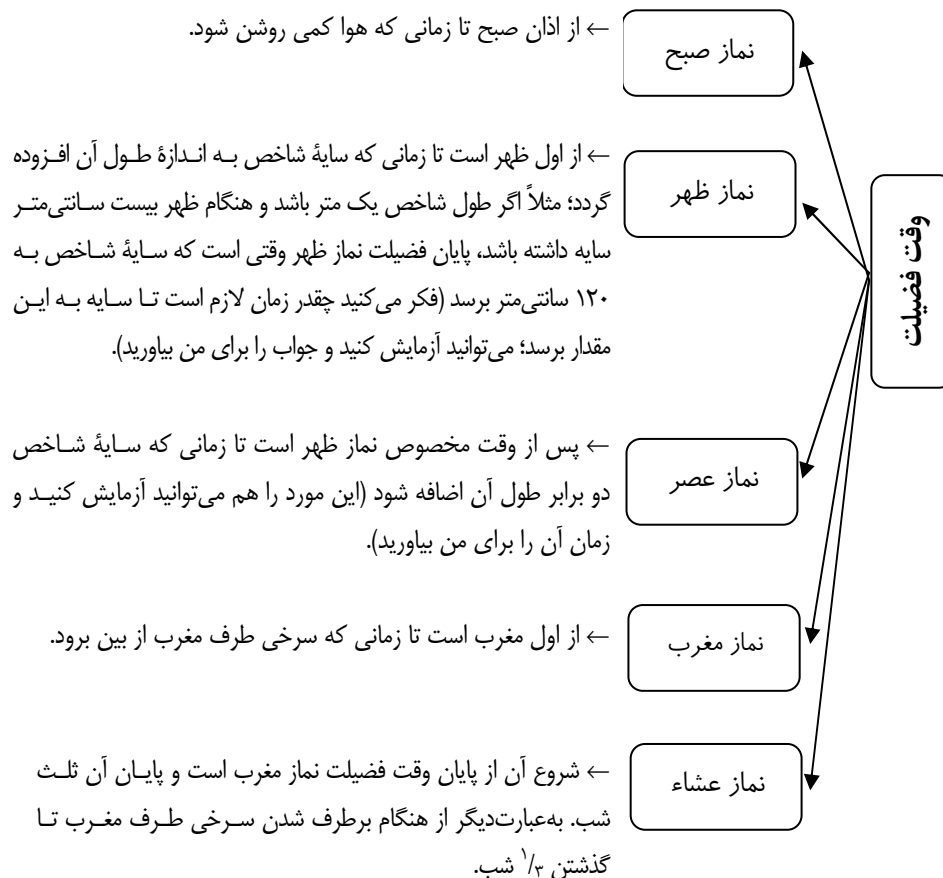
این کارتها می‌خواهند به ما بگویند که برای نمازهای یومیه، سه وقت وجود دارد:^۱

وقت فضیلت

وقت مشترک

وقت مخصوص





پروردگارا، توفیق به‌جا آوردن نماز در وقت فضیلت را به ما عنایت فرما.

آمین، یا رب العالمین.

درس هفتادونهم: به سوی او

اول به نام خدا، که بنده او هستیم ما به رسول و آلش، صلوات می‌فرستیم

سلام به همه شما عزیزان. با آرزوی موفقیت و شادکامی برای همه شما، برنامه امروز را آغاز می‌کنیم.

بچه‌های عزیز، حدس بزنید این دو تاریخ چرا مهم هستند؟!

روز ۶ خرداد

روز ۲۴ تیر

این دو روز از لحاظ شناخت قبله؛ دو روز مهم سال هستند؛ چراکه در این دو روز، در هنگام ظهر خورشید کاملاً عمود بر کعبه (مرکز زمین) می‌تابد، در نتیجه در سایر مناطق جهان می‌توان به کمک خورشید جهت قبله را به‌طور دقیق مشخص کرد؛ اما چگونه؟!

اگر هنگام ظهر شرعی (به وقت مکه) شاخصی (قطعه‌ای چوب) را - که در درس‌های گذشته شرح داده‌ایم - به‌طور عمود بر روی زمین قرار دهیم، جهت سایه، جهت قبله را نشان خواهد داد.^۱

حالا چند سؤال:

۱. برای چه کارهایی لازم است که جهت قبله را رعایت کنیم؟
- برای نمازهای واجب، دفن میت، ذبح حیوانات.

۱. مجله نور علم، ش ۸، ص ۹.

۲. انجام چه کاری رو به قبله، حرام است؟

قضای حاجت (دستشویی کردن).

۳. آیا برای خواندن نمازهای مستحبی باید حتماً رو به قبله بود؟

خیر؛ در صورت امکان بهتر است قبله را رعایت کنیم.

۴. اگر کسی نتوانست قبله را پیدا کند، برای اقامه نماز واجبش به کدام جهت باید بایستد؟

اگر وقت دارد به چهار طرف و اگر وقت او کم است دو یا یک طرف.

۵. راههای تشخیص قبله چیست؟

الف) خود انسان به جهت قبله یقین پیدا کند؛

ب) دو نفر عادل جهت قبله را بگویند؛

ج) کسی که از روی قاعده علمی قبله را می شناسد و مورد اطمینان است بگوید؛

د) گمانی که از محراب مساجد و قبور مسلمین حاصل شود.^۱

و حالا یک سؤال متفاوت:

کدام مسجد دو قبله داشته است؟

آفرین، "مسجد ذوقلین" در شهر مدینه.

اگر داستان این مسجد را نمی دانید، پس گوش کنید؛

شانزده یا هفده ماه از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه گذشته بود، و یهودیان دائماً مسلمانان را به سبب نداشتن قبله مشخص و پیروی از قبله آنان (بیت المقدس) سرزنش می کردند.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ بارها دست به دعا برداشته و از خدا خواسته بودند که مسلمانان را از این سرزنش برهاند تا اینکه در نیمه ماه رجب، هنگامی که رسول خدا ﷺ در مسجدی در شمال غربی مدینه (در منطقه ای به نام سلح) مشغول نماز جماعت ظهر بودند، ناگاه در بین نماز آیه ۱۴۴ سوره بقره نازل شد و تغییر قبله از بیت المقدس به سمت مسجد الحرام را اعلام داشت. پیامبر گرامی اسلام ﷺ درحالی که دو رکعت از نماز ظهر را

اقامه کرده بودند، روی خود را به سمت جنوب و مکه مکرمه نمودند. با این چرخش ۱۶۰ درجه‌ای که به سبب نزول آیه تغییر قبله ایجاد شد، آن مسجد به مسجد "ذوقبلتین" مشهور گردید. این خبر سریعاً به تمام مدینه مخابره شد و مسلمانان با خوش حالی تمام نماز عصر خود را به سمت مسجدالحرام خواندند و پس از آن، محراب قبله‌های سمت بیت المقدس را بسته، محراب‌هایی به سوی کعبه ساختند.

خداوندا، توفیق زیارت مسجدالنبی و بازدید مساجد دیگر مدینه را به ما عنایت فرما.

آمین، یا رب العالمین.

درس هشتادم: ثواب انرژی‌زا

به بسم الله سخن آغاز گویم سلام را بعد از آن من بازگویم

عزیزان من، سلام. امیدوارم که خوش و خرم و سلامت باشید تا برنامه امروز را با یک جدول قرآنی شروع کنیم.

			۱
			۲
			۳
			۴
			۵
*			۶

۱. سوره‌ای به معنای گاو ماده: ^۱ بقره

۲. سوره‌ای به معنای شب است: لیل

۳. سوره‌ای که اسلحه دانشمند است: قلم

۴. کوه محل راز و نیاز حضرت موسی علیه السلام بود: طور

۵. نام سوره‌ای به معنای سرزمین: بلد

۶. سوره‌ای که یکی از نام‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است: طه

خوب، حالا حدس بزنید که رمز جدول چیست.

بله؛ "قیلوله".

همان طور که می‌دانید به خواب کوتاه قبل از ظهر (نیم ساعت قبل از اذان) که مستحب هم هست "قیلوله" می‌گویند.

علت این امر این است که معمولاً ما به دلیل فعالیت‌هایی که در طول روز انجام می‌دهیم، در هنگام ظهر بسیار خسته می‌شویم و این وضعیت باعث می‌شود که نماز را با سستی و خستگی اقامه کنیم.

البته خواب قیلوله خواص دیگری نیز دارد که یکی از آنها تقویت حافظه است. روزی شخصی خدمت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: من حافظه‌ای قوی داشتم؛ ولی اکنون فراموشی بر من غالب شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آیا در زمانی که حافظه قوی داشتی، خواب قیلوله را مراعات می‌کردی و حالا این کار را ترک کرده‌ای؟ او گفت: بلی! حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: پس، بار دیگر به خواب قیلوله رو بیاور! آن مرد به توصیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عمل کرد و حافظه‌اش برگشت.^۱

جالب است که بدانید این توصیه حتی از لحاظ علمی نیز ثابت شده است؛ زیرا چندی پیش دانشمندان ژاپنی برای ایجاد کارایی بیشتر کارگران در طول روز تحقیقی را انجام دادند و به این نکته پی بردند که خوابیدن در زمان اندکی قبل از ظهر، در این خصوص بسیار مناسب است. به همین دلیل دولت ژاپن تصویب کرد که در ادارات و کارخانجات، اتاقی به نام "اتاق استراحت" تعبیه شود تا کارمندان و کارگران اندکی قبل از ظهر به استراحت پرداخته، در نتیجه انرژی مضاعف بیابند و با نشاط و شادابی بیشتری به کار خود ادامه دهند.

۱. مصطفی زمانی، بهداشت، ص ۲۷.

البته شما دانش‌آموزان به دلیل اینکه در طول روز در مدرسه هستید، این فرصت را ندارید؛ اما می‌توانید در روزهای تعطیل و تابستان این کار را تجربه کنید. خداوندا، توفیق عمل به‌دستورهای اسلام را به ما عنایت فرما. آمین، یا رب العالمین.

درس هشتادویکم: دعوت بندگی

به نام خداوند جان و جهان خداوند بخشنده مهربان

دوستان خوبم، سلام.

بحث امروز را با یک سؤال شروع می‌کنیم. فرق بین اذان و اقامه در چیست؟
بله؛ احسنت!

۱. در ابتدای اذان باید چهار بار "الله اکبر" بگوییم، اما در اقامه فقط دو بار "الله اکبر" گفته می‌شود؛

۲. در اقامه بعد از ذکر "حی علی خیر العمل" دو بار می‌گوییم "قد قامت الصلوة"؛

۳. ذکر "لا اله الا الله" در پایان اذان دو بار گفته می‌شود، اما در اقامه فقط یک بار گفته می‌شود.

دوستان من، همان‌طور که می‌دانید گفتن اذان و اقامه قبل از ورود به نماز مستحب است. همچنین می‌دانید که شکستن نماز واجب از روی اختیار حرام است، مگر برای حفظ جان و مال.

حالا جالب است که بدانید اگر نماز گزار پیش از آنکه به رکوع برود، به یاد بیاورد که اذان و اقامه نگفته است، مستحب است که نماز را بشکند تا اذان و اقامه را بگوید و سپس نماز را بخواند.^۱

امام علی علیه السلام در حدیث شریفی می‌فرماید: هر کس نماز خود را با اذان و اقامه بخواند، صفی از فرشتگان پشت سر او به نماز می‌ایستند که دو طرف آن دیده نمی‌شوند و هر کس نماز خود را فقط با اقامه بخواند، یک فرشته پشت سر او نماز می‌گذارد.^۲

در روایت دیگری آمده است که شخصی از حضرت رضا علیه السلام پرسید: چرا قبل از نماز،

۱. رساله نه مرجع، م ۱۱۵۹ و ۱۱۶۴، ص ۶۵۲ - ۶۵۴.

۲. شیخ عباس قمی، ثواب الاعمال، ص ۵۸.

اذان و اقامه می‌گوییم؟ حضرت فرمود: خداوند مردم را به اذان امر فرمود برای یادآوری مردم و آگاه نمودن افراد غافل و معرفی وقت نماز به کسانی که سرگرم به کار هستند.^۱ بچه‌های عزیز، حالا اگر می‌خواهید که دوستان دیگرمان از وقت نماز مطلع شوند و در نمازخانه حضور یابند، یک بار با هم اذان را می‌خوانیم: الله اکبر... .

۱. عبدالحسین طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۶۵.

بخش هفتم

آداب حین نماز

درس هشتاد و دوم: اساس نماز

به بسم الله سخن آغاز گویم سلام را بعد از آن من باز گویم

دوستان من، سلام. امیدوارم خوب و سالم باشید.
خوب، بچه‌ها بگویید بینم اجزای مهم یک ساختمان چیست؟
بله؛ آهن، سیمان، آجر و...؛ اما همان‌طور که می‌دانید ساختمان اجزای دیگری هم دارد
که اگرچه مهم هستند، بود و نبود آنها در کلیت و اصل ساختمان دخالتی ندارد؛ مثل
گچ‌کاری؛ تزیینات، رنگ و... .
حالا به این کارتها توجه کنید:^۱

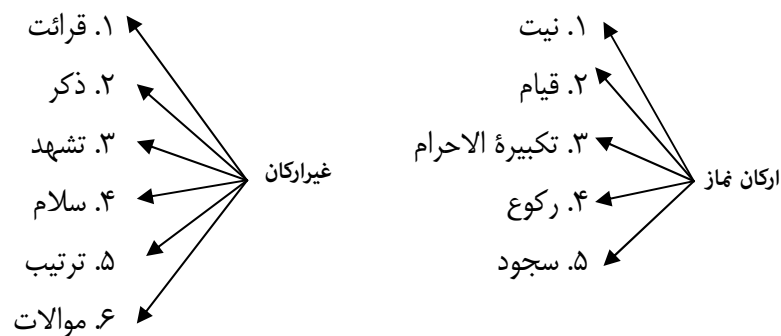
نیت	قیام	تکبیرة الاحرام	رکوع	سجود
قرائت	ذکر	تشهد	سلام	ترتیب
موالات				

همان‌طور که متوجه شدید، اینها...، بله؛ واجبات نماز هستند و از دو بخش تشکیل
شده‌اند؛ برخی اجزای اساسی نماز هستند (مثل اجزای اساسی ساختمان) که به آنها
"رکن" گفته می‌شود و چنانچه از روی عمد و یا از روی فراموشی به‌جا آورده نشوند و یا
بیشتر از حد لازم انجام شوند، نماز باطل می‌گردد.

۱. مربی می‌تواند قبلاً واجبات نماز را بر روی یازده عدد کارت بنویسد و آماده داشته باشد و یا واجبات را بر روی تخته بنویسد.

بخش دیگر واجبات نماز "غیررکن" هستند. بنابراین اگر در اثر فراموشی، کم یا زیاد شوند، نماز باطل نمی‌شود.

حالا با انجام یک مسابقه، با واجبات رکنی و غیررکنی نماز آشنا می‌شویم. این مسابقه با دو گروه دوفره انجام می‌شود و هر گروه که زودتر ارکان و غیرارکان را از میان کارتهایی که در اختیار دارد تشخیص داده، در جای خود قرار بدهد برنده می‌شود.^۱ خوب حالا واجبات رکنی و غیررکنی نماز را با هم مرور می‌کنیم:

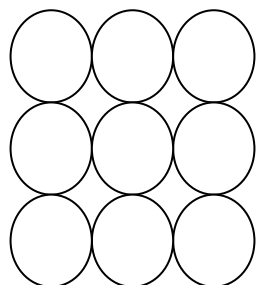


۱. مربی کارتها را به‌طور غیرمنظم روی یک صندلی قرار داده، سمت راست تخته را به ارکان نماز و سمت چپ آن را به غیرارکان اختصاص می‌دهد. از هر گروه یک نفر کنار صندلی می‌ایستد و کارتهای موردنظر گروه را به یار دیگر خود که در کنار تخته ایستاده است می‌رساند. سپس مربی کارتها را ارزیابی کرده، گروه برنده را نسبت به تعداد کارتهای صحیح معرفی و تشویق می‌کند.

درس هشتادوسوم: به خاطر او

نام او دایم بود آغاز هر گفتار ما تا نگردد ناتمام هرگونه از کردار ما

سلامی به لطافت بهار، گرمی تابستان، زیبایی پاییز و سفیدی زمستان! امیدوارم خوب و سرحال و شاداب باشید.



۱ دوستان من، با یک جدول نه حرفی موافقت؟ بسم الله!

سوره‌ای به نام مورچگان: نمل

سوره‌ای به نام انجیر: تین

۲ سوره‌ای که از هر طرف یک جور خوانده می‌شود: تبت

۳ حالا اگر حرف اول پاسخ اول، حرف دوم پاسخ دوم

و حرف سوم پاسخ سوم را در کنار هم قرار دهید، کلمه مورد نظر به دست می‌آید.
بله؛ "نیت".

"نیت" در لغت به معنای قصد و اراده است و در اصطلاح احکام به معنای قصد و انجام یک عبادت معین (مثل نماز)، به منظور اطاعت از دستور خداوند متعال می‌باشد.

اما لازم است بدانیم که در نیت چند نکته باید رعایت شود:

۱. نمازگزار از آغاز تا پایان نماز، باید بداند چه نمازی می‌خواند؛

۲. به زبان آوردن نیت لازم نیست؛^۱

۳. نمازگزار باید از هرگونه ریا و خودنمایی دور باشد؛ یعنی نماز را فقط و فقط برای انجام دستور الهی به جا آورد.^۲

۱. رساله نه مرجع، م ۹۴۴، ۹۴۳.

۲. همان، م ۹۴۷، ۹۴۶.

خوب، دوستان عزیز، حالا به احکام مربوط به برگرداندن نیت توجه کنید:^۱

احکام برگرداندن نیت از یک نماز به نماز دیگر^۲

ظهر	✓	↔	✗	عصر
قضای ظهر	✓	←		قضای عصر
مغرب	✓	↔	✗	عشاء
قضای مغرب	✓	←		قضای عشاء
قضا	✓	↔	✗	ادا
فرازا	✓	↔	✗	جماعت
واجب	✗	↔	✗	مستحب
مستحب دیگر	✗	←		مستحب



علامت صحیح



علامت باطل

۱. مربی می‌تواند موارد فوق را روی تخته بنویسد و یا از قبل بر روی چند مقوا نوشته، آماده داشته باشد.

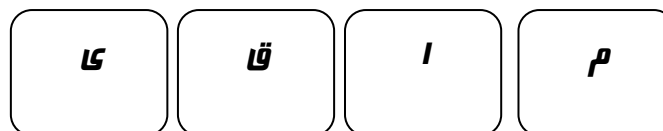
۲. محمدحسین فلاح‌زاده، آموزش فقه، ص ۱۴۶ - ۱۴۷

۱. کسی که نیت "نماز عصر" کرده، می‌تواند نیتش را به "نماز ظهر" برگرداند؛ ولی بالعکس آن جایز نیست؛
 ۲. کسی که نیت "نماز قضای عصر" کرده، می‌تواند نیتش را به "نماز قضای ظهر" برگرداند؛
 ۳. برگرداندن نیت "نماز عشا" به "نماز مغرب" جایز است؛ ولی بالعکس آن جایز نیست؛
 ۴. برگرداندن نیت "نماز قضای عشا" به "نماز قضای مغرب" جایز است.
 ۵. شخصی که در حال خواندن "نماز ادا" است، می‌تواند نیت را به "نماز قضا" برگرداند؛ ولی بالعکس آن جایز نیست؛
 ۶. شخصی که در حال اقامه "نماز جماعت" است، می‌تواند آن را "فرادا" کند؛ ولی بالعکس آن جایز نیست؛
 ۷. برگرداندن نیت "نماز مستحبی" به "نماز واجب" جایز است؛ ولی بالعکس آن جایز نیست؛
 ۸. برگرداندن "نماز مستحبی خاص" به "نماز مستحبی دیگر" جایز نیست.
- خداوندا، توفیق انجام اعمال خوب را با نیت خالص به همه ما عنایت فرما.
- آمین، یا رب العالمین.

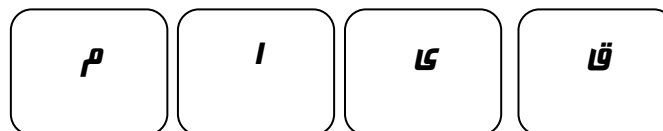
درس هشتاد و چهارم: ایستادن (۱)

اول هر کار به نام خداست آن که از او عالم هستی به‌پاست

دوستان خوبم، سلام. حالتان خوب است؟
برنامه امروز را با کمک چهار نفر از میان خودتان اجرا می‌کنیم.
این چهار نفر کارت‌هایی را در مقابل شما نگه می‌دارند.^۱



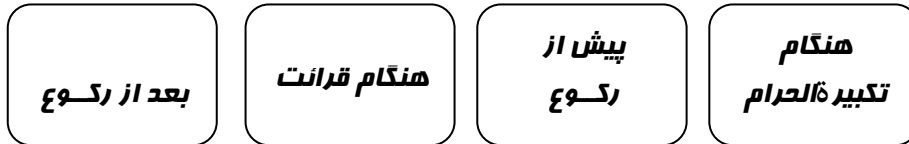
خوب، فکر می‌کنید موضوع بحث امروز ما چیست؟ شما می‌توانید با جابه‌جا کردن این
حروف موضوع را حدس بزنید.
بله؛ "قیام".



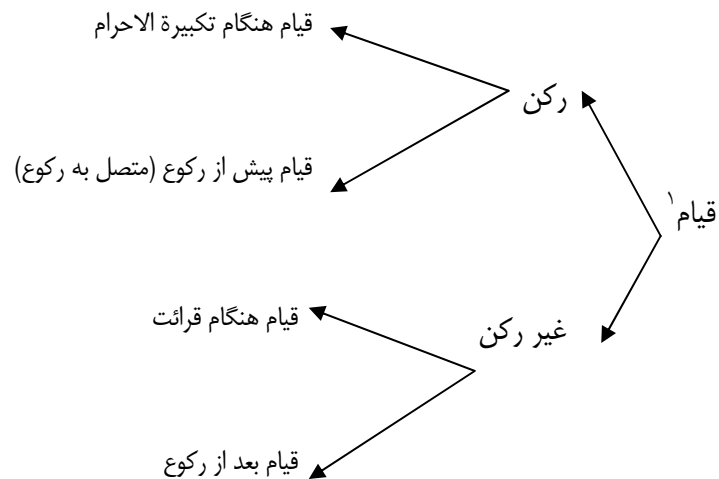
"قیام" که یکی از واجبات نماز است به‌معنای ایستاده بودن که نوعی آماده‌باش برای
عبادت است، می‌باشد. جالب است که بدانید "قیام" در بعضی از موارد، از ارکان نماز است
و ترک آن، عمداً و یا سهواً نماز را باطل می‌کند و در برخی از موارد، از ارکان نماز نیست و
ترک سهوی آن، نماز را باطل نمی‌کند.

۱. مربی باید قبلاً این کارت‌ها را که به‌اندازهٔ A۴ است، آماده کند و مطالب را، روی آنها بنویسد.

حالا روی دیگر کارت‌ها را می‌بینیم:



این کارت‌ها انواع قیام را به ما نشان می‌دهند؛ دو مورد سمت راست، قیام رکنی و دو مورد سمت چپ، قیام غیررکنی هستند.



قیام هنگام تکبیرةالحرام یعنی چه؟

یعنی واجب است نمازگزار پیش از گفتن تکبیرةالحرام و پس از آن، مقداری بایستد تا یقین کند که تکبیر را در حال قیام گفته است.^۱

قیام پیش از رکوع یعنی چه؟

۱ رسالۀ نه مرجع، م ۹۵۸.

۲ همان، م ۹۵۹.

یعنی نمازگزار در حالت ایستاده به رکوع رود. بنابراین اگر رکوع را فراموش کند و پس از قرائت به سجده رود و پیش از وارد شدن به سجده یادش آید، باید کاملاً بایستد و سپس به رکوع برود.^۱

قیام هنگام قرائت یعنی چه؟

یعنی نمازگزار هنگام خواندن حمد و سوره باید ایستاده باشد.

قیام بعد از رکوع یعنی چه؟

یعنی نمازگزار باید بعد از رکوع کاملاً بایستد؛ ولی اگر فراموش کند و به سجده برود نمازش صحیح است؛ زیرا این قیام، واجب غیررکنی است.^۲
خداوندا، قیام و قعود ما را برای رضای خودت قرار ده.

آمین، یا رب العالمین.

۱ همان، م ۹۶۰.

۲ بعد از توضیح هر قسمت می‌توان از دانش‌آموز مورد نظر خواست که آن حرکت را انجام دهد.

درس هشتاد و پنجم:

ایستادن (۲)

ای نام تو بهترین سرآغاز	بی نام تو نامه کی کنم باز
ای یاد تو مونس روانم	جز نام تو نیست بر زبانم
هم قصه نانموده دانی	هم نامه نانوشته خوانی
از ظلمت شب رهایی ام ده	با نور حق آشنایی ام ده

دوستان خوب و گرامی، سلام. امیدوارم که حالتان خوب باشد.

برنامه امروز را با یک سؤال آغاز می‌کنم:

همان‌طوری که می‌دانید، کسی که به دلیل مریضی نمی‌تواند نمازش را ایستاده بخواند، باید نمازش را نشسته بخواند. در این نوع نماز یعنی نماز نشسته، قیام متصل به رکوع چه وضعی دارد؟

احسنت! باید از حالت نشسته به رکوع رود.

خوب، عزیزان من، به ادامه درس دیروز می‌پردازیم.

پنج کار است که نباید آنها را هنگام قیام انجام داد. حدس بزنید این کارها چیست؟ آفرین!

۱. حرکت دادن بدن؛

۲. خم شدن به این طرف و آن طرف؛

۳. تکیه کردن به جایی یا چیزی؛

۴. زیاد باز گذاشتن پاها؛

۵. از زمین بلند کردن پاها.^۱

حالا به این داستان کوتاه خوب توجه کنید تا به سؤالی که بعداً مطرح می‌کنم پاسخ بدهید:

"راننده دستش رو گذاشته بود روی بوق و دست‌بردار هم نبود! هنوز هفت، هشت نفری مونده بودن که نمازشون تموم نشده بود. تقصیر ماهم نبود؛ چهارتا دستشویی بود و پنج، شش تا اتوبوس. پام رو گذاشتم روی گاز و با آخرین سرعت ممکن نماز رو خوندم! رکعت آخر بعد از رکوع که بلند شدم، چون حواسم نبود کامل نایستادم. توی اتوبوس کلی فکرم مشغول بود؛ نمی‌دونستم نمازم درسته یا نه؟!"

حالا نظر شما چیست؟

آفرین! بله؛ همان‌طور که گفتیم قیام بعد از رکوع اگرچه واجب است، چون از واجبات رکنی نیست، فقط در صورتی که عمداً ترک شود، موجب بطلان نماز می‌گردد.^۱

بارالها، ما را در انجام صحیح عبادات موفق بدار.

آمین، یا رب العالمین.

درس هشتادوششم: تکبیر آغاز

همیشه بر زبانم نام اوست سرآغاز کلامم یاد اوست

بچه‌ها، سلام.

برای حل یک جدول پلکانی قرآنی آماده‌اید؟!

بسیار خوب؛ پس شروع می‌کنیم و برای اینکه به رمز جدول دست بیاییم باید از پله‌ها

بالا برویم!

نام دیگر سوره تبت (آخرین کلمه سوره تبت): مسد

سرزمین بلقیس و نام یکی از سوره‌های قرآن: سبا

در سوره قدر همراه ملائکه است: روح

نام سوره‌ای که به معنای پیروزی است: فتح

هزار عربی و اولین حرف الفبا: الف

سوره زنبور عسل: نحل

حروف مقطعه آغاز سوره بقره: الم

برادران یوسف او را در آن انداختند: چاه

سوره‌ای به نام یکی از تمدن‌های باستانی: روم

نام سوره‌ای به معنای نور و روشنایی که با قسم شروع می‌شود: ضحی

خانه عربی: بیت

مفرد ملائکه: ملک

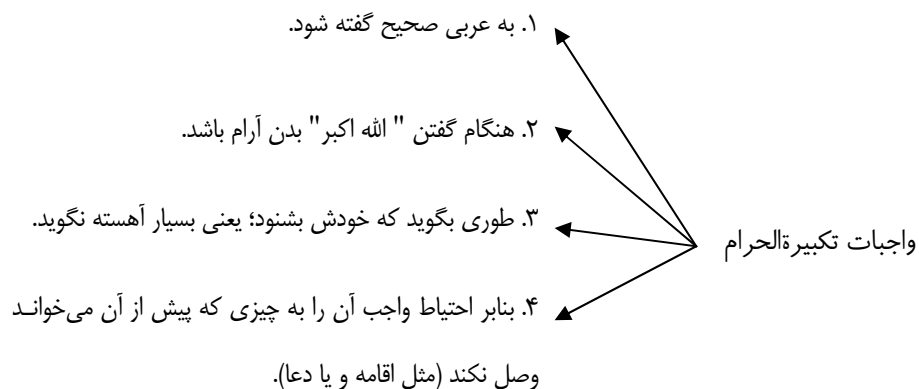
سوره‌ای که از هر دو طرف، یک جور خوانده می‌شود: تبت

			۱۳	
				۱۲
			۱۱	
				۱۰
			۹	
				۸
			۷	
				۶
			۵	
				۴
			۳	
				۲
			۱	

خوب، حالا بگویید که رمز جدول چیست؟

بله؛ "تکبیرة الاحرام".

دوستان خوب! همان طور که می دانید نماز با گفتن یک "الله اکبر" آغاز می شود که به آن "تکبیرة الاحرام" گفته می شود؛ زیرا با همین تکبیر است که بسیاری از کارها مانند خوردن و آشامیدن، خندیدن و گریستن بر نمازگزار حرام می شود.^۱
اما در تکبیرة الاحرام باید چهار موضوع را رعایت کرد:



بچه‌ها، راستی می‌دانید چرا مستحب است که هنگام تکبيرة الحرام دست‌ها را تا مقابل گوش‌ها بالا ببریم؟!

امام رضا علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: با حرکت دست‌ها به سمت بالا در هنگام تکبيرة الاحرام، اعلام می‌کنیم که در هنگام نماز هرکاری را که مربوط به غیر خداست، رها می‌کنیم (پشت سر می‌اندازیم) و با نهایت خضوع فقط به او توجه داریم.^۱

در روایت دیگری نقل شده است که جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد: برای هرچیزی زینتی است، و زینت نماز، بلند کردن دست‌ها در هر تکبیر است.^۲

خداوندا، به عظمت و جلال خودت، ما را از نمازگزاران واقعی قرار ده.

آمین، یا رب العالمین.

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۷۲۷.
 ۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۷۳ - ۳۷۴.

درس هشتاد و هفتم: اوج تواضع

به نام آن که ما را نام بخشید زبان را در فصاحت کام بخشید

دوستان، سلام.

برنامه امروز درباره آیه‌ای از قرآن کریم است که می‌فرماید: یا ایها الذین امنوا... .
جای خالی با یک کلمه‌ای پر می‌شود که از حروف زیر تشکیل شده است:

ک ا ر و ع ا

یک راهنمایی دیگر: این کلمه، یک فعل امری است که با الف شروع می‌شود و با الف پایان می‌یابد.

احسنت! "ارکعوا".

پس، آیه مورد نظر این است: "یا ایها الذین امنوا ارکعوا؛^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، رکوع کنید". بحث امروز ما هم درباره رکوع است که یکی دیگر از واجبات نماز می‌باشد.
"رکوع" یعنی اینکه نمازگزار در هر رکعت، پس از قرائت باید به اندازه‌ای خم شود که بتواند دست‌ها را بر روی زانو بگذارد و ذکر مخصوص آن را بگوید.^۲

۱. حج: ۷۷.

۲. رساله نه مرجع، م ۱۰۲۲.

دوستان من، واجبات رکوع پنج چیز است:

واجبات رکوع:

۱. خم شدن به مقداری که بیان شد.
 ۲. گفتن ذکر رکوع؛
 ۳. آرامش بدن در حال گفتن ذکر؛
 ۴. ایستادن بعد از رکوع؛
 ۵. آرامش بدن پس از رکوع.^۱
- درضمن مستحب است که نمازگزار در حال رکوع بین دو قدم خود (روی زمین) را نگاه کند. همچنین پیش از رفتن به رکوع درحالی که ایستاده است تکبیر بگوید و بعد از رکوع هنگامی که ایستاد و بدن آرام گرفت بگوید "سمع الله لمن حمده".^۲
- ذکر رکوع بنابر احتیاط واجب عبارت است از سه مرتبه "سبحان الله" و یا یک مرتبه "سبحان ربی العظیم وبحمده".^۳
- دوستان من، جلسه امروز را با مسابقه نماز به پایان می‌رسانیم.
- کسانی که داوطلب هستند باید اعمال نماز را به‌درستی و با سرعت انجام دهند؛ مثلاً وقتی که می‌گوییم "نیت"، بدون حرکت بایستند؛ وقتی که می‌گوییم "تکبیر"، دست‌ها را تا کنار گوش‌ها بالا بیاورند؛ وقتی که می‌گوییم "قنوت"، دست‌ها را به حالت قنوت جلوی صورت بگیرند و وقتی می‌گوییم "رکوع"، به حالت رکوع درآیند و... هرکس اشتباه کند، از مسابقه حذف می‌شود و در آخر یک نفر برنده مسابقه است.^۴
- بارالها، تمام مریض‌ها را شفا عنایت فرما.

آمین، یا رب العالمین.

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۶۴.

۲. رساله نه مرجع، م ۱۰۲۹، ۱۰۴۳.

۳. رساله نه مرجع، م ۱۰۲۸.

۴. مربی باید هنگام گفتن رکوع، قنوت، تکبیر و یا نیت خودش حرکت را اشتباه انجام بدهد تا دقت و حواس جمعی بچه‌ها را آزمایش کند؛ زیرا هدف مسابقه ایجاد نشاط و شادی و همچنین تمرین دقت و تمرکز حواس است.

درس هشتاد و هشتم:

نهایت بندگی (۱)

به نام آن که هستی را رقم زد نشان خویش بر لوح و قلم زد

بچه‌ها، سلام.

امیدوارم حال همگی خوب باشد و آماده باشید تا برنامه امروز را با یک سؤال شروع کنیم. آیا می‌دانید که بنده خدا در چه حالی به خدا نزدیک‌تر است؟ حالتی که یکی از واجبات نماز هم هست.

بله؛ "سجده".

امام رضا علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: نزدیک‌ترین حال بنده به خدای عزوجل زمانی است که در حال سجده باشد.^۱

شاید برای همین است که یکی از مستحبات سجده، طولانی بودن آن است. همان‌طور که می‌دانید کیفیت سجده چنین است که نمازگزار، پیشانی، کف دو دست، سر زانوهای و سر دو انگشت بزرگ پاها (شست) را بر روی زمین می‌گذارد و ذکر مخصوص آن را می‌خواند.^۲ نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، بعد از هر رکوع دو سجده به جا آورد.^۳

به تصویر زیر دقت کنید:

۱. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۸۲۷۳.

۲. همان، ج ۸۲۷۹.

۳. رساله نه مرجع، م ۱۰۴۵.



در سجده واجب است:

۱. پیشانی؛

۲ و ۳. کف دو دست؛

۴ و ۵. سر دو زانو؛

۶ و ۷. سرانگشت بزرگ هر دو پا؛

یعنی هفت عضو بدن روی زمین قرار بگیرد.

و همان‌طور که اشاره شد یکی از واجبات دیگر سجده، خواندن ذکر است که عبارت است از:

"سبحان ربی الاعلیٰ وبحمده" و یا سه مرتبه "سبحان الله".

همچنین در خواندن ذکر سجده باید نکات زیر را رعایت کرد:

۱. ذکر، به عربی صحیح گفته شود؛

۲. بدن آرامش داشته باشد؛

۳. هر هفت عضو بدن در هنگام ذکر بر روی زمین باشد.

بارالها، ما را در راه تحصیل علم و معرفت موفق بدار.

آمین، یا رب العالمین.

درس هشتادونهم:

نهایت بندگی (۲)

به نام آن که نامش حرز جانهاست ثنایش جوهر تیغ زبانهاست

دوستان عزیز، سلام.

بحث امروز ما، تکمیل بحث دیروز درباره سجده است.

شخصی از امام علی علیه السلام پرسید: چرا باید در هر رکعت نماز دو بار به سجده برویم درحالی که رکوع را فقط یک بار انجام می دهیم؟ حضرت فرمود: معنای سجده اول این است که پروردگارا، من در آغاز از این خاک بودم؛ هنگامی که سر برمی داری؛ معنایش این است که مرا از این خاک بیرون آوردی، و معنای سجده دوم این است که مرا به این خاک بازمی گردانی؛ هنگامی که سر برمی داری؛ معنایش این است که تو بار دیگر در روز قیامت مرا از خاک برمی انگیزی.^۱

حالا یکی از دانش آموزان واجبات سجده را که در جلسه قبل توضیح دادیم برای ما تکرار کند. آفرین!

اما باید بدانیم که سجده واجبات دیگری هم دارد که عبارت اند از:

۱. سر برداشتن و نشستن و آرامش بین دو سجده؛
۲. مسطح بودن مکان سجده (پست و بلند نبودن مکان سجده)؛
۳. موالات بین دو سجده، یعنی فاصله نینداختن بین دو سجده؛
۴. پاک بودن جایی که پیشانی قرار می گیرد.

گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است (در این مورد در جلسه آینده صحبت خواهد شد).

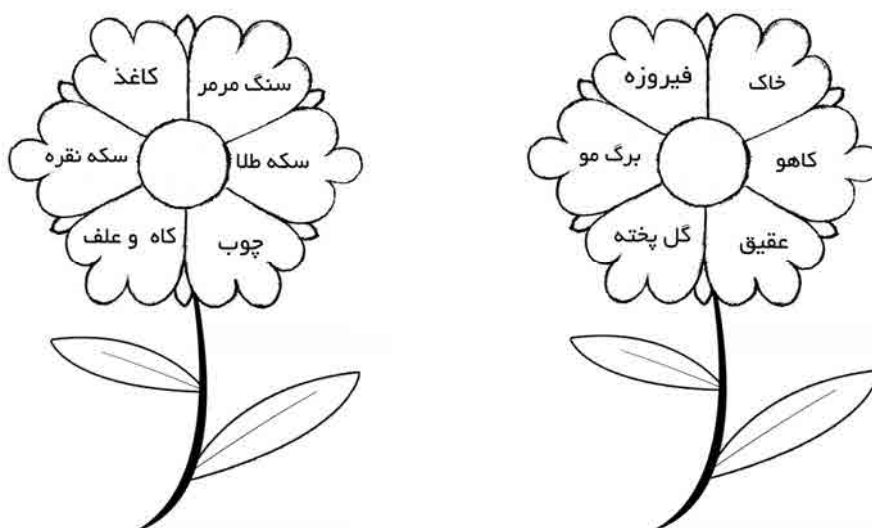
جلسه امروز را با حکایتی کوتاه تمام می‌کنیم. نقل شده است که روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بودند که مردی وارد، و مشغول نماز شد. او آن قدر سریع نماز می‌خواند که رکوع و سجودش مانند نوک زدن پرندگان به زمین بود! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر این مرد درحالی که نمازش این گونه است از دنیا برود، به دین من از دنیا نرفته است! بارالها، ما را از وسوسه‌های شیطان دور و محفوظ بدار.

آمین، یا رب العالمین.

درس نودم: سجده گاه

به نام خداوند دل‌های پاک نمایان‌گر آدم از آب و خاک

سلام! دوستان. به این دو گل توجه کنید و بگویید که بحث امروز ما درباره چیست؟



بله؛ درباره چیزهایی که می‌توان بر آنها سجده کرد!
حالا می‌خواهیم با کمک یکدیگر، ایراداتی را که در این دو گل دیده می‌شود برطرف
کنیم. به این منظور به قواعد زیر درخصوص ویژگی‌های محل سجده توجه کنید:

۱. سجده بر چیزهایی که از زمین می‌رویند، اگر خوراکی و پوشاکی باشند جایز نیست؛^۱ ولی اگر غیرخوراکی و پوشاکی باشند سجده بر آنها جایز است؛
 ۲. سجده بر چیزهای معدنی به غیر از انواع سنگ جایز نیست.
- خوب، حالا با توجه به این دو قاعده، اشیای قابل سجده را از اشیای غیرقابل سجده جدا می‌کنیم.



چیزهایی که سجده بر آن صحیح است



چیزهایی که سجده بر آن صحیح نیست

اما از اینها که بگذریم همان‌طور که می‌دانید بهترین چیز برای سجده کردن، تربت سیدالشهدا علیه السلام است.

خوب، حالا یک سؤال: اگر در زمانی که مشغول خواندن نماز هستیم، برادر یا خواهر کوچکمان مهر ما را برداشت و رفت، چه باید بکنیم؟!

جواب: اگر جای‌گزین مناسبی (مثل سنگ، خاک، چوب) پیدا کردیم که بر روی آن سجده می‌کنیم، و درغیراین‌صورت، اگر وقت داشته باشیم می‌توانیم نماز را قطع کرده،

۱ رساله نه مرجع / م ۱۰۷۶، ۱۰۷۸.

مهر تهیه کنیم،^۱ و اگر وقت نداشته باشیم، بر لباس^۲ و یا بر پشت دستمان سجده می‌کنیم.^۳

نکته آخر اینکه مهر نماز نباید از اندازه یک بند انگشت سبابه (اشاره) کوچک‌تر باشد. بارالها، توفیق بندگی و تلاش در راه خودت را به همه ما عنایت فرما. آمین، یا رب العالمین.

۱. رساله نه مرجع، م ۱۰۸۷.

۲. سجده بر لباسی که از جنس کتان یا پنبه باشد، مقدم است.

۳. رساله نه مرجع، م ۱۰۸۷ - ۱۰۸۴ (در این بحث اختلاف فتوی است که برخی از مراجع بقیه اشیا را مقدم بر سجده بر دست می‌دانند).

درس نودویکم: وَيْلٌ

خداوندا توویی پروردگارم همه از توست یا رب هرچه دارم

دوستان، سلام. امیدوارم که همیشه خوب و سالم و سلامت باشید.

عزیزان به این عبارت‌ها دقت کنید:

وَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ ^۱	وای بر مشرکان!
وَيْلٌ لِّلْكَافِرِينَ ^۲	وای بر کافران!
وَيْلٌ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ^۳	وای بر هر دروغ‌گوی گناهکار!
وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ ^۴	وای بر کم‌فروشان!
وَيْلٌ لِّیَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ^۵	وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان!
وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ^۶	وای بر هر عیب‌جوی مسخره‌کننده!

تمام افرادی که نامشان در این آیات آمده، مستحق "ویل" هستند، که چاهی است در جهنم!

اما می‌دانید که خداوند در قرآن کریم به نمازگزاران هم می‌فرماید: وَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ؟! اما چرا؟!

برای اینکه به جواب این سؤال دست پیدا کنیم، به این داستان توجه کنید:

روزی شخصی به شیطان گفت: لعنت بر تو باد! و شیطان فقط لبخند زد! مرد پرسید: چرا

می‌خندی؟ شیطان پاسخ داد: از حماقت تو خنده‌ام می‌گیرد! آن شخص پرسید: مگر من چه کرده‌ام؟

۱. فصلت: ۶.

۲. ابراهیم: ۲.

۳. جاثیه: ۷.

۴. مطففین، ۱.

۵. مرسلات: آیات مختلف.

۶. همزه: ۱.

شیطان گفت: مرا لعنت می‌کنی درحالی که هیچ بدی‌ای در حق تو نکرده‌ام! مرد با تعجب پرسید: پس چه کسی باعث می‌شود که در پیمودن راه راست ناتوانم و پشت سر هم زمین می‌خورم؟! شیطان جواب داد: نفس تو مانند اسبی است که آن را رام نکرده‌ای. نفس تو هنوز وحشی است و به همین دلیل تو را زمین می‌زند.

آن شخص پرسید: پس تو چه کاره‌ای؟ شیطان گفت: هر وقت سواری آموختی، برای رم دادن اسب تو خواهم آمد! فعلاً برو و سواری کردن بیاموز.^۱

دوستان من، افرادی هم که نماز نمی‌خوانند و با خدا ارتباط ندارند، به سبب دوری از رحمت خدا به زمین می‌خورند؛ زیرا قرآن می‌فرماید: "وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ دِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا"^۲ کسی که از یاد خدا دور شود به تیره‌بختی گرفتار خواهد شد."

حالا سؤال این است که چرا افراد نمازگزار هم گاهی زمین می‌خورند و گرفتار گناه می‌شوند؟

جواب را از همان داستان می‌توانیم بفهمیم. کسی که راه ارتباط با خداوند را پیدا کرده و روزی پنج بار با او راز و نیاز می‌کند، تازه شیطان را به طمع می‌اندازد که این ارتباط را قطع کند و به قول خودش اسب رام و راهوار نفس آدمی را رم دهد! به همین دلیل در آیات بعد، خداوند به نمازگزاران هشدار داده است که گرفتار سهل‌انگاری در نماز نشوند.

حتماً شما هم می‌دانید که مستحب است در آغاز هر کاری؛ مخصوصاً در ابتدای نماز و قبل از گفتن "بسم الله الرحمن الرحيم"، با گفتن "اعوذ بالله من الشيطان الرجيم" از شر شیطان به خداوند بزرگ پناه ببریم و توجه داشته باشیم که وسوسه شیطان برای اهل تقوی و نمازگزاران بیشتر است!

خداوند، ما را از شر شیطان و وسوسه‌های او در امان بدار.

آمین، یا رب العالمین.

۱. امیررضا آرمیون، من، منم؟! ج ۱، ص ۱۵۰ و ۱۵۱.

۲. طه: ۱۲۴.

درس نودودوم: مادر قرآن

آغاز هر کلامی، حمد خدای یکتا همواره می‌برم من، نام مقدسش را

دوستان عزیز، سلام. ان شاء الله که خوب و خرم و شاد باشید.

چه کسی می‌داند مادر سوره‌های قرآن کدام سوره است؟
بله؛ "سوره حمد".

حالا من این سوره را تلاوت می‌کنم و شما هم بعد از من آیات را تکرار کنید.

حتماً می‌دانید که به خواندن حمد و سوره در نماز "قرائت" می‌گویند.

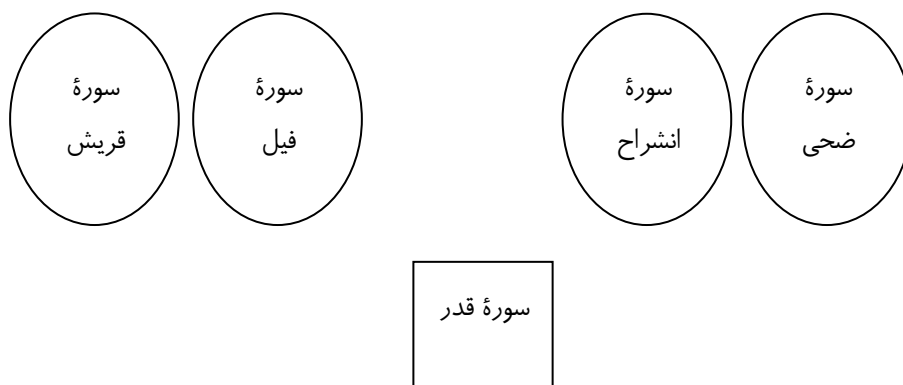
"قرائت" که از واجبات نماز است در رکعت اول و دوم به خواندن حمد و یک سوره دیگر (مثل سوره توحید) اختصاص دارد^۱ و در رکعت سوم و چهارم با سه بار خواندن "تسبیحات اربعه" یعنی "سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر" انجام می‌شود؛ البته یک مرتبه خواندن هم کافی است.^۲

بچه‌ها، آیا می‌دانید که به جای تسبیحات اربعه می‌توانیم سوره حمد را بخوانیم؟! فقط باید بدانید که بنابر احتیاط واجب باید "بسم الله الرحمن الرحيم" آن را نیز آهسته بگوییم.^۳
دوستان من، چه کسی می‌داند سوره‌هایی که نامشان را روی تخته می‌نویسم، چه ربطی به موضوع بحث ما دارند؟

۱. رساله نه مرجع، م ۹۷۸.

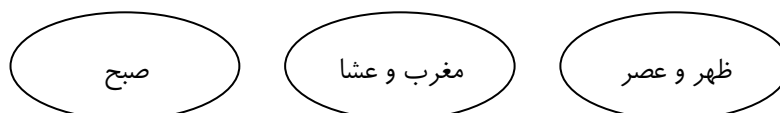
۲. همان، م ۱۰۰۵.

۳. همان، م ۱۰۰۸.



ربطش این است که اگر بخواهیم به جای سورة توحید، این سوره‌ها را بخوانیم باید دوبه‌دو با هم بخوانیم؛ یعنی سوره‌های ضحی و انشراح را با هم، و سوره‌های فیل و قریش را نیز با هم بخوانیم، چون این سوره‌ها دوبه‌دو حکم یک سوره را دارند.^۱ اما درباره سورة قدر باید گفت که مستحب است در تمام نمازها در رکعت اول بعد از حمد، سوره قدر را بخوانیم. همان‌طور که مستحب است در رکعت دوم همه نمازها بعد از حمد، سورة توحید را بخوانیم.^۲ حالا به احکام قرائت توجه کنید:

در رکعت سوم و چهارم نماز، حمد یا تسبیحات باید آهسته خوانده شود؛ ولی حکم حمد و سوره در رکعت اول و دوم نماز به این صورت است:



مرد	آهسته	بلند	بلند
زن	آهسته	اگر نامحرم صدای او را نمی‌شنود می‌تواند بلند بخواند.	

بارالها، ما را شکرگزار تمام نعماتی که به ما عطا کرده‌ای، قرار بده.

آمین، یا رب العالمین.

۱. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۶۵.

۲. رساله نه مرجع، م ۱۰۱۸.

درس نودوسوم:

یاد او

فکر می‌کنم بدون یاد تو قلب‌ها سیاه و زشت می‌شوند
در دلم همیشه ذکر خیر توست با تو خانه‌ها بهشت می‌شوند

سلام علیکم. امیدوارم که همه شما سالم و سرحال باشید.

برنامه امروز را با یک جدول کوچک شروع می‌کنیم. آماده‌اید؟

۱. سوره‌ای که به عروس قرآن شهرت دارد و یکی از آیات آن ۳۱ بار تکرار شده است: الرحمن

۲. از سوره‌های کوچک قرآن که در آن خداوند به پیامبر ﷺ فرمان برائت ازخدایان مشرکان و عقاید باطل آنها را می‌دهد: کافرون

۳. نام سوره‌ای به معنای "پراکنده‌کنندگان" که با سوگند به فرشتگان دارای این صفت، یا بادهایی که گرد و خاک و یا ابرها را می‌پراکنند، شروع می‌شود: ذاریات

						۱
						۲
						۳

۱. جواد محدثی، آشنایی با سوره‌ها، ص ۱۰۵.

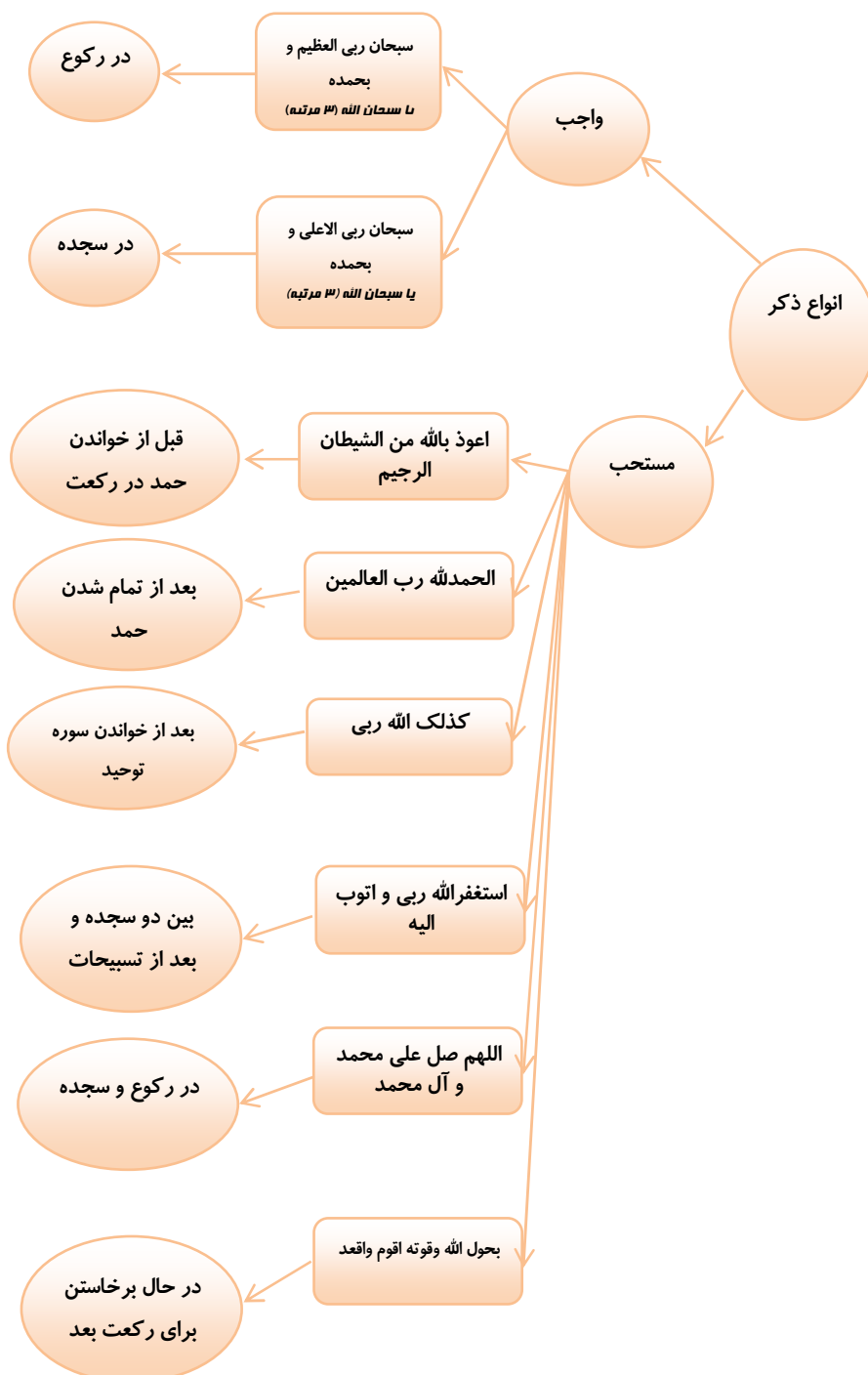
۲. همان، ص ۶۶.

حالا اگر ستون اول عمودی جدول را از پایین به بالا بخوانیم کلمه "ذکر" به دست می‌آید که یکی دیگر از واجبات نماز است.

عزیزان من، "ذکر" به معنای یاد کردن است، و در اصطلاح احکام هر عبارتی را گویند که دربردارنده یاد خداوند متعال باشد؛ مانند "الله اکبر" و "الحمد لله" و از آنجاکه در ذکر، خداوند با الفاظ و عبارات خاص یاد می‌شود، به آن ذکر می‌گویند.^۱

۱. استفتائات آیت الله بهجت رحمته الله، ج ۲، س ۱۹۰۴.

حالا به این نوشته‌ها توجه کنید تا با انواع "ذکر" آشنا شوید:



دوستان من، حالا به واجبات ذکر توجه کنید:

۱. ذکر را باید به گونه‌ای بگوییم که خودمان بشنویم؛^۱
 ۲. ذکر را باید به دنبال هم و به عربی صحیح بگوییم؛^۲
 ۳. ذکر را باید در حال آرامش بدن بگوییم؛ مگر ذکر "بحول الله وقوته اقوم و اقعد"^۳ که در حال برخاستن برای شروع رکعت جدید گفته می‌شود.
- بچه‌های عزیز، اگر نمازگزار در زمانی موقعی که ذکر واجب (مانند ذکر سجده و رکوع) را می‌گوید، بی‌اختیار به قدری حرکت کند که بدن از حال آرامش خارج شود، باید بعد از آرام گرفتن بدن، دوباره ذکر را بگوید؛ ولی حرکتهای ناچیز و اندکی که بدن را از حال آرامش خارج نکند؛ مانند حرکت دادن انگشتان دست و یا مشت کردن دست‌ها، در نماز اشکال ندارد.^۴

برنامه امروز با بهترین ذکر، یعنی صلوات بر محمد و آل محمد پایان می‌دهیم.

خداوندا، قلب امام زمان (عج) را از همه ما خشنود بگردان.

آمین، یا رب العالمین.

۱. رساله نه مرجع، م ۹۵۲.

۲. همان، م ۹۴۸.

۳. همان، م ۹۶۵ و ۹۶۶.

۴. همان، م ۱۰۳۱.

درس نود و چهارم: شهادتین نماز

به نام آن که گل را رنگ و بو داد ز شبنم لاله‌ها را آبرو داد

سلامی چو بوی خوش آشنایی به شما دوستان عزیز، امیدوارم که سر حال و بانشاط
آماده اجرای برنامه امروز باشید.

برنامه امروز را با یک بازی شروع می‌کنیم؛ بازی با کلمات!^۱

۱. دهمین حرف الفبای فارسی: **د**
۲. برای مهار آب ساخته می‌شود: **سد**
۳. بالا آمدن آب دریا: **مد**
۴. خوب نیست: **بد**
۵. پدرِ پدر بزرگ: **جد**
۶. ضربه سر به توپ: **هد**
۷. قبل از پیش‌دبستانی: **مهد**
۸. کوشش و تلاش: **جهد**
۹. غذای زنبور عسل: **شهد**
۱۰. شهر امام رضا علیه السلام: **مشهد**
۱۱. یکی از واجبات نماز: **تشهد**

"تشهد" در لغت به معنای گفتن شهادتین است و در نماز یعنی گفتن شهادتین و صلوات
با ترتیب و کیفیت خاص.

۱. در بازی با کلمات، مربی، تخته پاک کن را در دست می‌گیرد و دائماً حروف را پاک کرده، حروف جدید را جای‌گزین می‌کند.

نمازگزار باید در رکعت دوم تمام نمازهای واجب و رکعت سوم نماز مغرب و رکعت چهارم نمازهای ظهر و عصر و عشا، بعد از سجده دوم بنشیند و پس از آنکه بدنش آرام گرفت، ذکر تشهد را بگوید.^۱

دوستان من، واجبات تشهد هفت مورد است:

۱. گفتن شهادتین؛ یعنی "اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله"؛
۲. صلوات بر محمد و آل محمد؛
۳. نشستن به اندازه کلمات تشهد؛
۴. آرامش بدن در حال گفتن کلمات تشهد؛
۵. خواندن کلمات تشهد به زبان عربی صحیح؛
۶. ترتیب؛
۷. موالات.

خوب، حالا چه کسی می‌تواند این کلمه را به شکل صحیح بخواند: "تَوَرُّک".
بله؛ "تَوَرُّک".

تورک یکی از مستحبات تشهد است؛ بدین معنا که نمازگزار هنگام تشهد، روی ران پای چپ بنشیند و پای راست را بر کف پای چپ بگذارد.
به علاوه مستحب است در هنگام تشهد نگاهمان به طرف زانوهایمان باشد تا حواسمان پرت نشود.

بارالها، در فرج امام زمان علیه السلام تعجیل بفرما.

آمین، یا رب العالمین.

درس نود و پنجم: پایان زیبا

در ابتدای کارم، نام تو را بیارم باشد که خوب گردد، پایان این بهارم

سلام خدمت تک تک شما عزیزان. ان شاء الله که همیشه خوب و سلامت باشید.
خوب، موضوع بحث امروز ما را حدس بزنید!



نه؛ این یک شماره تلفن نیست؛ بلکه یک اسم است!

بله؛ "سلام". علیک سلام!

نه؛ موضوع امروز ما یکی از واجبات نماز، یعنی سلام آخر نماز است.

راستی، شما می دانید که "سلام" نام کیست؟

بله؛ "سلام" یکی از نام های خداوند است.

دوستان من، همان طور که می دانید هر وقت دو نفر به هم می رسند و یا کسی وارد مکانی

می شود، در بدو ورود "سلام" می کند؛ اما چرا ما در آخر نماز سلام می کنیم؟!

علت این است: چون سخن گفتن ما با ورود به نماز حرام می‌شود و در طی نماز تمام توجه ما به خداست، در انتهای نماز با گفتن "سلام" از نماز فارغ شده، با دیگران ارتباط برقرار می‌کنیم.^۱

از امام صادق علیه السلام سؤال شد چرا در نماز "سلام" واجب است؟ حضرت فرمود: زیرا به سبب "سلام" آنچه که در نماز حرام بوده، بر نمازگزار حلال می‌شود.^۲ وقتی که نمازگزار با چهره‌ای شاداب و قلبی صاف و نورانی و به‌دور از کینه و حسادت، با یک دنیا صمیمیت، نمازش را به‌پایان می‌برد اول به گل سرسبد هستی، یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سلام می‌دهد و سپس به تمام بندگان شایسته خدا و در پایان بر فرشتگان، تمام نمازگزاران، مؤمنان و سایر مردم.

البته گفتن همه این سلام‌ها واجب نیست؛ بلکه فقط قسمت سوم واجب است؛ یعنی "السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته".^۳

اما واجبات دیگر سلام نماز عبارت‌اند از:

۱. نشستن به‌اندازه گفتن عبارت سلام بعد از تشهد؛

۲. آرامش بدن در حال گفتن عبارت سلام؛

۳. خواندن عبارت سلام به زبان عربی صحیح؛

۴. ترتیب؛

۵. موالات.^۴

خداوندا، توفیق زیارت حرم ائمه معصوم علیهم السلام را به همه ما عنایت فرما.

آمین، یا رب العالمین.

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۱۷.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۲۸۱.

۳. رساله نه مرجع، م ۱۱۰۵.

۴. همان.

درس نودوششم: کارخانه شیر تو شیر

به نام خوب خدا، خدای آسمان‌ها خدای دشت و صحرا، خدای کل دنیا

سلام و درود خدمت شما دانش‌آموزان درس‌خوان، باادب و نمازخوان!
عزیزان من، اگر یک کارخانه لبنیات (شیر) را در نظر بگیریم، روال کار به‌طور خلاصه چنین است که ابتدا شیر را در کارخانه، پاستوریزه می‌کنند؛ سپس بطری‌ها روی ریل مخصوص قرار گرفته، توسط دستگاه یکی‌یکی از شیر پر می‌شود و هرکدام به‌ترتیب پلمپ شده، پس از آن برچسب می‌خورد و بسته‌بندی می‌گردد.



حالا تصور کنید که این کارها به‌ترتیب انجام نشوند؛ دراین‌صورت چه اتفاقی می‌افتد؟! واضح است که همه‌چیز به‌هم می‌ریزد و هدف کارخانه که تولید و توزیع شیر پاستوریزه است، حاصل نمی‌شود!

خوب، از این مثال چه نتیجه‌ای می‌گیریم؟
بله؛ "نظم و ترتیب".

نظم و ترتیب در هر کاری مهم است و ازجمله یکی از ضروریات و واجبات نماز هم هست.

"ترتیب" در لغت یعنی هرچیزی را در رتبه و جای خود قرار دادن و در نماز نیز همان معنا را دارد؛ یعنی به‌جا آوردن هریک از اجزای نماز در رتبه و محل خاص خود.

دوستان من، نمازگزار باید کارهای نماز را به‌ترتیب انجام دهد و هریک از اجزای آن را در جای خود به‌جا آورد. پس اگر ازروی عمد و با اختیار این ترتیب را به‌هم زند، برای مثال سجده را پیش از رکوع به‌جا آورد، نمازش باطل است.^۱

حالا دوباره همان کارخانه شیر را در نظر بگیرید؛ اگر سرعت کار به‌صورتی باشد که یک بطری شیر را پر کند و بطری دیگر را یک ساعت بعد پر کند، چه خواهد شد؟! بله؛ به‌جای اینکه آن کارخانه در شبانه‌روز هزاران بطری شیر روانه بازار کند، فقط ۲۴ بطری را روانه بازار خواهد کرد! بنابراین بدیهی است که کارخانه اگر بخواهد از آن همه سرمایه‌گذاری که کرده، سود منطقی ببرد باید به‌طور مستمر و پیوسته کار کند.

پیوستگی و استمرار کار را "موالات" می‌گویند که یکی از واجبات نماز هم هست و به‌این‌معناست که کارهای نماز مانند رکوع، سجده، تشهد را باید پشت سرهم و یک‌سره به‌جا آورد. بنابراین اگر نمازگزار به‌قدری بین اجزا نماز فاصله بیندازد که از صورت و شکل نماز خارج شود و دیگر نتوان گفت که نماز می‌خواند، نمازش باطل است.^۲

حالا برای اینکه درس‌های مربوط به ترتیب و موالات نماز را با هم مرور کنیم، یک مسابقه اجرا می‌کنیم؛ به‌این‌صورت که تعدادی داوطلب در کنار هم می‌ایستند و نفر اول باید اولین واجب نماز را نام ببرد، نفر دوم دومین واجب را، سومین نفر سومین واجب را و همین‌طور الی آخر. اگر کسی مکث کند (یعنی موالات را رعایت نکند) و یا جابه‌جا بگوید،

۱. رساله نه مرجع، م ۱۱۰۸.

۲. همان، م ۱۱۱۴.

(یعنی ترتیب را رعایت نکند) از مسابقه حذف می‌شود و مسابقه تاجایی که فقط یک نفر باقی بماند ادامه پیدا می‌کند.
 خداوندا، در ظهور حجت حضرت ولی عصر علیه السلام تعجیل بفرما.
 آمین، یا رب العالمین.

بخش هشتم

آداب بعد از نماز

درس نود و هفتم: دعای نماز

به نام خداوند مشکل گشا	خداوند خاک و نماز و دعا
دوست دارم خوب باشم	صاف و ساده مثل آب
مثل خورشیدی که دارد	نور گرم آفتاب
دوست دارم پاک باشم	بهتر از گل‌های ناز
صورت‌م شب‌نم بگیرد	صبح‌ها وقت نماز
دوست دارم دوست باشم	با خدای مهربان
دست‌هایم را بگیرم	رو به‌سوی آسمان

سلام؛ سلامی به گرمی آفتاب به شما دوستان خوب و شاداب.
آیا می‌توانید حدس بزنید بحث امروز ما دربارهٔ کدام‌یک از بخش‌های نماز است؟
اگر به آخرین بیت شعری که خواندیم توجه کنید، می‌توانید حدس بزنید.
دست‌هایم را بگیرم رو به‌سوی آسمان
آفرین! بحث این جلسه دربارهٔ "قنوت" است.
قنوت از مستحبات نماز است و بنابراین اگر نمازگزار آن را به‌جا نیاورد، نمازش صحیح است.

حالا به خاطرهٔ یکی از دوستانم گوش کنید:
"مدتی در دانشگاه بین‌المللی‌ای درس می‌خواندم که از هر ملیتی، دانشجویی در آنجا بود. قنوت نمازها را فراموش نمی‌کنم؛ خیلی بامزه بود! قبل و بعد از قنوت همهٔ ذکرها عربی بود؛ ولی نوبت قنوت که می‌شد، یکی فارسی، یکی آذری، یکی انگلیسی، یکی ژاپنی و... عجب خدای باحالی!"

بچه‌ها، از این خاطرهٔ کوتاه چه نتیجه‌ای می‌گیرید؟

بله؛ در نمازهای واجب، تنها جایی که می‌توان به زبان فارسی یا به هر زبان دیگری حرف زد، "قنوت" است.^۱

از آنجاکه در قنوت، حوائج خود را از خدای متعال درخواست می‌کنیم، خدای مهربان به ما اجازه داده است که با هر زبانی که خواستیم، نیازهایمان را از او تقاضا کنیم.

دوستان من، حالا چند سؤال مطرح می‌کنم تا به آنها پاسخ دهید:

۱. کدام نماز است که نه قنوت دارد؟ بله؛ نماز عید فطر و قربان؛ در رکعت اول پنج قنوت و در رکعت دوم چهار قنوت.

۲. کدام نماز است که پنج قنوت دارد؟ بله؛ نماز آیات. اگر در نماز آیات به‌جای اینکه یک سوره را پنج قسمت کنیم، در هر رکعت پنج بار حمد و سوره را بخوانیم مستحب است بعد از هر حمد و سوره یک قنوت بخوانیم.

۳. کدام نماز است که دو قنوت دارد؟ بله؛ نماز جمعه، که در هر رکعت یک قنوت دارد، و قنوت رکعت دوم بعد از رکوع می‌باشد.

۴. کدام نماز است که یک قنوت دارد؟ بله؛ تمام نمازهای یومیه.^۲

۵. کدام نماز است که قنوت ندارد؟ بله؛ نماز میت.

عزیزان من، در رساله‌ها آمده است که اگر کسی بخواهد قنوت بخواند بنابر احتیاط واجب باید دست‌ها را بلند کند، و مستحب است دست‌ها را تا مقابل صورت بلند نماید و کف دست‌ها را رو به آسمان بگیرد؛ انگشت‌ها را به‌جز انگشت شست به‌هم بچسباند و دو کف دست را از پهلوی متصل به‌هم قرار دهد و نگاهش هنگام قنوت به کف دست‌هایش باشد.^۳

خدایا، لذت مناجات خود را به ما بچشان.

آمین، یا رب العالمین.

۱. رساله امام خمینی رحمته الله علیه، م ۴۸۸ (فتوای امام مراجع به‌جز آیت‌الله مکارم).

۲. رساله نه مرجع، م ۱۱۱۷.

۳. همان، م ۱۱۱۸.

درس نود و هشتم:

شکر نماز

به نام خداوند رنگین کمان خداوند بخشندهٔ مهربان
خداوند صمیمی، خداوند سلام خدای غزل، قصه ناتمام

دوستان، سلام. حالتان چطور است؟

حالا که شکر خدا خوب و سر حال هستید، بیایید تا با کمک هم این جدول را حل کنیم.

۱. از نام‌های خداوند به معنای داری علو و برتری: علی ۲. کلام دم‌بریده: کلا

۳. شب عربی: لیل ۴. صبر و بردباری: حلم

۵. ریشهٔ هر چیز: اصل ۶. علم بدون آن منفعتی ندارد: عمل

۷. به فرمودهٔ قرآن، چنین افرادی نباید به نماز نزدیک شوند: مست

۸. آیهٔ شریفهٔ انا فتحا لك فتحاً مبیناً در ابتدای این سوره است: فتح

۹. تنها حشرهٔ حلال گوشت: ملخ

۱۰. از صفات خدا به معنای بی‌نیاز: صمد

			۱۳	
				۱۲
			۱۱	
				۱۰
			۹	
				۸
			۷	
				۶
			۵	
				۴
			۳	
				۲
			۱	

خوب، رمز جدول چیست؟

بله؛ "عالم آل محمد عليه السلام".

حالا چه کسی می‌داند که "عالم آل محمد عليه السلام" کیست؟

احسنت! امام هشتم، حضرت علی بن موسی الرضا عليه السلام.

امام کاظم عليه السلام می‌فرماید: من مکرر از پدرم امام صادق عليه السلام شنیدم که فرمود: به‌درستی که عالم آل محمد عليه السلام از فرزندان توست و ای کاش می‌شد که من نیز او را درک می‌کردم؛ او همانم امیرالمؤمنان عليه السلام است.^۱

امام رضا عليه السلام همواره پس از نماز صبح، به سجده می‌رفت و تا زمان طلوع خورشید سر از سجده برنمی‌داشت. آن حضرت می‌فرمود: سجده کردن پس از نماز واجب، سپاسگزاری به درگاه خداست، در برابر توفیقی که برای ادای فریضه نماز به بنده عطا شده است.

عالم آل محمد عليه السلام، حضرت رضا عليه السلام می‌فرماید: کوتاه‌ترین ذکر که در سجده شکر کافی است، گفتن سه بار ذکر "شکراً لله" است و مایه فزونی (توفیق و رحمت و برکت) است. پس در این صورت، اگر نماز نقص و کمبودی داشته باشد که با نمازهای نافله کامل نشود با این سجده شکر کامل می‌شود.^۲

پس بهتر است که از این به بعد ما نیز برای اینکه نواقص و کمبودهای احتمالی نمازهایمان برطرف شود، بعد از نماز سر به سجده بگذاریم و شکر توفیق بندگی و انجام نمازهای روزانه را با ذکر "شکراً لله" به جا آوریم.

پروردگارا، توفیق انجام سجده شکر بعد از نماز را به همه ما عنایت فرما.

آمین، یا رب العالمین.

۱. شیخ عباس قمی، انوار البهیة، ص ۳۶۹.

۲. حسن واعظ قمشه‌ای، درة البیضاء، ص ۶۷.

درس نودونهم: قدردانی

به نام خدای گل و لاله‌ها به نام خدای شما بچه‌ها
تو را دوست داریم با جان و دل به اندازه آسمان، ای خدا

سلام به شما نمازگزاران گرامی. امیدوارم که خوب و خوش و سلامت باشید. دوستان خوبم، یکی از شیطنتهای بعضی از بچه‌ها این است که زنگ خانه‌ای را می‌زنند و سپس فرار می‌کنند! متأسفانه آنها توجه ندارند که این کار نوعی مردم‌آزاری و گناه محسوب می‌شود و حتماً باعث ناراحتی صاحب‌خانه می‌گردد. برخی از نمازگزاران هم همین‌طورند! یعنی با نماز خواندن درواقع در خانه خدا را می‌زنند، ولی سپس فرار می‌کنند! چطور؟! این‌طور که بلافاصله بعد از تمام شدن نماز، بدون آنکه دعایی کنند از جا برمی‌خیزند و می‌روند! خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ای پیامبر، هنگامی که بندگان من، از تو درباره من سؤال می‌کنند، بگو من نزدیکم و دعای دعاکننده را هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم.^۱ لذا یکی از مستحبات بعد از نماز چیست؟

تَعْقِیَّات

بله؛ "تعقیبات نماز".

همان طور که می‌دانید شیخ عباس قمی در کتاب مفاتیح الجنان برای هر نماز، دعای کوتاهی آورده است که با خواندن و توجه به ترجمه آن می‌توان به این سفارش مستحبی عمل کرد.

حتماً این را هم می‌دانید که یکی از مهم‌ترین تعقیبات همه نمازها، گفتن سه بار "الله اکبر" و همچنین تسبیحات حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است.^۱

حالا برای اینکه با عمل مستحب دیگری پس از تعقیبات آشنا شوید به این داستان توجه کنید:

روزی مردی خواب عجیبی دید. او دید که در نزد فرشتگان است و ناظر کارهای آنان است. ابتدا دسته بزرگی از فرشتگان را دید که سخت مشغول کارند و به سرعت نامه‌هایی را که توسط پیک‌ها از زمین می‌رسند، باز می‌کنند و داخل جعبه‌ای می‌گذارند. مرد از فرشته‌ها پرسید: شما چه کار می‌کنید؟ فرشته‌ای گفت: اینجا بخش "دریافت" است، و ما دعاها و درخواست‌های مردم را تحویل می‌گیریم. مرد سپس تعداد دیگری از فرشتگان را دید که کاغذهایی را داخل پاکت می‌گذارند و آنها را توسط پیک‌هایی به زمین می‌فرستند.

۱. رساله نه مرجع، م ۱۱۲۱.

مرد پرسید: شما چه کار می‌کنید؟ یکی از فرشتگان با عجله گفت: اینجا بخش "ارسال" است، و ما الطاف و رحمت‌های خداوند را برای بندگان به زمین می‌فرستیم.

مرد کمی جلوتر رفت و فرشته‌ای را دید که بیکار نشسته است! مرد با تعجب پرسید: تو چرا بیکار هستی؟! فرشته جواب داد: اینجا بخش "تصدیق جواب" است، و مردمی که دعاهایشان مستجاب شده باید جواب بفرستند؛ ولی فقط عده بسیار کمی این کار را می‌کنند. مرد از فرشته پرسید: مردم چگونه می‌توانند جواب بفرستند؟ فرشته پاسخ داد: بسیار ساده! فقط کافی است بگویند: "خدایا، شکر!"^۱

بله؛ عزیزان من؛ یکی از مستحبات پس از نماز سجده شکر است که در آن سه مرتبه یا یک مرتبه گفته می‌شود؛ "شکراً لله" یا "شکراً" و یا "عفواً". همچنین مستحب است که هرگاه نعمتی به انسان برسد و یا بلایی از او دور شود، سجده شکر به جا آورد.^۲

شکرِ نعمت، نعمت افزون کند کفر، نعمت از کفّت بیرون کند

خداوندا، ما را قدردان و شکرگزار نعمت‌های بزرگت قرار ده.

آمین، یا رب العالمین.

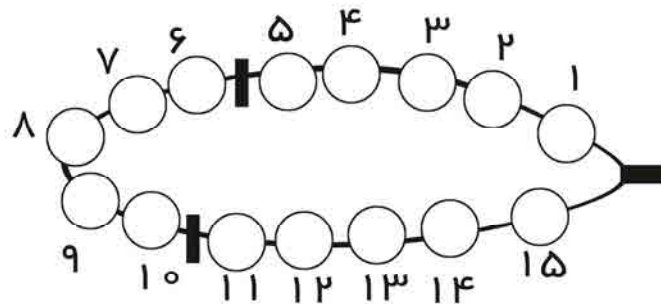
۱. امیررضا آرمیون، تو، تویی؟! ج ۱، ص ۵۷ و ۵۸.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، م ۱۱۲۳.

درس صدم: هدیه استثنایی

به نام آن که هستی نام از او یافت فلک جنبش، زمین آرام از او یافت

عزیزان! سلام. حالتان خوب است؟ ان شاء الله که همیشه سرحال و شاد باشید.



امروز یک جدول مدوّر داریم که باید سؤال‌های آن را در خانه‌های تعیین‌شده قرار دهید:

۱. نام دیگر عید قربان: اضحی ۱، ۷، ۱۱ و ۱۲

۲. سجده بر آن مستحب است: تربت ۹، ۶، ۱۳ و ۱۵

۳. وقت نماز صبح: سحر ۱۴، ۸ و ۲

۴. مانده نیست: تازه ۵، ۱۰، ۴ و ۳

خوب، حالا اگر حروف به‌دست‌آمده را از شماره پانزده تا شماره یک در کنار هم قرار

دهیم، رمز جدول مشخص می‌شود.

بله؛ "تسبیحات حضرت زهرا (علیها السلام)".

دوستان، همان طور که می دانید یکی از مهم ترین و معروف ترین تعقیبات نمازهای واجب، تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام است که عبارت است از: ۳۴ مرتبه الله اکبر، ۳۳ مرتبه الحمد لله و ۳۳ مرتبه سبحان الله.

امام صادق علیه السلام می فرماید: هر کس بعد از نماز واجب، تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را به جا آورد، تمام گناهانش آمرزیده می شود.^۱

در حدیث دیگری نیز امام باقر علیه السلام می فرماید: خداوند با هیچ مدح و ستایشی پرستش نشد که برتر از تسبیح فاطمه علیها السلام زهرا علیها السلام باشد، و اگر چیزی برتر از آن بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن را به حضرت فاطمه علیها السلام هدیه می کرد.^۲

دوستان من، حتماً شما هم داستان این هدیه را می دانید. امیرالمؤمنان علیه السلام این داستان را برای مردی از قبیله بنی سعد چنین تعریف می فرماید:

حضرت فاطمه علیها السلام زهرا علیها السلام با اینکه محبوب ترین مردم در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود، در خانه من چندان آب از چاه کشید که اثر بند مشک در بدن او نمایان بود و چندان آسیاب گردانید که دست های مبارک او آبله کرد و در اثر جارو کردن خانه و آتش افروختن زیر دیگ، لباس او خاک آلود و مندرس شد. سختی و مشقت چنان بر آن حضرت شدت گرفت که به او گفتم: ای فاطمه، خدمت پدرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برو و خادمه ای از او درخواست نما، تا تو را در کارها کمک نماید. فاطمه علیها السلام به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسید و چون بعضی از اصحاب در نزد آن حضرت بودند، سخن نگفت و بازگشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دانست که فاطمه علیها السلام برای تقاضای حاجتی خدمت او آمده و بدون آنکه به مقصود خویش برسد بازگشته است، لذا صبح روز بعد به خانه ما وارد شد و سلام کرد و ما جواب گفتیم. آن حضرت در بالای سر ما نشست و فرمود: ای فاطمه، دیروز که به نزد من آمدی چه حاجتی داشتی؟ فاطمه علیها السلام از روی حیا سخن نگفت. من (علی) ترسیدم اگر جواب او را ندهم آن حضرت برخیزد و برود، پس عرض کردم: یا رسول الله، فاطمه چندان از چاه آب کشیده که اثر بند مشک در بدن او نمایان است و چندان سنگ آسیاب را گردانیده است

۱. شیخ بهایی، مفتاح الفلاح، ص ۱۰۶ و ۱۰۷.

۲. حسین انصاریان، عرفان اسلامی، ج ۵، ص ۲۱.

که دست‌های او آبله کرده است، و زحمات خانه از جارو کردن و افروختن آتش و دیگر کارها او را پژمرده نموده است. من به او گفتم اگر خدمت رسول خدا بروی شاید برای شما خادمه‌ای بفرستد که تو را یاری کند.

رسول خدا ﷺ فرمود: آیا مایلید چیزی به شما یاد دهم تا برای شما از خادمه بهتر باشد؟!

سپس این تسبیحات را به فاطمه زهرا علیها السلام آموزش دادند.

در این هنگام فاطمه زهرا علیها السلام سه بار فرمود: از خدا و رسول او راضی شدم.^۱

خداوندا، توفیق خواندن تسبیحات حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را بعد از هر نماز واجب به ما عنایت فرما.

آمین، یا رب العالمین.

۱. احمد بن عبدالله، طبری، ذخائر العقبی، ص ۵۰. در این روایت پیامبر ﷺ فرمود: چون به رختخواب می‌روی ۳۴ مرتبه سبحان الله، سپس ۳۳ مرتبه الحمد لله و پس از آن ۳۳ مرتبه الله اکبر بگو. لذا برخی تسبیحات حضرت فاطمه علیها السلام را بدین صورت بیان می‌کنند.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. *مفاتیح الجنان*.
۳. سیدرضی، *نهج البلاغه*، ترجمه فیض الاسلام، مؤسسه انتشارات فقیه، تهران، [بی تا].
۴. ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی بن حسین، *الأمالی*، کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.
۵. ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی بن حسین، *ثواب الاعمال*، ۱۳۹۱ ه. ش.
۶. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی، *الکامل فی التاریخ*، مطبعة الازهریه، ۱۳۰۱ ق.
۷. ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی بن حسین، *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، انتشارات جهان، تهران، [بی تا].
۸. ابن شهر آشوب مازندرانی، رشیدالدین محمد بن علی، *مناقب آل ابی طالب*، علامه، قم، ۱۳۷۹ ق.
۹. ابوالفتوح رازی، جمال الدین حسین بن علی، *تفسیر ابوالفتوح رازی* (روض الجنان و روح الجنان)، کتابفروشی اسلامی، [بی تا].
۱۰. احسان بخش، صادق، *آثار الصادقین*، روابط عمومی ستاد برگزاری نماز جمعه گیلان، ۱۳۷۱ ش.
۱۱. اشتهااردی، محمد مهدی، *داستان های صاحب دلائل*، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۳ ه. ش.
۱۲. اکبر، علی [و دیگران]، *پرواز تا بی نهایت*، آجا، ۱۳۸۹ ش.
۱۳. آرمیون، امیررضا، *توتویی*، مؤسسه گسترش فرهنگ و مطالعات، ۱۳۹۱ ه. ش.
۱۴. آمدی، عبدالواحد، *غرر الحکم*، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۸۱ ه. ش.
۱۵. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، *البرهان فی تفسیر القرآن*، مؤسسه بعثه، ۱۳۷۴ ش.
۱۶. برخوردار فرید، شاکر، *آداب الطلاب*، چاپ اول، لاهوت، ۱۳۸۵ ش.
۱۷. بروجرودی، سید حسین، *جامع الاحادیث الشیعه*، فرهنگ سبز، ۱۳۸۷ ه. ش.
۱۸. بلاذری، احمد بن یحیی، *انساب الاشراف*، دانشگاه اورشلیم، ۱۹۳۶ م.
۱۹. بنی هاشمی خمینی، محمد حسن، *توضیح المسائل مراجع*، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۵ ه. ش.
۲۰. تهرانی، محمد رضا، *درة البیضا فی تفسیر القرآن*، سعید نوین، ۱۳۸۰ ه. ش.
۲۱. حرانی، ابن شعبه، *تحف العقول*، دارالحديث، ۱۳۸۳ ش.
۲۲. حقیقی، کریم محمود، *تجلی*، فلاح، ۱۳۸۱ ه. ش.
۲۳. خزائلی، محمد، *اعلام القرآن*، امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.
۲۴. خمینی، روح الله، *تحریر الوسیله*، دارالعلم، ۱۳۷۴ ش.

۲۵. دیلمی، حسن بن محمد ابی الحسن، *ارشاد القلوب*، ترجمه سید عبدالحسین رضایی، اسلامیه، ۱۳۸۲ ه. ش.
۲۶. راشدی، لطیف و راشدی، سعید، *رساله نه مرجع*، پیام عدالت، ۱۳۸۷ ه. ش.
۲۷. ره‌نوشه راهیان نور، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۸ ه. ش.
۲۸. شعیری، محمد بن محمد، *جامع الاخبار*، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۶ ه. ش.
۲۹. شیخ مفید، *الارشاد*، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۷۹ ه. ش.
۳۰. طباطبایی، سید محمد حسین، *سنن النبی*، بوستان کتاب، ۱۳۸۹ ه. ش.
۳۱. طبرسی، احمد بن علی، *احتجاج طبرسی*، دارالنعمان، ۱۹۶۶ م.
۳۲. طبرسی، احمد بن علی، *مجمع البیان*، کاتب، [بی‌تا].
۳۳. طبری، احمد بن عبدالله، *ذخایر العقبی فی مناقب ذوی القربی*، دارالکتب الاسلامی، [بی‌تا].
۳۴. طیب، سید عبدالحسین، *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*، اسلام، تهران [بی‌تا].
۳۵. عزیزی، عباس، *پرورش روح*، نشر نبوغ، [بی‌تا].
۳۶. عزیزی، عباس، *ثواب نماز جماعت*، صلاة، ۱۳۸۰ ه. ش.
۳۷. عزیزی، عباس، *دویست داستان از حالات عرفانی و معنوی نماز بانوان*، صلاة، ۱۳۸۸ ه. ش.
۳۸. علی محمد، علی دخیل، *زینب بنت امیر المؤمنین (علیها السلام)*، مؤسسه اهل البيت، [بی‌تا].
۳۹. فت النیشابوری، محمد بن احمد، *روضة الواعظین*، دلیل ما، ۱۳۸۱ ه. ش.
۴۰. فلاح‌زاده، محمد حسین، *آموزش احکام سطح متوسطه (ویژه پسران)*، چاپ اول، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۲ ش.
۴۱. فلاح‌زاده، محمد حسین، *آموزش فقه*، چاپ ششم، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۸ ش.
۴۲. قمی، ابوعلی حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک، *تاریخ قم*، انتشارات زائر، ۱۳۸۵ ش.
۴۳. قمی، عباس، *انوار البهیة فی تواریخ الحجج الالهیه*، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷ ق.
۴۴. قیومی اصفهانی، جواد، *صحیفه المهدی (علیه السلام)*، نشر اسلامی، [بی‌تا].
۴۵. کاشانی، فتح‌الله، *تفسیر منهج الصادقین*، بوستان کتاب، ۱۳۸۸ ه. ش.
۴۶. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ش.
۴۷. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، مؤسسه الطبع و النشر، بیروت [بی‌تا].
۴۸. محدثی، جواد، *آشنایی با سوره‌ها*، چاپ هشتم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
۴۹. محمدی ری‌شهری محمد، *حکمت نامه جوان*، دارالحديث، ۱۳۸۴ ه. ش.
۵۰. محمدی‌نژاد، علیرضا [ودیگران]، *رساله مصور*، مؤسسه فرهنگی - هنری اطلس تاریخ شیعه، ۱۳۸۹ ه. ش.
۵۱. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الإسلامیه، قم، ۱۳۷۴ ش.

۵۲. نجمی، محمدصادق، سخنان امام حسین علیه السلام از مدینه تا کربلا، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶ ه.
ش.
۵۳. نقی‌ئی، رسول، دو رکعت قصه، کتاب آشنا، ۱۳۸۰ ه. ش.
۵۴. ورام، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر و نزہة النواظر (مجموعه ورام)، دارالکتاب الاسلامیہ،
۱۳۶۸ ه. ش.